



بسم الله الرحمن الرحيم

هر روز صبح با امام زمان(عج) پیمان می بندیم
و بیعت تازه می کنیم:

«خدایا من در این صبح و همه صحیح‌گاهان زندگیم، عهد و عقد و
بیعتی با مولایم، تازه می سازم که هرگز از آن سریچی نکنم و دست
نکشم. خدایا من را از باران و یاورانش قرار بده!»

مولای ما، حجت خدا و ولی نعمت همه است. او «امان زمین و امام
زمان» است. ما هر چه داریم به برکت اوست ولی اکنون چون

خورشیدی پشت ابر است که برای طلوع نیاز به یاری دارد!

آیا تا به حال از خود پرسیده‌ایم: چگونه می توان امام زمان(عج) را
یاری کرد؟! آیا قرائت دعای عهد و عقد را از هر روز کافی است تا ما هم جزو
یاوران آن حضرت قرار گیریم؟ آیا وظیفه ای نداریم؟! آیا باید کاری
انجام داد؟! آیا اساساً از دست ما جز ندب و امید داشتن داشتم کاری
می آید؟! چه باید کرد؟!

پاسخ به این سوالات اگر صحیح و منصفانه باشد، ما را به حقیقت
نزدیک می کند.

این روزها واژه هایی چون «آخرالزمان»، «پایان دوران»، «آمدن
منجی» و «ظهور مسیح» برس رزیانها افتاده است؛ هزاره گرایان
مسیحی، بعد از اینکه مسیح در شروع هزاره دوم هم نیامد، چشم به
سال ۲۰۳۰ دوخته اند که دوهزارمین سال تولد عیسی(ع) است.
يهودیان هر روز برای آمدن «ماشیح» دعا می کنند تا به آنها
«ملکوت آسمان ها» را نشان دهد. دیگران هم بی تفاوت نیستند؛
بوداییان، زرتشیان، شرقیان و غربیان همه در انتظار «منجی» روزگار
می گذرانند و برای آمدن موعد خود از صرف هزینه های زیاد هم
دریغ ندارند!

ما چه کردایم؟! آیا ما هم مثل آنان موعدی داریم که سخن از او
سراسر تناقض باشد؟! یا نه، موعد آینم ما، موجودی است مشخص
و دارای هدف معین که «زمین را پر از عدل و داد می سازد، آنچنان
که پر از ظلم و بیداد شده است»؟! آیا از این سرمایه بهره برده ایم؟!
آیا سهم خود را از نعمت سلامت عقیده و امنیت جان و ناموس و
دین که در پرتو او داریم، پرداخته ایم؟! آیا لااقل گامی در جهت
شناخت صحیح و بدون خرافات او برداشته ایم تا به مرگ جاهلی
نمیریم؟! آیا اگر او بیاید، می توانیم در مقابلش بایستیم و به چشمان
مهریانش نگاه کنیم؟! یا نه، از شرم‌ساری و سرافکندگی به گوشه ای
می خزیم؟!

ما آمده‌ایم برای بیعت و پیمانی تازه در؛ «روزگاری که ایمان فلک
رفته به باد»!

ما آمده‌ایم برای التیام در دل خویش در فراق یار و اینکه به اندازه
توان خود به آن عزیز فرزانه بگوییم که ما را هم بدزیر:
«ایها العزیز مسنا و اهلنا الضر و جئنا بپساعه مزاجه فاوف لنا الكيل
وتصدق علينا ان الله يجزى المتصدقين»

ای عزیز مملکت جان! ای یوسف فاطمه(ع)! ما را یاری کن تا در
این راه که قدم گذاشته ایم، فقط تو را بخوانیم و به سوی تو باشیم!
ویزگی رسانه مکتوب مهدوی، خاصیت ماندگاری نوشته است هم-
چنانکه دسترسی آسان به آن. علاوه براینکه مطبوعات و نشریات
جایگاهی است برای پرورش فکر و قلم و نیز مقدمه‌ای است برای
نزدیکی آرا و عقاید.

دوستان شما که مجموعه‌ای از متخصصان و فرهیختگان در زمینه
«امامت و مهدویت» هستند، علاوه بر پیمانی که با مولای خود
بسته‌اند، با شما هم داستان شده‌اند تا با تبادل اندیشه و نظر:

۱. خود را در معرض نقد و ارزیابی قرار دهند و آینه نظراتتان باشند.
۲. از اندیشه‌های شما بزرگواران کمال استفاده را ببرند.

۳. به پرسش‌های شما، پاسخ صحیح دهند.

۴. به کمک شما از حریم مولای خود دفاع کنند.

۵. شانه به شانه شما، به سوی آرمانشهر موعد قدم بردارند.

۶. ع ما آمده ایم برای اینکه «طرحی نو در اندازیم»؛

۷. تا یار که را خواهد و میلش به که باشد!

پی نوشت:

۱. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲. یوسف



AMAN-E ZAMAN

امان لاهل الأرض



سلامی از جنس بیعت با مولا
پای سخن امام مهدی(عج)
مکن نیست!

اقامتگاه دلدار
یوسف زهر(عج)

سیز سرخ

من رانندۀ تریلی هستم!

دولت کریم، یاران صبح

ساحل عاج، معركة اسلام و سیحیت

محمد، منتظر قائم(عج) بود

ما نمی کذاریم ایران سقوط کنند

سایت محان مهدی(عج)

ویژه نامه هفته امامت و مهدویت

عهد محبت، بیعت طاعت

روزشمار ربيع از شهادت تا بیعت

سلام بر بهاران

نماز اول وقت یادت نزود!

شب و شمع و طوفان

اصطلاحات مهدویت

سی دی انتظار

شاید ده نسل طول بکشد!

قتل وکشترار در زمان ظهور؛ آری یا خیر؟!

زیور دارد

انتظار بزرگ

سوسن، نرگس، حکیمه؛ سه زن، دو کل، یک غنچه

چشمۀ اینجاست

ترانه امید

مرکز تخصصی امامت و مهدویت؛ کامی نو در مسیری سیز

جدول

خبر امید

نه هرکه سربتر اشد، قلندری داند!

امان زمان

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

مرکز تخصصی امامت و مهدویت

مدیر مسؤول: مجتبی کلباسی

سردیبیر: جواد قاسمی

شورای سیاستگذاری:

مجتبی کلباسی، محمد صابر جعفری، محمدرضا نصیری،

علی مصلحی، محمد عمران، جواد قاسمی،

همکاران تحریریه:

موسی جوانشیر، محمدجواد کمار، محمد صرفی،

علی محمد رایگان، محمد رضا عسکری، حسین دهقان،

سعید عبدالله، علی اصغر رضابی، روح‌الله سلحشور،

محمد رضا امامی نژاد، محمود شیریان،

حروف نکار: سید مالک اشتر هاشمی،

همکاران اجرایی:

روح‌الله علی یاری، نورانه نوری، روح‌الله عبدالله پور،

صبحان تام، روح‌الله تاری و روی

نشانی:

قم، خ شهدا، کوچه آمار، بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴

صندوق پستی: ۳۷۱۳۵ - ۱۱۹

تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ - نامبر: ۷۷۳۷۱۶۰

مرکز پخش:

تهران، خ شریعتی، خ ملک، نبش خ شهید یوسفیان، پلاک ۱

صندوق پستی: ۱۵۶۵۵ - ۳۵۵

تلفن: ۸۸۴۰۸۴۱۹ - نامبر: ۸۸۴۰۸۰۲۲

● «امان زمان» پذیرای نوشته‌ها و گزارشات مهدوی می باشد.

● مقاله‌های درج شده، لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه نیست.

● «امان زمان» در ویرایش و تالیف مقالات آزاد است.

● مطالب ارسالی پس فرستاده نمی شود.



یا مهدی ادرکنی
سردیبیر

پا سخن امام مهدی

اهمیت نماز

«ما ارغم انف الشیطان افضل من الصلاة فصلها و ارغم انف الشیطان؛ هیچ چیزی چون نماز، بینی شیطان را به خاک نمی مالد، پس نماز بگزار و بینی شیطان را به خاک بمال!»^۱
این کلام از پاسخ هایی است که از ناحیه مقدسه امام مهدی(عج) در جواب مسائل ابی الحسین جعفر بن محمد اسدی، صادر شده است.

نماز اول وقت

«ملعونٌ ملعونٌ من أخر الغدة إلى ان تنقضى النجوم؛ از رحمت خدا دور باد، از رحمت خدا دور باد، کسی که نماز صبح راتا موقعی که ستارگان ناپدید بشوند، به تاخیر بیندازد»^۲
این حدیث قسمتی از توقیعی است که در جواب سؤال محمد بن یعقوب از ناحیه مقدسه رسیده است. امام مهدی(عج) در این توقیع تأکید فراوانی بر نماز اول وقت می فرمایند.
در روایات ما وقت فضیلت نماز، همان اول وقت است که از آن به «رضوان الله» تعبیر شده است. شاید فایده نماز اول وقت این باشد که چون امام مهدی(عج) هم در اول وقت نماز می خواند، به برکت نماز آن حضرت خداوند نماز ما را هم قبول کند. البته اختلاف افق ها تأثیری در این موضوع ندارد، به عبارت دیگر منظور ادای نماز هادر زمان واحد نیست بلکه مقصود اتحاد در عنوان واحد، یعنی ادای نماز «اول وقت» است، منتها هر کسی برحسب افق خودش.

به دنبال مقاصد الهی بودن

«من کان فی حاجة الله عزوجل کان الله فی حاجته؛ هر کس به دنبال مقصود خداوند عزوجل باشد، خداوند نیز برآورنده حاجت اوست.»
این حدیث را شیخ صدوq در ضمن پیامی از امام مهدی(عج) به حلیسی نقل می کند.
تعبیر حاجت خداوند با توجه به بی نیازی خداوند، می تواند مصاديق گوناگونی داشته باشد:
الف) خدمت به خلق و مردم؛ به این معنا که هر کس حاجت مردم را به جا آورد، گویا حاجت خداوند را به جا آورده است.
ب) مراد از حاجات الهی دستورهای خداوند اعم از اوامر و نواہی باشد که مطیع آنها برآورده کننده مقاصد الهی است.
ج) اگر انسان کاری را نجام دهد که اجرایش مطلوب و خواسته خداوند باشد، خداوند نیز کارهای او را اصلاح می کند.

استغفار در حق دیگران

«لولا استغفار بعض لهلک من عليها؛ اگر طلب آمرزش برخی از شما برای دیگری نبود، تمام اهل زمین هلاک می شدند.»
امام مهدی(عج) در حدیثی طولانی خطاب به فرزند مهذیار، شیعیان را به استغفار و دعا در حق یکدیگر ترغیب می کند، زیرا از آثار و برکات آن، رفع عذاب از روی زمین و اهل آن است.
از این حدیث دو نکته استفاده می شود:
الف) گناه، باعث هلاکت و عذاب مردم در همین دنیا می شود.
ب) استغفار سبب مغفرت است، خصوصاً اگر در حق یکدیگر باشد.
در قرآن کریم (انفال/ ۳۳) آمده است که: «خداوند آنان را در حالی که استغفار می کنند، هرگز عذاب نخواهد کرد».

حفظ اموال مردم

«فلا يحل لأحد أن يتصرف من مال غيره بغير إذنه؛ برای هیچ کس جایز نیست که بدون اجازه صاحب مال، در مالش تصرف کند.»
این کلام بخشی از جوابی است که حضرت در پاسخ به سوالات اسدی، مرقوم می دارند.
همانطور که در قرآن کریم (نساء/ ۲۹) آمده است که «اموال خود را بین خودتان به باطل نخورید»، از این حدیث استفاده می شود که مال مسلمان نیز مانند آبرو و جانش باید محفوظ باشد و دیگران نباید چشم سوئی به آن داشته باشند. کسی حق ندارد مال دیگری را به زور و به غیر از راههای شرعی مثل تجارت، بیع، ارث، اجاره و... به تصرف خود در آورد.
برگرفته از: شرح چهل حدیث از حضرت مهدی(عج)، علی اصغر رضوانی، قم.

پی نوشت:

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۴۹: وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۳۶، ح ۵۰۳۳.
۲. الغیب طوسی، ص ۲۷۱، ح ۲۳۶: وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۱، ح ۴۹۱۹.
۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۹۳، ح ۱۸: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۱، ح ۵۶.
۴. دلائل الامامة، ص ۲۹۷.
۵. کمال الدین، ص ۵۲۱، ح ۴۹: وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۰-۵۴۱، ح ۱۲۶۷۰.





دلا یافتگار



باستذن اخلاق زیارت حضرت مصطفی مهدویت ۱۴۰۰

آیت الله حسن زاده آملی می گوید: من به آقای سید محمدحسن الهی^۱ که در عرفان و سیر و سلوک شاگرد مرحوم قاضی^۲ بود، مکرر عرض می کردم، وقتی خدمت آقا می رسید، از جانب من خواهش کنید که مرا هم در شرف خدمت حضرت امام مهدی (عج) شریک خود نمایند و برای من نیز اجازه ملاقات بگیرید.

روزی در شهر آمل، بعد از ظهر مشغول استراحت بودم. بچه ها خیلی سر و صدا می کردند و مانع استراحتم شدند. من عصبانی شدم و به آنها تندی و پرخاش کردم اما بعد، از آن حرکت خود پیشمان شده و از اینکه بچه ها را ناراحت کرده ام، وجود ان راحت نبود. عصر رفتم بازار و مقداری شیرینی و میوه خریدم و به منزل آوردم که شاید به این وسیله دل بچه ها را به دست آورم. با این حال آشفته خاطر بودم و وجود آن راحت نمی گرفت. بالاخره تصمیم گرفتم به تبریز سفر کرده و با مرحوم الهی دیداری داشته باشم. خدمت ایشان که رسیدم، پیش از آنکه علت سفرم را بیان کنم گفت: آقاجان! عرض مرا خدمت استاد رسانید؟!

فرمود: من راجع به این موضوع نامه ای به شما نوشتم و چون آدرس شما را نداشتیم، خدمت آقای اخوی فرستادم که به شما برساند. در آن نامه آورده ام که وقتی پیام شما را به آقا عرض کردم، ایشان تأملی فرمودند و سپس با ناراحتی ابراز داشتند: «ایشان چگونه می خواهند این راه را طی نمایند با آن اخلاقی که نسبت به عائله و کودکان انجام داده و با آنها دعوا کردد؟! با آن اخلاق و تنی، چگونه می شود به این رتبه و مقام رسید؟!»

آری سالک باید هوشیارانه مواظف و مراقب خود باشد و تمام اعضا و جوارح خود را همیشه کنترل نماید.^۳

پی نوشت:

۱. مرحوم الهی برادر بزرگتر مرحوم علامه طباطبائی، صاحب المیزان است.

۲. مرحوم قاضی، استاد عرفان و اخلاق بزرگانی چون مرحوم الهی، علامه طباطبائی، مرحوم کشمیری، و حضرت آیت الله بهجت می باشند.

۳. مردان علم در میدان عمل، سید نعمت الله حسینی، چاپ اول، ج ۵، صص ۳۷۹-۳۷۷.



مسجد سهله در اطراف کوفه، در دو کیلومتری شمال غربی مسجد اعظم کوفه، کهنه‌ترین مکان منتب به امام مهدی(ع) است. در احادیث رسیده از امامان نور، مسجد سهله، به عنوان اقامتگاه شخصی امام مهدی(ع) در عصر ظهور مطرح شده است. در این نوشтар به استناد شش حدیث از پیشوایان معصوم(ع) جایگاه مسجد سهله بررسی شده، ویژگی‌های آن مکان مقدس شمارش گردیده و به چند مورد از نیکبختان تاریخ که در این پایگاه ملک پاسبان به حرم حضرت دوست راه یافته اند، اشاره شده است.

اقامتگاه حضرت در عصر ظهور

در احادیث فراوانی به صراحت اعلام شده که اقامتگاه شخصی امام مهدی(ع) در دوران ظهور، مسجد مقدس سهله است:

۱. محدثان عالی مقام شیعه، با استناد معتبر، در مجتمع حدیثی خود روایت کرده‌اند که روزی در محضر حضرت امام صادق(ع) از مسجد سهله گفت و شنود شد، فرمودند: «آنجا اقامتگاه صاحب ماست؛ هنگامی که با خانواده‌اش قیام کند».^۱

۲. بیش از یک قرن پیش از ولادت امام مهدی(ع)، امام صادق(ع) به یار باو فایش ابوبصیر، فرمود:

«ای ابا محمد! گویی فرود آمدن قائم(ع) را با اهل و عیالش در مسجد سهله، با چشم خود می‌بین». ابوبصیر عرضه داشت: آیا محل اقامت دائمی آن حضرت در مسجد سهله خواهید بود؟

حضرت فرمود: آری، سپس فرمود: مسجد سهله اقامتگاه حضرت ادريس بود.

مسجد سهله اقامتگاه حضرت ابراهیم خلیل الرحمن بود. خداوند، پیامبری را مبعوث نکرده جز اینکه در مسجد سهله نماز گزارده است.

مسجد سهله، پایگاه حضرت خضر(ع) است. کسی که در مسجد سهله اقامت کند، همانند کسی است که در خیمه رسول اکرم(ص) اقامت کند.

مرد و زن با ایمانی یافت نمی‌شود، جز اینکه دلش به سوی مسجد سهله پر می‌زند.

هیچ کس در مسجد سهله نماز نمی‌گزارد که با نیت راستین خدا را بخواند، جز اینکه او را با حاجت برآورده شده از آنجا بر می‌گرداند. هیچ کس نیست که در مسجد سهله به خدا پناه‌نده شود، جز اینکه خداوند او را از آنچه بیم دارد، پناه دهد.

ابوبصیر عرض کرد: فضیلت بسیار بزرگی است! امام صادق(ع) فرمود: آیا برایت بیفزایم. عرض کرد: بلی.

فرمود: مسجد سهله از آن بقعه‌هایی است که خداوند دوست دارد، او را در آنجا بخوانند.

شب و روزی نیست که فرشتگان به زیارت مسجد سهله نشتابند و در آنجا به عبادت حق تعالی نپردازند. اگر من در آن سامان سکونت داشتم، هیچ نمازی را جز در مسجد سهله نمی‌خواندم.

ای ابا محمد! اگر مسجد سهله هیچ فضیلتی جز فرود آمدن فرشته‌ها و اقامت پیامبران نداشت، همین فضیلت بس بود، در حالی که این همه فضیلت دارد.

آنچه از فضایل مسجد سهله برای تو بازگو نکردم، بیش از فضایلی است که برایت گفتم.»^۲

۲. مفضل در ضمن حدیث مفصلی از محضر امام صادق(ع) پرسید که منزل امام مهدی(ع) و مرکز اجتماع شیعیان کجا خواهد بود؟ امام صادق(ع) در پاسخ او فرمود:



اقامتگاه

آشنایی با مسجد سهله



۴. حضرت آیت الله حاج میرزا مهدی اصفهانی، در مسجد سهله برای ملاقات امام مهدی(عج) و رهایی از منجلاب افکار یونانی و التقاطی، استغاثه می کرد. سرانجام روزی به هنگام بازگشت از مسجد سهله در مقام هود و صالح به محضر آن حضرت شرفیاب شد و این جمله نورانی را بر سینه آن حضرت مشاهده کرد:

«طلب المعارف من غیر طریقتنا اهل البیت مساوی لانکاران؛ گرفتن معارف دینی به جز از طریق ما اهل بیت، مساوی با انکار ما است».١٠

۵. علامه طباطبائی، صاحب تفسیر المیزان از استادش مرحوم آقا سید علی قاضی نقل می کرده که برخی از افراد زمان ما، مسلمان به محضر مبارک آن حضرت رسیده‌اند. یکی از آنان حاج شیخ محمد تقی آملی بود که در مسجد سهله در مقام صاحب الزمان (عج)، مشغول دعا و ذکر بوده که ناگهان آن حضرت را در میان نوری بسیار قوی می‌بیند که می‌خواهد به او نزدیک شود، ابهت و عظمت آن نور طوری اورا می‌گیرد که نزدیک بوده قبض روح شود، نفس هایش به شماره می-افتد، حضرت را به اسمای جلاله خدا قسم می دهد که نزدیکتر نشود.١١

۶. عالم دل سوخته‌ای، چهل شب چهارشنبه به قصد یار به مسجد سهله مشرف می‌شود ولی به مقصود نمی‌رسد. سرانجام او را به مغازه پیرمرد قفل سازی در بازار آهنگران رهنمون می‌شوند. مغازه پیرمرد را پیدا می کند. رفتار صادقانه و منصفانه‌ای از او مشاهده می کند. از دولب جان جانان، این جمله را می‌شنود که فرمود: «اینگونه پاشیدا ما خود به سراغ شما می‌آییم».١٢

۷. آیت الله غروی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد سهلاوی که در همسایگی مسجد سهله اقامته داشت، نقل کردن که گفت: «روزی چیزی برای خوردن نداشتم، به حضرت عرض کردم: من، هیچ، ولی برای بچه ها چه کنم؟ به دلم گذشت که به مقام ابراهیم(ع) بروم. چون به آنجا رسیدم، دیدم ظرف بزرگی پر از غذا آنچاست و هنوز بخار از آن متصاعد است. متوجه شدم که از عنایت مولات است».١٣

اعمال مسجد سهله

اعمال مسجد سهله، بسیار فراوان است که تعدادی از آنها، در روایتی امام صادق (ع) نقل شده است ولی مهمترین آنها دو رکعت نماز تحيث مسجد است که امر شده میان نماز مغرب و عشا خوانده شود.١٤

منبع: فصلنامه انتظار، شماره ۶.

بی نوشته:

۱. کافی، ج. ۳، ص. ۴۹۵.
۲. بحار الانوار، ج. ۱۰۰، ص. ۴۳۶.
۳. بحار الانوار، ج. ۵۳، ص. ۱۱.
۴. مستدرک الوسائل، ج. ۳، ص. ۴۱۷.
۵. وسائل الشیعه، ج. ۵، ص. ۲۶۶.
۶. ع امامی شیخ طوسی، ج. ۱، ص. ۴۱۷.
۷. العبرقی الحسان، ج. ۲، ص. ۲۰۰.
۸. العبرقی الحسان، ج. ۱، ص. ۱۰۳.
۹. بحار الانوار، ج. ۵۵، ص. ۲۴۵.
۱۰. ابواب الهدی، مقدمه ص. ۴۶.
۱۱. مهر تابان، ص. ۱۳۷.
۱۲. ره توشه یاوران مهدی، ص. ۱۶۴.
۱۳. احساد جاویدان، ص. ۴۲ به نقل از یکی از فضلای نجف اشرف.
۱۴. المزار الكبير، ص. ۱۳۰-۱۳۸.

«مرکز حکومت او کوفه و مرکز قضاؤتش، مسجد اعظم کوفه و مرکز بیت المال و محل تقسیم غنائم مسلمانان، مسجد سهله و محل خلوت و مناجات‌هایش تپه‌های سپید و نورانی نجف اشرف است.»^{۱۵}

۳. از امام زین العابدین (ع) روایت شده که فرمود: «هر کس در مسجد سهله دور کوت نماز بخواند، خداوند دوسال بر عمر او می‌افزاید».١٦

۴. امام صادق(ع) در این باره فرمود: «هیچ غم زده‌ای نیست که به مسجد سهله ببرود و در آنجا دو رکعت نماز میان مغرب و عشا گزارده و خدا را بخوان، جز اینکه خداوند غم-هایش را زایل گرداند».١٧

۵. شیخ طوسی در ضمن یک حدیث طولانی از وجود مقدس امیر مؤمنان(ع) روایت می کند که به هنگام شمارش مساجد مبارکه کوفه، فرمود: «مسجد بنی ظفر (سهله)، مسجد مبارکی است. به خدا سوگند! در آنجا تخته سنگ سبز رنگی است که خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده است جز اینکه تمثال صورتش در آن هست».١٨

ویژگی های مسجد سهله

از بررسی مجموع روایاتی که درباره مسجد سهله رسیده، به این نتیجه می رسیم که مسجد سهله ویژگی های فراوان و امتیازات بی شمار دارد که به گوشه ای از آن ها اشاره می کنیم:

۱. آن جا، از سرزمین کوفه است.

۲. آن جا، اقامتگاه پیامبران و صالحان است.

۳. آن جا، اقامتگاه امام مهدی(ع) است.

۴. آن جا، رهگذر راهیان بهشت است.

۵. آن جا، محل عروج است.

۶. آن جا، محل نیایش امام مهدی(ع) است.

۷. آن جا، محل نزول فرشته هاست.

۸. امام صادق(ع) برای حوائج مهم به آن جا تشریف می برند.

۹. خدا دوست دارد که در آن جا نیایش شود.

۱۰. دل هر زن و مرد مؤمن به آن جا پر می کشد.

۱۱. هیچ کس به آن جا وارد نشود، جز اینکه حاجاتش برآورده شود.

۱۲. هیچ کس در آنجا نماز نگزارد، جز اینکه حاجت روا گردد.

باریافتگان مسجد سهله

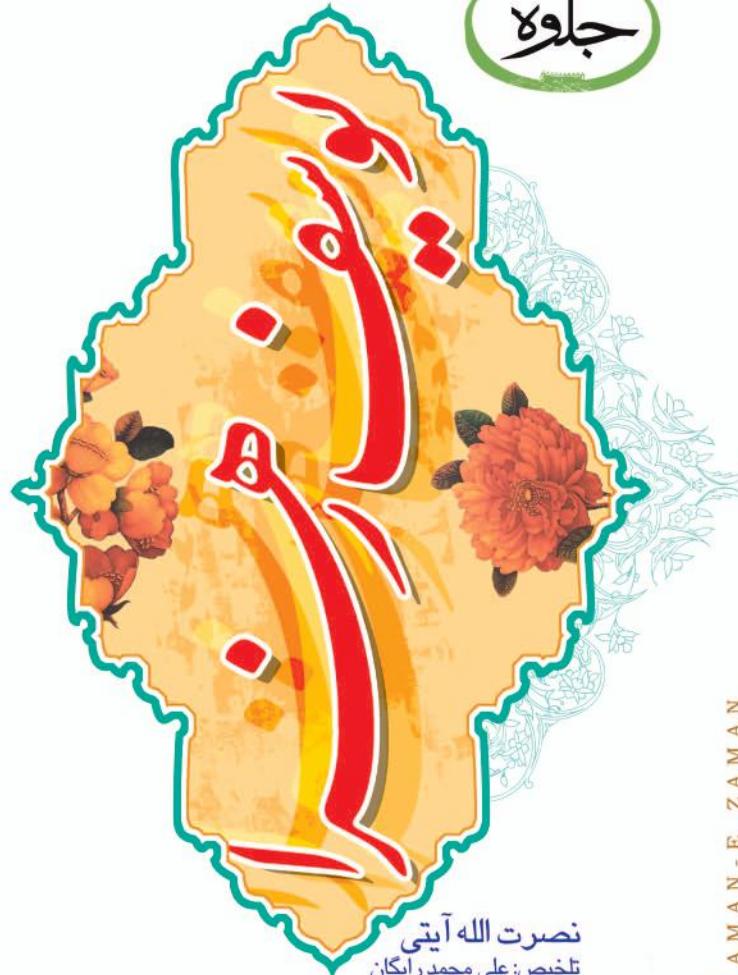
در طول یک هزار و نود و چند سالی که از آغاز غیبت کبری می گذرد، هزاران نفر از شیعیان شیفته و منتظران دل سوخته، به قصد دیدار یار، از اطراف و اکناف جهان، به سوی مسجد سهله می شتابند، شب‌هایی را در آنجا بیتوته می کنند، با کعبه مقصود و قبله موعود مناجات می کنند. به دیدار جان جانان موفق می شوند، ولی به دلیل دم فربستن، راز دل را به احدی اظهار نمی کنند.

با توجه به مشکلات فراوانی که در نقل این رویدادهاست، فقط اسامی شماری از این افراد سعادتمند را که در مسجد سهله به حضور یار بار یافته و یا مورد توجه محبوب قرار گرفته‌اند، می آوریم:

۱. حاج سید احمد اصفهانی(مشهور به خوشنویس) که در زمان میرزا شیرازی به سامرا مهاجرت کرده بود، روز جمعه‌ای در مسجد سهله به پیشگاه امام انس و جان شرفیاب شد و فرمان یافت که همه روزه صحبگاهان به نیابت از امام زمان(عج) زیارت عاشورا بخواند.^{۱۹}

۲. سید جلیل القدری از علمای زاهدان، پس از چهل شب مداومت در تشرف به مسجد سهله، شب چهارشنبه‌ای در مسجد سهله خدمت مولا رسیده و مورد عنایت قرار گرفته است.^{۲۰}

۳. محدث نوری، از یک مرد صالح نقل می کند که چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله مشرف شده و در شب چهلم، به دیدار محبوب شرفیاب شد و حضرتش او را به ملازمت پدر پیرش توصیه فرمود.^{۲۱}



نصرت الله آیتی
تلخیص: علی محمد رایکان



● زیبایی و بخشندگی

همان گونه که یوسف در زیبایی و بخشندگی، شهره آفاق بود، امام مهدی(عج) نیز به بالاترین درجه این دو ویژگی آراسته است. امام باقر(ع) فرمودند: «شباht او و با یوسف در زیبایی و بخشندگی اوست».^۴

● بھای اندک

کاروانیانی که یوسف را یافتند او را به بھای اندکی فروختند زیرا ارزش آن دُرِ یگانه، را نمی دانستند.^۵ برخی از شیعیان نیز به دلیل ناآگاهی از مقام و منزلت امام مهدی(ع) و از سر هواپرستی و دنیاخواهی، افتخار محبت و خدمت به آستان او را به بھای اندکی فروخته و می فروشنده! به عنوان مثال شخصی بنام ابوطالب، محمد بن علی بن بلال، به طمع اموالی که از ناحیه حضرت نزد او بود، ادعای کرد که خود، وکیل حضرت است و امانت را به محمدين عثمان، نایب دوم سپرد.^۶

● امید و نومیدی

وقتی که خورشید یوسف، در پس ابرهای غیبت فرو رفت، یعقوب هرگز امید خود را از دست نداد و از رحمت الهی و بازگشت یوسف نومید نشد و از خداوند درخواست دیدار یوسف را نمود؛ ولی برادران به امید اینکه قافله ای او را با خود ببرد، یوسف را نکشند و به چاه انداختند، وی را فراموش کرده بودند و حتی پدر خود را بخاطر امید به برگشت یوسف، سرزنش می کردند.^۷

در غیبت امام مهدی(عج) نیز برخی که از هدایت الهی برخوردارند و پیوسته با امید به فضل خدا، ظهرور او را انتظار کشیده و هرگز نومید نمی شوند. در مقابل گروهی دیگر که خداوند بر دلهایشان قفل زده و از درک حقایق ناتوان اند، امیدی به آمدنش ندارند، حتی گاهی وجودش را انکار و منتظرانش را سرزنش می نمایند.

امام صادق(ع) به زراره فرمود: «او کسی است که آمدنش را انتظار می کشند، اوست که مردم در تولدش شک می کنند، برخی می گویند: پدرش از دنیا رفت و فرزندی نداشت ... و برخی می گویند: هنوز بدنیا نیامده است...».^۸

● هدایت

یوسف، در زندان نیز از رسالتی که در برابر هدایت مردم بر عهده داشت، غافل نشد. هنگامی که دو یار زندانی یوسف خواب خود را بیان نمودند و تعبیر آن را از او خواستند، یوسف از فرستاد بدست آمده استفاده کرد و پیش از تعبیر خواب آنان، چنین گفت:

«ای همراهان زندانی من؛ آیا خدایان پراکنده بهترند یا خداوند یکتای پیروز؟ این معیوبهایی که غیر از خدا می پرسید چیزی جز اسم هایی (بی مسم) که شما و پدران تان آنها را خدا نامیدهاید، نیست. خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده است. حکم، تنها از آن خداست، او فرمان داده است که جز او را نپرسید. این است آیین پابرجا، ولی بیشتر مردم نمی دانند.»^۹

هرچند امام مهدی(عج) نیز در پس پرده غیبت است، اما لحظه‌ای از انجام رسالت خود یعنی هدایت مردم، غفلت نمی ورزد و مردم از فیض او بهره‌مند می شوند. امام(ع) همیشه در حال هدایت، سازندگی و پرورش است؛ گاه مخفیانه و گاه آشکارا. در کتابهای معتبر، نمونه‌های فراوانی از هدایت‌هایی ویژه آن حضرت آمده است.^{۱۰}

● قدر شناسی

خدمت عزیز مصر و همسرش به یوسف - رها کردن او از بردگی و پرورش دادن وی در دامان مهر و محبت خود- سبب شد که یوسف هنگام گرفتاری و قحطی به کمک آنان بشتابد.

یکی از پامیرانی که امام مهدی(عج) به او تشبیه شده، حضرت یوسف است که در روایات متعدد از جهات گوناگون این شباhtها بیان شده است. این نوشتار می کوشد با تأملی در قرآن و روایات، شباht میان یوسف زهرا (عج) و یوسف یعقوب را بازگو کند تا از این رهگذر، فهم و پذیرش حضرت مهدی(عج) آسانتر گردد هر چند بیان این نکته لازم است که:

میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است

● **غیبت**
برجسته ترین شباht بین امام مهدی(عج) و حضرت یوسف(ع)، همانندی در غیبت است.

امام باقر(ع) به محمد بن مسلم فرمودند: «شباht او به یوسف در غیبت اوست از اقوام دور و نزدیک و از برادران خود...»^{۱۱}

البته بین غیبت امام(ع) و غیبت یوسف(ع) تفاوت وجود دارد؛ زیرا غیبت یوسف، غیبیتی نسبی است چون نسبت به پدر و مادر و برادران و کنایانیان غایب بود ولی از دیدگان مصریان غایب نبود ولی غیبت امام مهدی(عج) غیبیتی است مطلق و حضرت از دیدگان همگان غایب است.

● **حضور**
برادران یوسف وقتی بخاطر قحطی و جهت خرید آذوقه به مصر آمدند و به بارگاه یوسف وارد شدند، یوسف را نشناختند ولی یوسف برادران خود را شناخت.^{۱۲}

در حدیثی از امام صادق(ع) آمده است: «او، در بازارهایشان راه می رود و بر فرشهایشان گام می نهد ولی مردم او را نمی شناسند تا هنگامی که خداوند به او اجازه دهد که خودش را معرفی کند همان گونه که به یوسف اجازه داد...»^{۱۳}

امام صادق(ع) فرمودند: «ظهور رخ نخواهد داد مگر هنگامی که همه گروه‌ها بر مردم حکومت کنند و کسی نگوید: اگر ما، حاکم بودیم، به عدالت رفتار می‌کردیم، پس از این وضعیت، قائم(عج) همراه با حق و عدالت قیام خواهد کرد». ^{۱۷}

این حدیث به این معنا است که مردم باید در بینند که خودشان توان هدایت و رهبری و رسیدن و رسانیدن به آرمانهای خود را ندارند، پس باید در بی منجی واقعی باشند.

● **دلدادگی**
برادران یوسف، آذوقه او را می‌خواستند: «وف لنا الکیل؛ پیمانه ها را کامل کن»^{۱۸}

ولی یعقوب، وصال یوسف را می‌خواست و حضور او را؛ زیرا یوسف خواستنی و دوست داشتنی بود و لذا به پسرانش هنگام عزیمت‌شان به مصفر فرمود: «پسرانم! بروید و یوسف را بجویید». ^{۱۹} همیشه در طول تاریخ هم، منتظران امام مهدی(عج) دو دسته بوده اند: برخی که او را برای سرسبزی، خرمی، فراوانی نعمت و خواسته اند و گروهی هم او را خواسته اند چون امام و خلیفه خدا و آینه تمام نمای اسماء و صفات الهی و سرشار از معنویت و روحانیت است.

● **اقبال همگانی**
برادران یوسف، آنگاه از جام حضور و دیدار یوسف سیراب شدند که همگان به صورت دسته جمعی به سوی او رفته و به او اظهار نیاز نمودند. برای دمیدن آفتاب جمال یوسف زهراء(عج) نیز چاره ایی نیست جز درخواست همگانی و لذا امام مهدی(عج) در نامه خود به

شیخ مفید نوشتند:

«اگر همه شیعیان ما - که خداوند آنان را در فرمان برداری یاری دهد - بر عهد و پیمانی که با ما بسته اند، با هم یکدل می‌شندند، برکت زیارت و دیدار ما برایشان به تأخیر نمی‌افتد و از سعادت دیدار ما بهره‌مند می‌گشتند». ^{۲۰}

● **پیروزی نهایی**
سرانجام بعد از فراز و نشیبهای فراوان، وعده خداوند تحقق پیدا کرد و یوسف به اوج شوکت و قدرت رسید؛ بطوری که برادران و پدر و مادرش در برابر این شکوه بخاک افتادند. ^{۲۱}

وعده الهی در مورد امام مهدی(عج) هم محقق خواهد شد؛ سرانجام دوران غیبت به سر می‌آید و جهان و جهانیان در برابر حق سر تعظیم فرو خواهد آورد. ^{۲۲}

پی نوشت:

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۴۴۳.
۲. یوسف / ۸۵: «فدخلوا عليه فعرفهم و هم له منکرون».
۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۱۰.
۴. منتخب الائمه، ص ۳۷۱.
۵. یوسف / ۲۰: «و شروع بیعنی بخس دراهم معدوده».
۶. غیبت طویل، ص ۴۰۰.
۷. یوسف / ایات ۸۳۱، ۸۳۰، ۹۴.
۸. کمال الاسبوع، ص ۳۱۵.
۹. یوسف / ۳۹ و ۴۰.
۱۰. ر. ک. به: میرمهر، مسعود پورسید آقایی.
۱۱. غیبت طویل، ص ۲۴۶.
۱۲. ترجمه نجم الثاقب، ص ۵۵.
۱۳. بنای الموده، ص ۲۲۲.
۱۴. غیبت طویل، ص ۲۹۲.
۱۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۱۰ به نقل از امام صادق(ع).
۱۶. کهف / ۱۰.
۱۷. غیبت نعمانی، ص ۲۷۴ به نقل از معجم الاحادیث امام المهدی(عج) ج ۳، ص ۲۴۶.
۱۸. یوسف / ۸۸.
۱۹. یوسف / ۸۷.
۲۰. احتجاج، ج ۲، ص ۶۰۲.
۲۱. یوسف / ۱۰۰.
۲۲. قصص / ۵.

به یقین خدمتگزاری آستان امام مقدس زمان(عج) که بهترین شکل آن زمینه سازی برای ظهور و تحقق بخشیدن اهداف ایشان است، برخورداری از عنایت‌های مخصوص آن حضرت را در پی خواهد داشت. آیا می‌توان پنداشت که یوسف زهرا(عج) در بخشش به اندازه یوسف یعقوب نباشد؟! هرگز!!

● **دفع بلا**
یوسف از اهل مصر و حتی کشورهای هم جوار و برادران خود، بلای قحطی و خشکسالی را دفع کرد. هر چند برادران و مصریان با یوسف برخوردار شایسته نداشتند ولی یوسف از کمک و دستگیری آنان فروگذاری نکرد.

امام مهدی(عج) نیز سپر بلا از شیعیان می‌باشد. ظرفی می‌گوید: به محضر امام مهدی(عج) وارد شدم، ایشان فرمودند: آیا مرا می-شناسی؟ عرض کردم: آری. فرمودند: من که هستم؟! عرض کردم: شما آقای من و فرزند آقای من هستید. فرمودند: منظورم این نبود. عرض کردم: فدایت شوم منظورتان چیست؟ فرمودند: من آخرين اوصيا هستم و خداوند به واسطه وجود من بلا را از اهل و شیعیان رفع می‌کند. ^{۲۳}

برای نمونه می‌توان به عنایت امام مهدی(عج) به شیعیان بحرین اشاره نمود که به قضیه «آنار» معروف می‌باشد. ^{۲۴}

● **محنت**
دیدار با یوسف رخ نداد مگر پس از رنج‌ها و محتتهای فراوانی که برادرانش به جان خربند و خون دلهای یعقوب در فراق یوسف و اشکهایی که بر هجران او ریخت.

خورشید یوسف زهراء(عج) نیز طلوع نخواهد کرد مگر پس از محتتهای فراوان و سیل‌های مصیبی که بر دل شیعیان فرو خواهد ریخت. امام علی(ع) می‌فرماید: «یاری خداوند بسوی شما نخواهد آمد مگر هنگامی که در چشم مردم از مرده پست تر شوید و این همان کلام خداوند در سوره یوسف است که فرمود: «تا آنگاه که رسولان نامید شند و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است. در این هنگام یاری ما به سراغ آنان آمد». آنگاه هنگام قیام قائم‌ما، مهدی(عج) است. ^{۲۵}

● **نیاز**
نیاز برادران به آذوقه، قحطی و فشار و تنگی معیشت، زمینه ساز دیدار آنان با یوسف شد. احساس نیاز به وجود امام عصر(عج) در ژرفای جان انسانها نیز زمینه ساز ظهور خواهد بود. امام مهدی(ع) در نامه‌ای خطاب به اسحاق بن یعقوب می‌فرماید: «واکثروا الدعا بتعجیل الفرج؛ برای فرج من بسیار دعا کنید». ^{۲۶} یکی از زمینه‌های دعا، احساس نیاز است. ادمی تا کمبودی در وجودش احساس نکند، دست به دعا برنمی دارد؛ دعا در بستر نیاز می‌روید. بنابراین دستور به دعا، برانگیختن احساس نیاز واقعی به امام در وجودمان می‌باشد.

● **تنها پناه**
آنچه یوسف داشت، نزد دیگران یافت نمی‌شد. از این رو با این که میان یوسف و برادرانش، هجدۀ روز فاصله بود، آنان برای تهییه آذوقه این مسیر طولانی را پیمودند. مطمئناً اگر آذوقه در جای دیگر نیز یافت می‌شد، هرگز سختی این راه طولانی را به جان نمی‌خیردند. گمشده بشر امروزی - عدالت، معنویت و در یک کلام رشد انسان - تنها نزد حجت خداست ویس. او تنها کسی است که می-تواند نیازهای بشریت را برآورده سازد و او را در همه ابعاد به کمال برساند تا این باور در انسانها شکل نگیرد، او ظهور نخواهد کرد.





نگاهی به کنفرانس تل آویو که در صدد بود، شیعه اثنا عشری را با رویکرد انقلاب اسلامی ایران بشناسد.

مهدیت سنتیزایر

در دسامبر ۱۹۸۴ م در دانشکده تاریخ دانشگاه تل آویو (فلسطین اشغالی) با همکاری موسسه مطالعاتی «شیلوهه» که یک موسسه مطالعاتی غیر انتفاعی و متصل به صهیونیسم است، کنفرانسی با حضور ۳۰۰ شیعه شناس بر جسته جهان از جمله: «دانیل برومبرگ»، «ماروین زونیس»، «میکل ام. جی. فیشر»، «برنارد لویس»، «مارتین کرامر»... برگزار شد.

در این کنفرانس سه روزه، ۳۰ مقاله صدرصد تحلیلی، تحقیقی و مبتنی بر پیچیده‌ترین متدها و عمیق‌ترین روشها در بررسی دین و مکتب و تمدن، ارائه شد.

«مارتین کرامر»، دبیر این کنفرانس که خود یکی از شیعه شناسان معروف است، در سخنرانی مقدماتی، گفت: «هدف اصلی شناسایی مفاهیم محوری در تمدن شیعه است، به این دلیل که انقلاب اسلامی مورد شناسایی قرار بگیرد.»

در این کنفرانس بعد از تحلیل بسیار، دو مفهوم محوری مورد بحث و بررسی و شناسایی قرار گرفت:

اول: آن نگاه سرخی است که شیعیان نسبت به صحرا ای کربلا دارند و قدر مسلم خون شیعه در قیام‌های متعدد، مستقیماً مشروب از صحرا کربلا در سال ۶۱ هجری است.

دوم: نگاه سبزی است که شیعیان به منجی خود یعنی امام زمان (ع) دارند.

تصویر و تصویری که از امام مهدی (ع) در غرب ایجاد شده در ساختن بازیهای کامپیوتوری چون «یا مهدی» و نوشتن کتابی با عنوان «next war» نمود پیدا می‌کند.

نویسنده این کتاب «گاسپاروین برگر» وزیر وقت دفاع آمریکا است که در سطح وسیعی در اروپا و آمریکا پخش و منتشر شد. نوشتن چنین کتابهایی و ساختن چنین بازیهایی، محصول آن نگاه جدی و عمیقی است که تمدن غربی نسبت به وجود محوری امام مهدی (ع) در تمدن شیعی دارد.

«مارتین کرامر» در مقدمه مجموعه مقالات کنفرانس چنین می‌نویسد: «طرفداران پرشور امام خمینی، او را نایب امام، یعنی نماینده امام غایب می‌دانند. چنین عنوانی به این معنی است که پیروان امام خمینی قدرت او را الهی و مشروع می‌دانند. جاذبه امام خمینی و علماء، بازتابی از ستایش ائمه است.»

«برنارد لویس» در مقاله خود تحت عنوان «شیعه در تاریخ اسلام»، می‌گوید: «سرکوبی بسیاری از قیامها و ناپدید شدن رهبران آنها باعث ظهور ویژگی دیگری در دکترین شیعی شد و موضوعات و مسائلی چون مسأله غیبت و رجعت رهبر شیعیان، امام مهدی، آخرین امام شیعیان به وجود آمد. پیروان او معتقدند که وی نمرده، بلکه مخفی شده و بزودی از مخفیگاه خود باز خواهد گشت و این از اساسی‌ترین قسمتهای این اعتقاد شمار می‌رود.» لوئیس در ادامه می‌افزاید: «این منجی‌گری تبدیل به یکی از جنبه‌های اساسی اسلام تشییع شد.»

«ماروین زونیس» و «دانیل برومبرگ» در مقاله خود با عنوان «تشییع به روایت امام خمینی» ادعا می‌کنند که «امام خمینی با اصرار به اینکه ظهور امام غایب خواسته کشور است، چنین القا می‌کند که بازگشت او به ایران اگر به معنی بازگشت امام دوازدهم نباشد، دست کم منادی بازگشت او محسوب می‌شود.»

«ویلیام وات» محقق دانشگاه ادین بورگ در کتاب «اصول گرایی اسلام و مدرنیسم»، می‌گوید: «اعتقاد به امامت و مسأله انتظار از جمله ویژگی‌های تشییع است که در اندیشه سیاسی شیعه نقش مهمی ایفا می‌کند.»

«حامد الگار» در کتاب «انقلاب اسلامی در ایران»، ریشه انقلاب اسلامی را به موضوع امامت از دیدگاه شیعه و مسأله غیبت امام مهدی (ع) و پیامدهای سیاسی آن متصل می‌داند.

«فهمی هویدی» در کتاب «ایران من الداخل»، کلید فهم انقلاب ایران را در واژه‌هایی چون «ولايت فقیه»، «مرجعیت»، «تشییع»، «امام غایب»، «غیبت کبری» و «غیبت صغیری» می‌داند.

«ماروین» مستشرق معروف آلمانی در کتاب «انقلاب بزرگ یا سیاست الحسینیه»، می‌گوید: «از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهم که همیشه موجب امیدواری و رستگاری شیعه شده است، اعتقاد به وجود حاجت عصر و انتظار ظهور اوست. حتی اگر آثار معتقدات مذهبی از بین برود، شیعه دارای سرمایه‌ای خواهد بود که مavorای قوای طبیعی و عارضی مذهب، شوکت و اقتدار و قوت حکومت خود را در عالم نگاه دارد.»

منبع: کتاب «تفاوت و تهاجم فرهنگی».

من رانده تریلی هستم!



مهدیت پاک

نوشته ای که در ذیل می آید، نامه صادقانه یکی از ارادتمندان امام مهدی (عج) می باشد که در چند نوبت به مرکز تخصصی مهدویت ارسال شده است. آقای مالک رضایی از بچه های جنگ و جانباز دفاع مقدس است. او به اقتضای شغلش که رانندگی است، ۷۴ ماه در جبهه های حق علیه باطل حضور داشته و آن طور که از نامه اش برمی آید، خیلی با صفاتی با هم گوشه هایی از نامه های سراسر مهر او را می خوانیم:

... این حقیر راننده تریلی ترانزیت می باشم و به اکثر ملل اروپا رفته و میروم و حتی در کشورهای آسیای میانه و خیلی علاقمند و شایق هستم که بتوانم با راهنمایی شما بزرگواران برای ترویج و آشنایی ملت های اروپا با دین مبین اسلام، کمک کوچکی کنم. اگر خدا توفیق بدهد. انشاء الله

... یادش بخیر زمان جبهه و جنگ که یک دانشگاه انسان سازی و تقوابود و خوشابه حال آنانکه مدرک انسانیت و تقوای درونی را که همان عشق به صاحب هستی بخش و خاندان معصومین (ع) است و عشق و پیمان بستن به معیارهای انقلاب از آن دانشگاه عشق و شهادت فارغ التحصیل شدن و پرواز بسیوی حضرت عشق کرند.

آقای رضایی در جای دیگری می گوید:

... در این برهه از زمان، وظیفه شرعی و قانونی خود میدانم که برای آشنایی و شناخت دیگر ممالک جهان در رابطه با مولایمان آقا امام زمان حضرت مهدی (ع) از دل و جان خدمت نمایم....

من شغل راننده تریلی ترانزیت می باشد و اکثر ملل اروپا را کشور اسپانیا میروم و حاضرم هر گونه خدمتی برای آشنایی دیگر ملل اروپا در رابطه با مولایمان آقا امام زمان روحی له الفدا انجام بدهم!

با تشکر
ارادتمند، بنده خدا
مالک رضایی

الحمد لله رب العالمين
۱۳۸۴/۶/۱۹



◀ ۳۱۳ دولتمرد

یاران مهدی(عج) ۳۱۳ نفر هستند؛
به تعداد یاران پیامبر اکرم(ص) در جنگ بدر؛
و به تعداد یاران طالوت در نبرد با جالوت.
این رقم در بسیاری از روایات معتبر شیعه و سنی به ما رسیده
است؛ از جمله، فرمایش پیامبر اکرم(ص) که آنها را ۳۱۳ نفر، به
تعداد اصحاب بدر می داند.

وسخن پیشوای ششم، امام صادق(ع)؛
«هرگاه ۳۱۳ نفر به تعداد اصحاب بدر، گرد امام جمع شوند، بر او
قیام واجب خواهد شد». همچنین در تفسیر آیه «الامه المعدوده» به عدد یاران امام(عج)
اشارة شده است.

امام علی(ع) می فرمایند: «امت معدوده، اصحاب ۳۱۳ نفره قائم
(عج) هستند».

امام باقر (ع) می فرمایند: «یاران قائم(عج) ۳۱۳ نفرند، قسم به خدا
آنان امت معدوده هستند». احادیث نیز بر رقمهایی چون ۵ هزار، ۱۰ هزار و ۱۲ تا ۱۵ هزار نفر
تأکید دارد. و یا بر زنده شدن (رجعت) و همراهی بسیاری از
برجستگان دین و مؤمنان گواهی می دهد.

البته این ارقام متفاوت و مختلف، منافاتی با رقم واقعی اصحاب
امام مهدی(عج) ندارد، بلکه ۳۱۳ نفر، همان یاران اصلی و نخست
امام هستند، که با گرد آمدن ایشان دعوت قائم(عج) آغاز می شود
و سپس با جذب و گرد آمدن دیگر دوستان و ارادمندان او، حرکت

ظهور مهدی(عج) با اجتماع یاران او قرین است؛ اصحاب
سختکوشی که با حضور خود فرمان موعود را لبیک گفته، گرد
آفتاب وجودش حلقه می زندند تا در رکاب او و عده الهی را تحقق
بخشیده، حاکمیت دولت اهل بیت(ع) را بر جهان بگسترانند.
صبحی دگر می آید ای شبزنده داران
از قله های پر غبار روزگاران

از بیکران سبز اقیانوس غیبت
می آید او تا ساحل چشم انتظاران
آید به گوش از آسمان؛ اینست مهدی!
خیزد خروش از تشنگان؛ اینست باران!



۱۰

◀ جوانگرایی

بیشتر یاران قائم(عج) «جوان» اند، آنگونه که امیر سخن، علی(ع)
بدان بشارت داده است:
«یاران قائم جوان هستند و در میان آنها پیرمرد یافت نمی شود جز
مانند سرمه در چشم و نمک در طعام، که کمتر از هر ماده در طعام
نمک آنست».

موعد نیز خود «جوان» است و هر چند که صدھا سال از حیات او
گذشته، ولی به اعجاز الهی، سیمایش مانند جوانی خوش چهره
می ماند؛ امام حسن(ع) در بیان این نکته می فرماید: «خداؤند،
مهدي(عج) را به قدرت خویش در سیمای جوانی کمتر از چهل
سال آشکار و ظاهر می کند».

مردم که افراد ناشناسی را در میان خود می بینند- در حالیکه از ورود هیچ قافله ای به قصد حج و عمره، تجارت و غیره اطلاعی ندارند- به یکدیگر می گویند: افراد ناشناسی می بینیم که تا به امروز در این شهر آنها را نندهایم؛ اینها اهل یک شهر و یک قبیله و یک تیره و یک نژاد نیستند و خود هیچ اهل و عیال و وسیله و مرکبی همراه ندارند.».

میعاد گاہ

مسجدالحرام، مکان دیدار یاران با مهدی موعود(عج) و انجام بیعت
با حضرت است.

۳۱۳) نفر در همین مسجد شما - مکه - گرد می‌آیند که مردم مکه می‌دانند که از پدران و نیاکان آنان متولد نشده‌اند. نخستین کسی که با مهدی(عج) بیعت می‌نماید، جبریل امین است؛ همان فرشته وحی و حامل علم الهی، که از سوی خدا تمام نعمت‌های علمی و عطا‌یابی معنوی به او عطا شده است. پس از بیعت او، ۳۱۳ یار جوان با امام مهدی(عج) بیعت کرده، پیمان وفاداری و اطاعت با او می‌بنند.

بنا بر گفته امام باقر(ع)، محل بیعت، بین رکن و مقام است.

حضور زنان

زنان متعهد در طول تاریخ حماسه‌ها و قیام‌ها، نقش چشمگیری داشته، پیام‌آور حضور توأم با عزت و عفت بوده‌اند. وجود پنجه «زن» در میان ۳۱۳ یار مهدی (عج)، حکایتگر جایگاه ویژه آنان در عصر ظهور است.

امام باقر(ع) می فرمایند: «سوگند به خدا، سیصد و سیزده نفر بدون
و عده پیشین، گرد می آیند؛ در میان آنان پنجاه زن هست».
بی شک کارآمدی زنان در عرصه هایی جلوه می نماید که با
سرشت و طبیعت ایشان سازگار باشد؛ از این رو سرپرستی و انجام
امور بهداشت و درمان را می توان یکی از کارکردهای آنان نام برد.
این نکته را از سخن امام صادق(ع) پیرامون آن دسته از زنانی که
رجعت نموده، و در زمرة یاران عمومی امام مهدی(عج) قرار
می گیرند، می توان فهمید، امام(ع) می فرماید:

همراه مهدی(عج) سیزده زن هستند؛ آنان مجروحان را مداوا می‌کنند و از بیماران جنگی پرستاری می‌نمایند، چنانچه زنان در زمان پیامبر اسلام(ص) همراه او بودند».

دولت فر اگیب

اصحاب قائم(عج) از نژاد خاص، قبیله ای با سابقه یا کشوری معروف گزینش نمی گردند، زیرا این نهضت یک قیام عدالت گسترانه است و در راستای تحقق اسلام ناب، نژادپرستی در آن جایی ندارد.

یاران امام مهدی(عج) از سراسر جهان و دورترین شهرها و به تعبیر روايات از «اقاليم الارض» و «اقصى البلاد» گرد هم می آيند.

امام صادق(ع) از حضور تعدادی از اهل نوبه که به ظاهر سیاه پوست هستند، در میان یاران مهدی(عج) خبر می دهد. اگر در روايات بر «عجم» یعنی غیر عرب بودن یاران موعود اشاره شده است، جدای از تأکید بر شایسته گزینی، دلیلی بر مبارزه با قومیت گرایی است، ویژگی منفای ای که اعراب و بسیاری از نژادها بر آن پایی می فشارند.

جوانان یاوران مهدی (عج)

محمد باقر پورامینی،
بنیاد فرهنگی مهدی موعود(عج)،
چاپ پنجم، ۴۰۰ تومان، پالتویی، ۴۸ ص.
مرکز پخش: تهران، ۸۴۰۸۴۱۹
۰۱۷۳۷۸۰۱ قم



شکل می گیرد. کلام امام صادق(ع) بر این نکته اشاره دارد که: «پس از اجتماع ۳۱۳ یار، امام تا هنگام گردآمدن ده هزار نفر، در مکه اقامت کرده، و پس از کامل شدن یاران، راهی مدینه می شود».

امام جواد(ع) به «صحیفه مختومه» اشاره می‌کند که در آن مشخصات پاران مهدی(عج) ثبت است.

«همراه قائم(عج) صحیفه مهر شده‌ای هست که اسامی یارانش همراه با ویژگیها، شهر، آراستگیها و کُنیه‌هایشان در آن نوشته شده است.»

شپ واقعہ

hadithe mowoud az yek shab jumehai agaz mi shode;
bi kahe raiat moschor padshah rasiid
nouyid fath v bisharat beh mohar v mae rasiid
jomeh bخت, z ruz zefar nqab andaxt
kamal edel beh fariyad dadoxvah rasiid
z qataghan trerieq, ayn zeman shonid aymen
qowafel del v danesh, ke mard rah rasiid
ke jahast sohofi djejal cheshm mlahd shkel
bagho besuz ke mohedi din pnah rasiid
amam zaman (عج) dr mian drub xaneh xda v bbin rken v mcam
mi ayistand v angah banegh ber mi aword:
«ai fermemandehan mn!»

ای کسانیکه خداوند پیش از ظهرور من، آنها را برای یاری من در روی زمین ذخیره کرده است!
سسوی، من بستابید و به فرمان من، گردن، نهد».

صدای آن حضرت در شرق و غرب جهان به گوش یارانش می‌رسد و آنها که در محرابهای خود و یا بر فراز رختخوابها هستند، در یک لحظه بانگ امام را می‌شنوند و به سوی او می‌شتابند.

مبدأ حرکت یاران از سراسر جهان و مقصد، شهر شریف مکه است؛
امام صادق(ع) می‌فرمایید: «هنگامیکه به امام زمان(عج) اذن ظهور
بررسد، خدا را با اسم اعظمش می‌خواند و همه یارانش از سراسر
جهان گرد می‌آیند. آنان، یاران پرچمدار او هستند. گروهی از آنها
شبانه از بسترهایشان ناپدید می‌شوند و صبح در مکه حاضر می‌
شوند و برخی از آنها آشکارا دیده می‌شوند که روی ابرها راه می‌
روند».

پیشگویی از حضور سریع و اعجاز گونه یاران مهدی(عج) در سختان ائمه اطهار(ع) بسیار است.

از جمله امام علی(ع) می فرماید: «آنها شبانه از بسترها یشان ناپدید و صبح در مکه حاضر می شوند و برخی از آنها در روز روشن بر فراز ابرها راه می روند؛ آنها با نام، نام پدر، لقب و دیگر خصوصیاتشان شناخته می شوند».

امام رضا(ع) در تفسیر آیه «اینما تكونوا یأت بکم الله جميعا» براین مفهوم اشاره می‌نماید:

«قسم به خدا آن هنگام که قائم قیام کند، خداوند یاران شیعه را از سراس دنبای گدم. آمد».

امام صادق(ع) از حضور همه یاران در شب موعود، چنین خبر می-
دهد:
«خداوند آنها را در یک شب جمعه در مکه معظمه و در بیت الله-
الحرام گرد می‌آورد که حتی یک نفر از آنها تخلف نمی‌کند، آنگاه
در کوچه‌های مکه به راه می‌افتدند تا برای خود سکنایی پیدا کنند،

ساحل عاج معزکه اسلام و مسیحیت

گفتگو با حجۃ الاسلام محمد اشعری
مدیر معهد اهل‌البیت در ساحل عاج

فراسو



به کوشش موسی جوانشیرو و محمد صرفی

اسلام چگونه به ساحل عاج راه پیدا کرد؟ تعداد شیعیان این کشور چقدر است؟

حدود ۸۰۰ سال پیش یک تاجر آفریقایی برای تجارت به منطقه «بندکوه» واقع در ۴۰۰ کیلومتری پایتخت، مسافت می‌کند. اسلام به همت این تاجر مسلمان در این منطقه مطرح شده و به مرور به همه مناطق راه می‌یابد.

در مورد تسبیح، آن چه معروف است اینکه حدود ۳۵ سال پیش، گروهی از شیعیان لبنان که از موقعیت اقتصادی و فرهنگی بالایی برخوردار بوده اند. به این کشور مهاجرت کرده‌اند و ضمن حفظ عقاید خود به ترویج مذهب اهل بیت(ع) پرداختند. جالب است بدانید امام خمینی(ره) به ساحل عاج عنایت ویژه‌ای داشته‌اند و در حدود ۳۰ سال قبل موقعي که در نجف اشرف به سر می‌برند یک روحانی شیعه به نام سید رشید موسوی را برای اداره امور شیعیان آن سامان، اعزام می‌نمایند. ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان اولین کاردار جمهوری اسلامی در ساحل عاج انتخاب شد.

به هر حال شیعیان از جمیعتهای شناخته شده در ساحل عاج هستند. و همین موضوع مسؤولیت ما را دو چندان می‌کند. خوشبختانه در سالهای اخیر در اثر فعالیتهای فرهنگی چندین هزار نفر دیگر هم به مذهب اهل بیت(ع) گرویده‌اند.

تعامل مذاهب اسلامی با یکدیگر و با حاکمیت مسیحی
، چگونه است؟

اکثر مردم به دلیل ظلمهای تاریخی که از ناحیه کشورهای استعمارگر از جمله فرانسه به آنها روا شده است، از مسیحیت

جناب آقای اشعری! ضمن معرفی خودتان ، بفرمایید
چطور شد که به ساحل عاج رفتید.

بنده محمد اشعری، در سال ۱۳۴۴ در یک خانواده مذهبی در شهر قم متولد شدم . تحصیلات خود را تا پایان دوران متوسطه در جوار کربلای اهل بیت (ع) گذراندم و همزمان با اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و اکنون چندسالی است که در درس خارج حوزه شرکت می‌کنم.

در راستای اجرای کلام راهبردی مقام معظم رهبری که فرموده اند: «اگر طلاب غیر ایرانی در همان مناطق خودشان تعلیم داده شوند، بهتر است از این که به ایران بیایند و با مشکلاتی چون غربت و هزینه های سفر و ... روپرتو شوند»، از سوی سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور برای مدیریت معهد اهل بیت(ع) در پایتخت کشور آفریقایی ساحل عاج، به آن جا اعزام شدم.

درباره «ساحل عاج» و موقعیت جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و ترکیب جمعیت آن توضیحاتی بفرمایید.

ساحل عاج در غرب قاره آفریقا واقع شده و از نظر اقتصادی و فرهنگی بالاتر از سایر کشورهای این منطقه است. بیشتر مردم ساحل عاج مسلمان هستند ولی از آن جا که تا سال ۱۹۶۲ میلادی مستعمره فرانسه بوده است، حکومت در دست مسیحیان است. انسان در آنجا جنگ اسلام و مسیحیت را در دو قطب مردم و حکومت آشکارا ملاحظه می‌کند. مرکز این کشور، شهر «آبیجان» است که موقعیت مهمی در منطقه دارد.



در بعد معرفتی البته علیرغم اقداماتی که صورت گرفته ولی شبهات و سؤالاتی مطرح است و جای کار بیشتری وجود دارد. بعضی سؤالات در مورد «ضرورت وجود امام غایب»، «طول عمر»، «ظهور حضرت»، «رابطه با او» و... مطرح می‌شود که باید پاسخ داده شود. یکی از مشکلات این است که کتابهای ساده به زبان عربی در بازار وجود ندارد البته کتابهایی مثل آثار شهید صدر و ترجمه «دادگستر جهان» که عبارات آنها خیلی فنی و پیچیده است، کافی نیست و پاسخگوی عموم نمی‌باشد. به زبان فرانسه که زبان رسمی ساحل عاج است، اصلاً کتابی وجود ندارد. جا دارد مراکزی مثل مرکز تخصصی امامت و مهدویت و بنیاد فرهنگی مهدی موعود(عج) و دیگران به این امور مهم پرداخته و خلاً موجود را هر چه سریعتر پر کنند. مطمئن باشیم دشمن بیکار نیست و شبهه پراکنی می‌کند. اگر اشتیاقی که الان در کشورهای دیگر نسبت به اهل بیت(ع) به وجود آمده است، درک نشود و خوارک فکری فرهنگی فراهم نگردد، در اثر شبهه افکنی و دشمنی شب پرستان، به خاموشی می‌گراید.

دشمنان مهدویت در ساحل عاج چه اقداماتی می‌کنند؟ آیا صهیونیزم فعالیتی دارد؟

علیرغم اینکه اسرائیل یکی از قوی ترین کشورهای حاضر در این منطقه است ولی به مدد حضور شیعیان لبنان موازنه قدرتی هر چند به صورت نامرئی به وجود آمده است. اقدام آشکاری در جهت مقابله با فکر مهدویت وجود ندارد ولی همانطور که عرض کردم، کمبودهایی از ناحیه ما وجود دارد. ما نباید از تأثیر مسائل معنوی و فرهنگی غافل شویم، همه چیز با پول و قدرت حل نمی‌شود. ما یک مسیحی داشتیم که شیعه شد، بنده یکی از فارغ التحصیلان مرکز خودمان را برای آموزش معارف اسلامی نزد او فرستادم و متذکر شدم حتماً قضیه امام مهدی (عج) را برای او تشریح کند؛ قبل از اینکه دیگران فکر او را خراب کنند.

در پایان به عنوان حسن ختم اگر خاطره یا مطلب خاصی دارید، بفرمایید.

سال گذشته، در پایتخت شورش شد و در عرض یک روز حدود ۴۰ تا ۵۰ مашین را آتش زند. هر لحظه امکان داشت به مرکز ما هم هجوم بیاورند. شب ۲۰ ماه رمضان بود. طلاق خیلی مضطرب بودند. بنده در جمعشان حاضر شدم و دیدم چاره‌ای نیست جز اینکه وجود مقدس امام مهدی (عج) را به آنها متذکر شوم. به آنها گفتم:

«ما آقا داریم، مولا داریم، قطعاً ایشان بر احوال ما نظارت دارند و به فکر شیعیان خود هستند و...»

این کلمات مثل آب سردی که بر آتش ریخته می‌شود، به آنها آرامش داد و بحمدالله آسیبی هم به مدرسه نرسید.

وقتی انسان به خارج از ایران سفر می‌کند، با تمام وجودش احساس می‌کند که چقدر به وجود یک منجی نیاز هست، هنگامی که ظلمها و جنایات را می‌بیند، وقتی بی‌پناهی مظلومان را مشاهده می‌کند، تازه می‌فهمد که چقدر حضور و ظهور امام معصوم و حکومت جهانی امام مهدی(عج) ضرورت دارد. واقعاً باید برای ظهور حضرت دعا کرد. برای فرج مظلومان و مستضعفان باید دعا کرد. خدا صاحب ما را برساند.

با تشکر و سپاس از اینکه در این مصاحبه شرکت کردید.

گریزان هستند و یک جنگ محسوس بین دو تمدن اسلامی و مسیحی در جریان است.

در مورد مذاهب اسلامی، اصلاً مسائلی که در بعضی کشورها مطرح است، وجود ندارد. مسلمانان واقعاً مثل برادران دینی، یکدیگر را دوست دارند. من در ساحل عاج توانستم مصدقی برای واژه هایی چون «تعصب» و «دشمنی» پیدا کنم. عقاید مسلمانان خیلی بسیط و پاک است. اهل بیت(ع) در بین مسلمانان جایگاه ویژه‌ای دارند. همه به شیعیان احترام می‌گذارند و رابطه، رابطه برادری است نه رقبابت و کینه توژی، بعید است که در خانواده مسلمانی نام فرزندان دوقلو را «حسن» و «حسین» نگذارند.

به خاطر دارم، زمانی آقای «مهديار حسین پور» حافظ نوجوان ایرانی و اعجوبه قرآنی در ماه مبارک رمضان دعوت شده و در مسجد گران مسکه، مسجد بزرگ ایجان برنامه‌هایش را اجرا کرد، به قدری برنامه‌های او جالب و تأثیرگذار بود که امام جماعت سنی مذهب آن مسجد که حدود ۵۵ سال داشت، از شدت اشتیاق خش کرد و سه روز در حالت گُما بود.

در جشن عید غدیر جمعیت زیادی از مسلمانان شرکت می‌کنند و این شعائر اختصاص به گروه خاصی ندارد. در عاشورای گذشته یکی از شعرای محلی در مراسم شیعیان شعری قرائت کرد که بسیار پرمعنا بود و حاکی از عمق ارادت او به اهل بیت(ع) و امام حسین(ع). جالب است بدانید این شاعر سنی مذهب پس از ابراز احساسات فراوان در مقابل دیدگان همه، روی زمین افتاد و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

او شهید روز عاشورا در ساحل عاج شد، در حالیکه رسمًا شیعه نبود.

آقای اشعری! از فعالیتهای خودتان بگویید. شما چه مدت در ساحل عاج بودید و چه فعالیتهای علمی، آموزشی و فرهنگی داشتید؟

بنده حدود ۲۶ ماه و نیم در آن کشور متولی تعلیم و تربیت طلاب مستعد و علاقمند به مذهب اهل بیت(ع) بودم. کیفیت تعلیم طلاب هم به این صورت است که پس از یک آزمون کتبی و مصاحبه، افراد پذیرش شده در یک دوره سه ساله، دوره عمومی معارف اسلامی را طی کرده و با علوم اسلامی آشنا می‌شوند.

چند سال پیش با اعزام اولین مسؤول «معهد اهل البیت(ع)» ساختمنی در منطقه مسلمان نشین ایجان که «کُماسی» نام دارد، اجاره گردید که بعدها در منطقه ری ویرا زمینی به همت جمهوری اسلامی خریداری شد و بنای جدید ساخته شد و معهد به آنجا منتقل گردید.

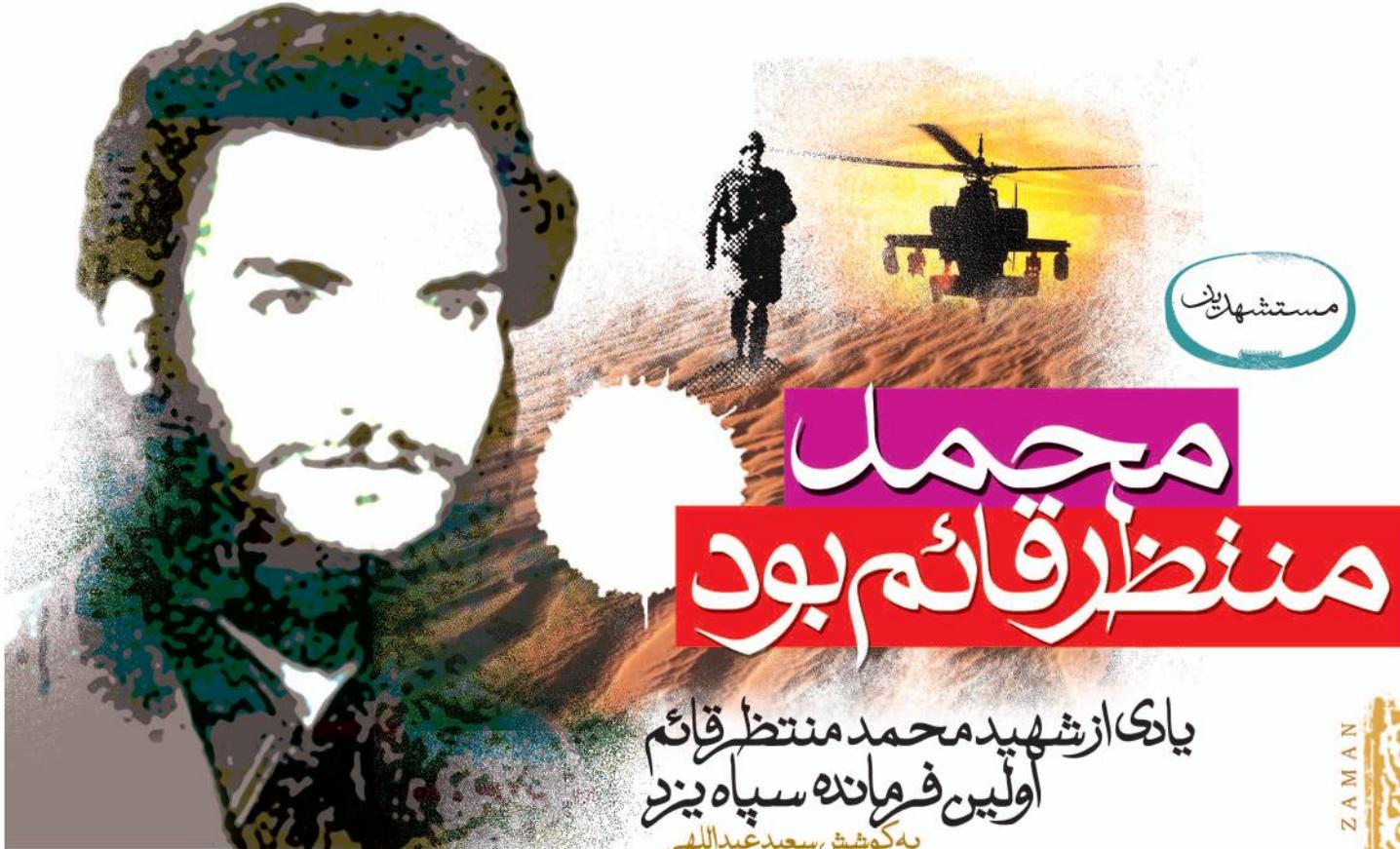
در حال حاضر ۱۵ مدرسه چون عتره الطاهره، الغدیر، سبیل النجاه، النجاه و الفلاح و... تحت نظر این معهد اداره می‌شوند. استادان این مدارس عموماً بومی بوده و بعضی از آنان از فارغ التحصیلان مدرسه عالی امام خمینی(ره) در قم می‌باشند.

در کنار این فعالیتهای علمی، در تمام شعائر اسلامی و مذهبی همچون ولادتها و شهادتهای معصومان(ع) برنامه‌های منظمی داشتیم که استقبال از آن‌ها بسیار چشمگیر بود و اوج آن در جشن‌های غدیر و نیمه شعبان و نیز عزاداریهای محرم مشهود بود.

سطح آگاهی مردم ساحل عاج و آشنای آنها با وجود مقدس امام مهدی(عج) در چه حدی است؟

در بعد عاطفی مردم علاقه خاصی به امام مهدی(عج) نشان می‌دهند؛ در کمتر اجتماعی است که دعای سلامتی حضرت قرائت نشود. هر وقت مباحث مهدویت مطرح می‌شود، همه استقبال می‌کنند.





مستشهر

محمد منتظر قائم بود

یادی از شهید محمد منتظر قائم
اولین فرمانده سپاه بیزد
به کوشش سعید عبدالله



متجاوزان که در محل بجا مانده بود ، اسناد و گزارش‌های محترمانه و فوق العاده مهمی را به دست آورند. براین اساس به دستور بنی صدر خائن «رئیس جمهور وقت»، چند جنگنده نیروی هوایی، هواپیماها و بالگردگان اسلامی بجامانده از تروریست‌های آمریکایی را در منطقه بمباران کردند که در این حادثه شهید بزرگوار و شجاع ، سردار محمد منتظر قائم به شهادت رسید.

شهید محمد منتظر قائم انسان وارسته‌ای بود که از همان اوان زندگی با روحیه حقیقت جویی و آزادیخواهی خود پا در عرصه جهاد و شهادت نهاد. هنوز ۱۵ سال بیشتر نداشت که به صفوف مبارزان حمامه ساز ۱۵ خرداد پیوست و با تکثیر و پخش اعلامیه‌های امام و افشای جنایات رژیم شاه در پیشبرد نهضت اسلامی مردم ایران تلاش نمود. از سال ۱۳۴۶ در پی آشنایی با مرحوم فتاحی سرپرست انجمن دینی بیزد ، کلاس‌های انجمن را به جلسات بررسی مسائل سیاسی و مطالعه کتاب ولایت فقیه امام(ره) تبدیل نمود و به ایجاد شور و شعور انقلابی در بین جوانان پرداخت.

محمد در دوران سربازی نیز در مخالفت با رژیم ستم شاهی به مبارزه‌ی امان خود ادامه می داد بطوطیکه یکبار با لباس سربازی در میان بازار ، عکس شاه را پاره کرد و آن را آتش زد. در سال ۱۳۵۰ با تشکیل گروهی مخفی، مبارزه را در قالب تشكیل منسجم هدایت و انجام می داد. نخستین اعلامیه این گروه در ۱۵ بهمن ۱۳۵۱ در بیزد به شکل گسترده و مخفیانه توزیع شد که انعکاسی وسیع یافت.

شهید منتظر قائم بیش از ۱۵ ماه در سیاه چالهای اوین بدون کوچکترین اعتراض ، سخت ترین شکنجه ها را تحمل کرد. پس از پیروزی انقلاب با تشکیل سپاه پاسداران به عنوان مسؤول بنیانگذاری و تشکیل سپاه بیزد انتخاب گردید. حضور فعال و برجسته وی در جریانات کردستان وی را چندین مرتبه تا آستانه شهادت قرار داد.

شهید منتظر قائم ، فرماندهی متواضع ، آموزگاری وارسته ، عارفی دریادل بود که به دور از هر گونه خودنمایی با کوله باری از اخلاق و صمیمیت خاطرات همیشه سبزی را به یادگار گذاشت . این شهید بزرگوار در روز پنجم اردیبهشت ماه در جریان تجاوز نظامی آمریکا به کویر طبس در سفری سرخ، اوج آفرین شهر عشق گشت.

۵ اردیبهشت هر سال یادآور معجزه بزرگ الهی؛ حادثه طوفان شن در صحراه طبس است. شیطان بزرگ، به عنوان بزرگترین دشمن ایران اسلامی در تجاوزی آشکار خیالات شومی برای انقلاب نوبای مردم ایران در سر داشت که لشکر خدا، این بار در قالب سنگریزه و شن به پا خاست و دشمن دینش را روسیاه نمود. ابعاد قضیه شکست نظامی آمریکا در طبس هنوز هم ناگفته هایی دارد و لی آنچه مهم است اینکه: کشور امام زمان(عج)، صاحب دارد! یکی از ناگفته های این ماجرا شهادت محمد منتظر قائم است که به حق نام با مسمایی داشت؛ هم محمد بود، هم منتظر قائم(عج).

مقام معظم رهبری

برای اینکه باز هم بیشتر نسبت به خون جوشیده این شهید عزیز عرض ارادتی به سهم خود کرده باشد ، این جمله و این نکته را عرض کنم که شهادت این برادر در آن کویر سوزنده‌ای که مدفن کفار نظامی دشمن ماشد ، یک معنای این مفهوم سمبولیک می‌تواند این باشد که ماجزه بهای خون و جز باسرمایه شهادت و جانبازی امکان ندارد که بتوانیم در برابر جهازهای صنعتی مخوف که بیشتر تلاش و کوشش را متساقنه برای ایجاد ابزار تخریب به کار برد تا ابزار سازنده، مقاومت کنیم در همان میدانی که متjaوزان و دزدان آمریکایی در زیر تلی از خاکستر مدفون می شوند برادر شهید عزیز ما، محمد منتظر قائم خونش ریخته می شود و نمودی از شجاعت می شود... مابه وجود چنین عناصر بزرگ و عزیز ، چنین روحهای فدایکار و دلهای آشنا با خدا افتخار می کنیم و این جمله ای است که امام فرمودند من افتخار می کنم به داشتن چنین جوانهایی و یقیناً برای یک ملت و یک انقلاب و برای خانواده های شهیدپرور مایه افتخار است چنین عناصری و خوشبختانه یک چنین نسلی در این انقلاب پاگرفته است.

شهید منتظر قائم، پس از اطلاع از حمله نظامی آمریکا به طبس در تاریخ ۵ اردیبهشت ، ۱۳۵۹ با تعدادی از برادران سپاه بیزد ماموریت یافتند تا موضوع را بررسی نمایند. ساعت ۵ بعدازظهر آن روز به منطقه رسیدند ، آنها به هنگام ورود موفق شدند از درون برخی هواپیماها و بالگردگانی



در دوران جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط قوای انگلیسی و روسی که حملات و هجوم‌ها به ملت شیعه اوچ گرفته بود، مرحوم آیت الله العظمی نائینی خیلی پریشان بودند و نگران از اینکه این وضع به کجا خواهد انجامید، نکند این کشور محب و دوستدار امام زمان (ع) از بین برود و سقوط کند ...

در همین حال، شبی به امام عصر (ع) متول می‌شوند و در حال توسل و گریه و ناراحتی در عالم رویا می‌بینند: دیواری است به شکل نقشه ایران که شکست برداشته و خم شده و در حال افتادن است. در زیر این دیوار، یک عده زن و بچه نشسته‌اند و دیوار دارد روی سرshan خراب می‌شود.

مرحوم نائینی وقتی این صحنه را می‌بیند به قدری نگران می‌شود که فریاد می‌زنند و می‌گوید: خدایا! این وضع به کجا خواهد انجامید؟ در این حال می‌بینند که حضرت ولی عصر (ع) تشریف آورند و دست مبارکشان را به طرف دیواری که خم شده و در حال افتادن بود، گرفتند و آن را بلند کردند و آن را سرجایش قرار دادند و فرمودند:

«اینجا شیعه خانه ماست؛ می‌شکند، خم می‌شود، خطر هست، ولی ما نمی‌گذاریم سقوط کند. ما نگهش می‌داریم.»

برگرفته از: کتاب میر مهر، مسعود پورسید آقایی (باندک تصرف).





به کوشش سعید عبداللهی

سما



آنچه در این سایت می بینید:

تالار گفتگو

نوا و نما

گالری تصاویر

کتابخانه

کتاب شناسی

بخش آموزش

قرآن کریم به ۸ زبان

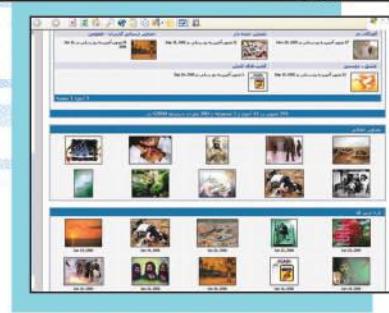
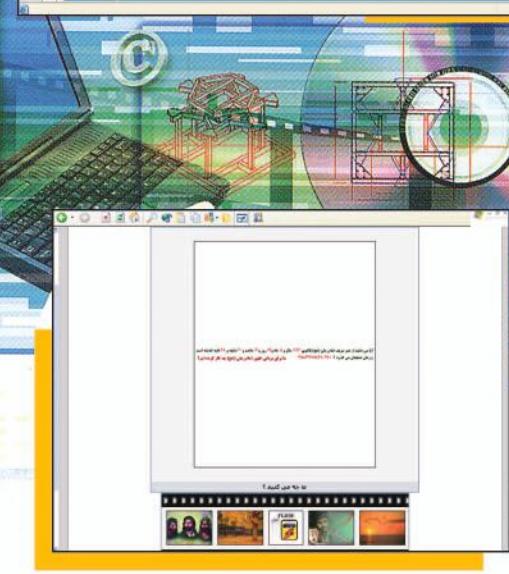
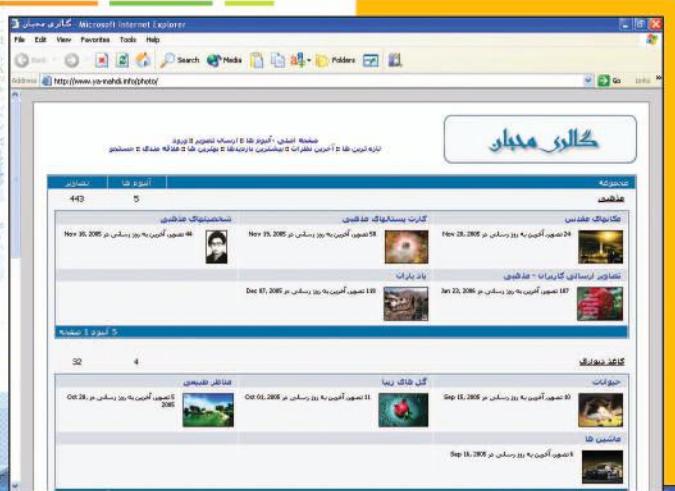
دیکشنری آنلاین

...



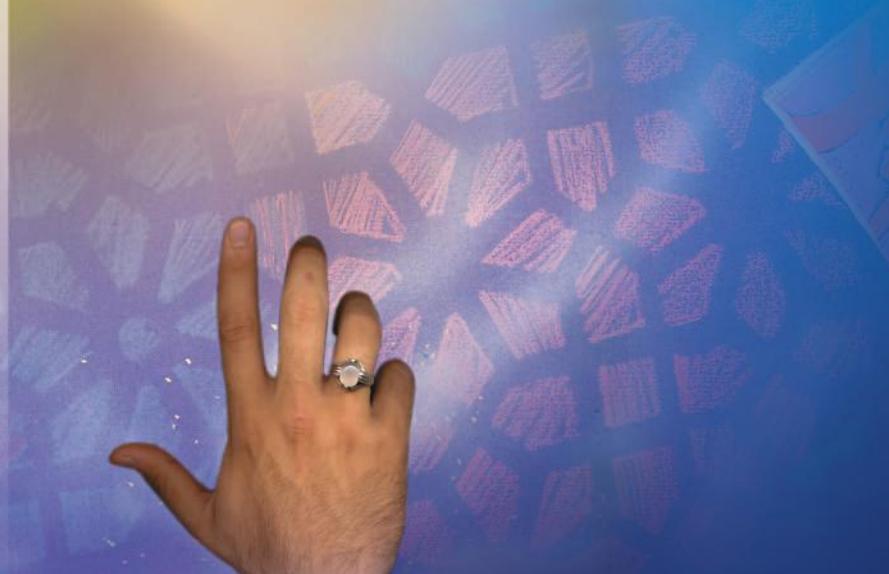
این سایت به همت جمعی از جوانان مذهبی فعال در عرصه اینترنت - که در یکی از اتفاق‌های گفتگوی سایت یاهو باهم آشنا شده‌اند - پشتیبانی می‌شود. نام این روم، میان مهدی (ع) بود که پس از بسته شدن user room در سایت yahoo در حال حاضر سعی در مهدوی کردن روم عمومی شماره ۱۴ در چت روم‌های یاهو را دارد.

این جمع که اکثر آن را طلاب و دانشجویان تشکیل می‌دهند، در صدد هستند تا با این روش، انسجام قابل توجهی بین جوانان فعال در اینترنت حول محور مهدویت ایجاد کنند.





ما معتقدیم عشق سر خواهد زد
بر پشتِ ستم کسی تبر خواهد زد
سوگند به هر چهارده آیه نور
سوگند به زخمهای سرشارِ غرور
آخر شبِ سرد ما سحر می‌گردد
مهدی به میان شیعه برمی‌گردد
ای مرد علم به دوش من یا مولا
ای سید سبز پوش من یا مولا
برگرد، عجیب انتظارت هستند
یک عده عجیب بی قرارت هستند



در جست جدای

ویژه نامه هفته امامت و ولایت

آغاز ۱۱۶۷ امین سالگرد امامت حضرت مهدی(عج)
۱۳۸۵ شمسی - ۱۴۲۷ قمری

بیحُت

در اینجا
به برخی
عهدها و
پیمان‌های خود
نسبت به امام زمان (عج)،
همچنین به زمینه‌ها و
ریشه‌های آن (معرفت و محبت) و
جایگاه و بی‌آمدگاه آن (تبیعت و اطاعت)
اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت و به ترتیب از معرفت،
محبت، ولایت، عهد و اطاعت، گفت و گو خواهیم کرد، شاید
بتوانیم با استعانت از ذات ربوبی^۵ به انجام آن‌ها موفق شویم.

۱. معرفت امام

شناخت امام، درک اضطرار به او و آگاهی به حق ولایت اوست: «『عارف‌آیه» زیرا امام از ما به ما و مصالحمن آگاهتر و نسبت به ما از خود ما مهربان‌تر است؛ چرا که آگاهی او شهودی و وجودی است و محبت او غریزی و محدود نیست، بلکه ربوبی و محیط است. امام از همه کشش‌های نفسانی آزاد است. او به راه‌های آسمان آگاهتر از راه‌های زمین است. تلفیق این آگاهی و آزادی می‌شود عصمت و همین زیرینا و رمز پذیرش ولایت و سرپرستی آن‌ها و تسلیم در برابر آن‌هاست؛

مردم به سه تکلیف مکلفند: معرفت امامان، تسلیم در برابر ایشان و واگذاری امور به ایشان در اموری که اختلاف پیش می‌آید.^۶

ناآگاهی از حق ولایت امام و جهل در تشخیص و مصدق این چنین امامی آثار زیباری همچون چشم‌پوشی از همه دستاوردهای وحی، مرگ جاهلی، گمراهی، هلاکت و... را در پی دارد:

کسی که در چهار چیز شک کند، به همه آن چه که خداوند آن را نازل فرموده کافر شده است؛ یکی از آن‌ها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام را با صفاتی که دارد، بشناسد.^۷

کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.^۸ بارالله! حجت خود را به من بشناسان و گرنه از دین خود گمراه خواهم شد.^۹

سلام بر تو ای راه خدا! که هر کس غیر آن را رود، هلاک می‌شود.^{۱۰} کسانی که اضطرار به ولی را این گونه احساس کرده‌اند، می‌توانند به

یوم الله نهم ربيع الاول، سالروز آغاز امامت قائم آل محمد، خاتم الاصیلیاء، بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف) و روز تجدید میثاق با آن امام همام و اهداف و آرمان‌های بلند اوست.^{۱۱}

روزی که در امتداد غدیر و بلکه خود غدیری دیگر است.^{۱۲}

شایسته است عاشقان مهدوی و منتظران منجی بشریت، در هر کجا هستند به ویژه در کشورهای اسلامی و بالاخص در این مرز و بوم که شیوه خانه امام زمان (عج) است، با مراسمی ویژه به پاسداشت این روز بزرگ و عیدالله الاعظمه همت گمارند.

باید در این روز با امام زمان خود، تجدید پیمان کرده و بر مقاد عهد و میثاق خود - که به آن‌ها در روایات و دعاها به ویژه دعای عهد اشاره شده - مروری دوباره داشته باشیم و به بازشناسی و بازخوانی حقوق و تعهداتی که نسبت به آن امام نور و گنجینه عهد الهی و امید همه مستضعفان عالم بر عهده داریم، پیردادیم که؛

همانا عهد در نزد خداوند، پذیرش ولایت امیر المؤمنین (ع) و امامان بعد از اوست.^{۱۳}

روایتی دیگر چنین می‌فرماید:

ما همان پیمان و عهد خداییم، هر کس به عهد ما وفا کند، به عهد الهی وفا کرده است و هر کس با ما پیمان بشکند، با خداوند پیمان شکسته است.^{۱۴}



بیحُت
بیحُت
بیحُت



بیشتر و به رحمت واسع حق و محبت و عنایت او دست یافته است. به راستی کسانی که هوس‌ها و رؤیاهای خود را حاکم کرده‌اند و از پشتوانه‌های معرفت و محبت برخوردار نیستند و یا در کوره بلا و امتحان آبدیده نشده‌اند، تحمل ولایت و حاکمیت امام را ندارند.

۴. عهد

معرفت امام و محبت و ولایت او، زمینه‌ساز عهد و پیمان و بیعت با امام می‌شود؛ زیرا عشق و ولایت بدون عهده‌داری و مسؤولیت‌پذیری، هوسی بیش نیست؛ که عشق آسان نموداول، ولی افتاد مشکل‌ها.

عهد، التراجم خاص و نوعی تمهدی‌پذیری در مقابل شخص یا کاری است.^{۳۱} باید خود را به وظایفی که نسبت به امام داریم، ملتزم سازیم و با او برای انجام خواسته‌ها و آرمان‌هایش عهد بینیم (عهدنا) و آن عهد را با اسباب و وسایلی محکم کنیم (عقدا) و در نهایت با او بیعت کرده و دست در دست او نهاده و دل و سر به او بسپاریم (بیعه).^{۳۲}

عهد و عقد و بیعت سه مرتبه از یک حقیقتند که در شدت و ضعف با یکدیگر تفاوت دارند. باید بازخوانی و تجدید عهد در هر پگاه و بیعتی تا همیشه، هماراده و انگیزه خود را قوی کرد و افزایش داد و هم از غفلت‌ها و سنتی‌ها جدا شد و فاصله گرفت. پیامبر(ص) و امیر المؤمنان(ع) در بحران‌ها و موقع حساس با یاران خود تجدید عهد کرده و از آنان بیعتی دوباره می‌گرفتند، امام مهدی(ع) نیز در عصر ظهور به خاطر شرایط سختی که یارانش پیش رو دارند از آن‌ها چنین بیعت می‌گیرد:

... مسلمانی را دشمن ندهند... حریمی را هتك نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق تزنند، طلا و نقره و گندم و جو انباشت نکنند، مال یتیمان را نخورند... لباس خز و حریر(لباس‌های فاخر و اشرافی) نپوشند،... در زندگی به اندک بسنده کنند،... امر به معروف و نهی از منکر کنند و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند.^{۳۳}

گفتنی است، کسانی می‌توانند در عصر ظهور به این عهدها عمل کنند که در عصر غیبت به عهد و پیمان‌های خود با امام(ع) - این گنجینه عهد الهی و خزانه و جایگاه پیمانی که خداوند بر عهده بندگانش نهاده است - عمل کرده باشند. اهمیت این پیمان‌هادر عصر غیبت تا آن جا است که در روایتی از حضرت سجاد(ع)، همان‌تنه راه نجات از فتنه‌ها شمرده شده است.

ای ابا خالد! فتنه‌هایی چون شب تار فرا خواهد رسید. تنها کسانی از آن فتنه‌ها نجات خواهند یافت که خداوند از آنان پیمان گرفته باشد. آنان چراغ‌های هدایت و چشممه‌های علم هستند و خداوند آن‌ها را از هر فتنه و تاریکی نجات خواهد داد.^{۳۴}

عهدنامه

• افزایش و تحکیم معرفت و محبت بیش تر و عمیق تر نسبت به امام(ع):

اعرف امامک، فانک اذا عرفت لم يضرك تقدم هذا الامر و تأخر.^{۳۵}

• بازکاوی و شناسایی وظایف و تکالیف خود نسبت به حضرت و عهد

و پیمان بر انجام آن‌ها.

• یاد حضرت و حضور در مجالس و مکان‌های متناسب به آن حضرت

و توسل به او.

• دعا برای فرج حضرت:

«اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج فلن ذلك فرجكم.»^{۳۶}

و چون عذاب بر بنی اسرائیل شد گرفت و طولانی شد، آنان چهل روز، ضجه زدن و ناله کردند. اشک‌ها ریختند و به درگاه خدا تپر عجستند تا آن که خداوند، موسی و هارون را برای خلاصی و نجات آنان فرستاد و آنان را از چنگال فرعون رهانید. این، در حالی بود که خداوند، صد و هفتاد سال، به آنان تخفیف داده بود. اگر شما هم این گونه به درگاه خدا ضجه و ناله کنید و همانند آنان در این امر جدی و کوشنا باشید، هر آینه خداوند، برای ما، فرج و گشایش خواهد داد و اگر این گونه نباشید، همانا،

محبت و ولایت و اطاعت امام برسند و از تقدم و تأخیر نجات یابند، که: «المتقدم لهم مارق والمتأخر عنهم زاهق»^{۳۷}، «فمعكم معكم لامع غيركم»^{۳۸} و از جان و مال خود در راه این حق عظیم و پیمان الهی بگذرند و هستی خود را فدای امام کنند «الذين بذلوا مهجهم دون الحسين(ع)».^{۳۹}

۲. محبت

محبت، ادامه معرفت است.^{۴۰} با درک اضطرار به امام و آگاهی از حق ولایت او، محبت امام در دل می‌نشیند و عشق به او که عشق به همه خوبی‌ها و زیبایی‌های است در قلب آدمی ریشه می‌گستراند. بدون این معرفت، عشق را دوامی نیست. آن چه که می‌تواند بر این محبت بیفزاید، درک این نکته است که این محبت یک طرفه نیست، بلکه دو سویه و طرفینی است. این‌گونه محبت که فقط من امام را دوست داشته باشم، بلکه او هم به من محبت دارد و حتی از من به من مهربان‌تر است؛ چون همان طور که اشاره شد، علاقه من به خودم غریزی است، ولی علاقه امام به من غریزی و محدود نیست که ربوی و محیط است و بر اساس سعة وجودی او و برخاسته از معرفت شهودی و وجودی است. همین است که امام صادق(ع) می‌فرماید: به خدا سوگند! که من نسبت به شما از خود شما مهربان‌ترم.^{۴۱}

آن‌ها، در شادی ما شاد و در اندوه ما اندوهناکند.

سید بن طاووس نقل می‌کند: سحرگاهی در سرداد مقدس بودم، نگاه صدای مولایم را شنیدم که برای شیعیان خود چین دعامی کرد: بارالله! شیعیان ما از شعاع نور ما و باقی مانده سرشت ما خلق شده‌اند. آن‌ها گناهان زیادی با انتکای بر محبت به ما و ولایت ما انجام داده‌اند. اگر گناهان آن‌ها گناهی است که در ارتباط با توست، از آن‌ها بگذر که ما راضی شدیم و آن‌چه از گناهان آن‌ها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آن‌ها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست به آن‌ها بدء ترا راضی شوند و آن‌ها را داخل بهشت بگردان و از آتش جهنم نجات بده و با دشمنان ما جمع مفرما.^{۴۲}

باری! بارقه چنین عشقی است که انسان را به طلب و دعا و انس و نجوای با امام می‌خواند و به توّلی و تبری می‌کشاند و او را و امداد که داعی باشد و دیگران را به امام دعوت کند و در این راه استقامت داشته و از هیچ نهراست.

۳. ولایت

با معرفت و محبت امام به ولایت و سرپرستی او می‌رسیم. ولایت نه به معنای محبت که به معنای سرپرستی و تولیت در امور و امامت و پیشوایی است؛ یعنی سرپرستی و حاکمیت امام بر فرد و جامعه؛ بر فکر و احساس و عمل فرد در خانه و مدرسه و جای جای زندگی و متن جامعه. این ولایت است که رکن رکن، اساس دین، کلید و گشایش گرو راهنمای همه ابعاد دین است و آن قدر که به آن، دعوت و سفارش شده به هیچ یک از دیگر ابعاد و ارکان دین دعوت نشده است.^{۴۳}

این ولایت است که اگر کسی تمام شب‌ها به نماز بایستد، همه روزها روزه باشد، همه اموالش را صدقه بدهد و همه عمر حج بگزارد، اما ولی زمانه خود را نشناسد و اعمالش را به سرپرستی و ولایت او انجام ندهد، از اعمالش هیچ بهره‌ای نمی‌برد و از اهل ایمان نخواهد بود.^{۴۴}

باید تنها ولایت و سرپرستی او را پذیرفت و از او خط گرفت:

ای مولای من! راضی و خوشبودم به پیشوایی و هدایت و سرپرستی و راهبری تو و به جای تو احادی را نمی‌خواهم و جز تو کسی را ولی و سرپرست خود نخواهم گرفت.^{۴۵}

البته این معنای از ولایت، نه نفی و مسخر انسان است و نه با هویت و انسانیت او در تعارض که با انتخاب انسان همراه است؛ زیرا به آگاهی



(امر) و مسأله فرج و حکومت آل محمد(ص)، به سر حدّ نهایت خود، به تأخیر خواهد افتاد، تا آن جا که خداوند مصلحت بداند و مشیت او تعلق گیرد.^{۲۷}

• **تنها ولایت و سرپرستی او را پذیرفتن و دل و سر به او سپردن:**

هیچ جایگزین و سرپرستی غیر تو نمی جوییم و نمی خواهیم.^{۲۸}
او تنها سرپرست و مولای بی جایگزین است. باید نه دل که سر به او سپرد؛ که مقام امینی جز اونیست.^{۲۹}

• **دعوت به آن حضرت و تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار با بیان و قلم و هنر:**

با توجه به اهمیت مهدویت و روایات فراوانی که در این باره داریم و نیز روایات «احیای امر^{۳۰}» ضرورت تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت کاملاً آشکار است.

روشن است که در انجام این پیمان، وظیفه سنگینی بر دوش افراد و دولت و نهادها به ویژه حوزه‌ها، دانشگاه‌ها، مطبوعات، هنرمندان و صدا و سیما است.

• **دوری از گناهان و آواستگی به اخلاق نیکو:**

کسی که دوست دارد از یاران قائم باشد، باید منتظر ظهور باشد و در همان حال از گناهان دوری کند و به اخلاق نیکو آراسته باشد.^{۳۱}
پس باید هر یک از شما کارهایی را انجام دهد که وی را به محبت و دوستی مانزدیک می‌نماید و از آن چه موجب ناراحتی و ناخرسندی ما می‌شود، دوری گزیند.^{۳۲}

• **بذل جان و مال و هر آن چه که داریم در راه امام:**

و ان عهد و پیمان من با توست... پس جان و مال و فرزندان و خویشان و هر آن چه که پروردگارم به من داده به پیشگاهت و در راه تو و آرمان‌ها و فرامینت، تقدیم می‌کنم.^{۳۳}

• **انتظار:**

انتظار، آماده باش و تحصیل آمادگی‌های لازم برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های مورد نظر است. انتظار، تنها یک حالت روحی نیست، بلکه با توجه به روایاتی که آن را «افضل الاعمال»^{۳۴} و یا «احب الاعمال»^{۳۵} می‌داند، یک حالت روحی جربان یافته و شکل گرفته‌ای است که از معرفت برخاسته و به اقدام و عمل می‌انجامد که بدون این جزء اخیر حقیقت آن تحقق نمی‌یابد. همین است که می‌گوییم؛ انتظار، آمادگی آدمی در سه بُعد شناخت، عاطفه و رفتار و تحولی در سه حوزه وجودی او؛ بینش، گرایش و عمل است.

• **اقتداء:**

خوشابه حال کسی که قائم از اهل بیت مرادرک کند و قبل از قیامش به او اقتداء و تأسی نماید.^{۳۶}

امام(ع) الگو و مقتدای منتظران و سالکان است. باید مهدی زیست بود و از عدالت خواهی و بسط و گسترش آن گرفته تا خوارک و پوشک و سلوک فردی و اجتماعی و در جای جای زندگی به او تأسی کرد.

• **زمینه سازی برای ظهور:**

گروهی از مشرق به پا می‌خیزند و زمینه ساز حکومت مهدی(ع)^{۳۷} می‌شوند.

• **یاری و دفاع از حضرت:**

در فرازی از دعای عهد چنین امده است:

«اللَّهُمَّ اجْعُلْنِي مِنْ انصَارِهِ» نصرت و یاری او؛

«وَاعْوَانْهُ» اعانت و یاوری او؛

«وَالَّذِينَ عَنْهُ» دفاع و حمایت از او؛

«وَالْمَسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَاجِهٖ» شتاب به سوی او در برآوردن حاجتش؛

«وَالْمُمْتَثِلِينَ لَا وَمَرْهَ» اطاعت از فرامین و دستورهایش؛

«وَالْمَحَامِينَ عَنْهُ» حمایت بی دریغ از او؛

مدرسه گرفته تا کوچه و بازار.
اطاعت امام؛ یعنی برنامه ریزی راهبردی نظام در جهت انتظار و اهداف
امام و قرار گرفتن همه نهادها در همین راستا از حوزه و دانشگاه گرفته
تا آموزش و پرورش و ارشاد و سازمان تبلیغات و صدا و سیما و... .
اطاعت امام؛ یعنی بسیج همه امکانات و به کارگیری تمام توان جامعه
برای ایجاد شور و رغبت اجتماعی به ظهور و دولت کریمه و زمینه سازی
آن؛
اللهم اتنا تر غب الیک فی دوله کریمه تعزیها الاسلام و اهله و تذلّبها
النفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاۃ الى طاعتك والقاده الى سبیلک و
ترزقنا بها کرامه الدنيا والآخرة.
اللهم اتنا نشكوکی فقد نبینا صلواتک علیه و آله و غیبه ولینا و کثرة عدونا
و قلہ عددنا و شدہ الفتنه بنا و ظاهر الزمان علینا.^{۴۷}
منبع: فصلنامه انتظار، شماره ۱۱.

پی نوشت ها:

۱. هم چنان که جماعتی از ایرانیان (از قم و جبال) نخستین گروهی بودند که پس از شهادت امام عسکری(ع) در جستجوی امام زمان خود برآمد و به محض رسیدن بار یافتنند و بدینسان بیعت خود را علام نمودند. (کمال الدین، باب ۴۳، ج ۴۷۶) و نیز پس از پیدایش خواج شیعیان علی(ع) با آن حضرت بیعتی دویاره کردند: تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۲۶.
۲. بخار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۵۴.
۳. نفسیت نور التقلین، ج ۳۶، ص ۳۶۲.
۴. کافی، ج ۲۲، ص ۲۲۱.
۵. و اعنای علی تأثیر حقوقه الیه»، دعای ندب.
۶. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۳۱۸ و ۳۱۹.
۷. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۵. به نقل از امام باقر(ع).
۸. بخار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۵.
۹. بخار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۰۰.
۱۰. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶.
۱۱. مفاتیح، دعای حضرت صاحب الامر(ع) و این یعنی امام نه یک راه که تنها راه است.
۱۲. مصباح المتهجد، ج ۳۶۱.
۱۳. مفاتیح، زیارت جامعه.
۱۴. مفاتیح، زیارت عاشورا.
۱۵. الحبُّ فرع المعرفة: مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۶۸.
۱۶. بخار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۸.
۱۷. بخار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲؛ نجم الثاقب، ص ۴۵۵.
۱۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸.
۱۹. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۴.
۲۰. مفاتیح، زیارت حضرت صاحب الامر(ع).
۲۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم.
۲۲. مفاتیح، دعای عهد.
۲۳. منتخب الائمه، ص ۵۸۱.
۲۴. منتخب الائمه، ص ۳۸۲.
۲۵. کافی، ج ۱، ص ۲۷۱.
۲۶. احتجاج طبرسی، ج ۳، ص ۴۶۹.
۲۷. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱ - ۱۳۲.
۲۸. مفاتیح، زیارت حضرت صاحب الامر(ع).
۲۹. اشارة به زیارت امین الله.
۳۰. ر. ک، کافی، ج ۸، ص ۸۰ - ۸۱.
۳۱. نعمانی، غیبت، ص ۲۰۰.
۳۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۹. (نامه به شیخ مفید).
۳۳. مفاتیح، زیارت حضرت صاحب الامر(ع).
۳۴. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.
۳۵. منتخب الائمه، ص ۳۷۵.
۳۶. از توقیعات امام زمان (ع). الغییه، شیخ طوسی، ص ۲۹۱.
۳۷. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.
۳۸. مائده/۱۳.
۳۹. بخار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۶.
۴۰. سوره آل عمران / آیه ۳۱.
۴۱. شیخ طوسی، الامالی، ص ۹۷.
۴۲. کافی، ج ۱، ص ۴۰۵.
۴۳. بخار الانوار، ج ۲، ص ۸۰.
۴۴. بخار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۴.
۴۵. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.
۴۷. مفاتیح، دعای افتتاح.

والسابقین الی ارادته» پیشی گرفتن به خواست و اراده اش؛
والمستشهدين بین یديه «شهادت در پیشگاه و حضور نازنینش.

• پیروی از ولی فقیه:

در رخدادهای تازه به راویان حدیث ما (فقها) رجوع کنید که ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر شما هستم.^{۴۶}
اینها و جز اینها برخی از عهدهایی است که ما با امام خود داریم؛
عهدهایی که با انجام آنها امید است چشم ما به جمالش روشن شود و شاهد ظهور موفور السرورش باشیم، که حضرتش در نامه به شیخ مفید فرموده است:

اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد - در وفای عهد و پیمانی که بر عهده دارند، همدم و متحد می شوند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمی افتد و این توفیق زودتر نصیب آنان می شد.^{۴۷}

در پایان، این هشدار قرآن و پیامبر(ص) را نیز از یاد نماییم:

«فِيمَا نَقْضَهُمْ مِّيَاثِقَهُمْ لَعَنَّا هُمْ وَ جَعَلُنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً»^{۴۸}
به واسطه نقض پیمانشان آنها را دور نمودیم و قلبهاشان شقاوت گرفت.

«اذا نقضوا العهد سلط اللہ علیہم عدوہم»^{۴۹}
هرگاه مردم عهدشکنی کنند، خداوند دشمنانشان را بر آنان مسلط گرداند:^{۵۰}

۵. اطاعت

با معرفت، محبت و ولایت امام، به عهد و پیمان با او و آن گاه تبعیت و اطاعت او می رسیم. عهد و اطاعت، تجلی و نمود عشق و محبت است. هر

چه عاشق تر، متعهد تر و مطبع تر.

امام باقر(ع) به جابر می فرماید:

به خدا قسم! تنها با عمل است که می توان به ولایت ما رسید.^{۵۱}

در روایت دیگری از حضرتش سؤال شد: حق امام بر مردم چیست؟

حضرت فرمود: حق امام بر مردم این است که سخنش را بشنوند و اطاعت کنند.^{۵۲}

امام صادق(ع) نیز می فرماید:

جماعتی گمان می کنند که من امام و پیشوای آنان؛ در حالی که به خدا سوگند، من هرگز امام آنان نیستم. خدا آنان را لعنت کند؛ آن چه من آن را مخفی کردم، افشا کردن. [درست نقطه مخالف اعمال مرآ انجام می دهنند]. من می گویم چه و چه، آنها می گویند: مقصود این و این است. [گفته های مرآ مطابق میل و هوای نفس خود تفسیر می کنند]. من

فقط امام و رهبر آن کسی هستم که از من اطاعت و تبعیت کند.^{۵۳}

همین است که در روایتی «حیٰ علی خیر العمل» به ولایت اهل بیت تفسیر شده است؛^{۵۴} چون این چنین ولایتی به عمل منجر می شود و آن هم بهترین عمل. همین اطاعت و عمل است که رمز فرج و گشایش کارها، ظهور همه زیبایی ها و خوبی ها، عامل نصرت خدا و بهره مندی از همه مواهب و عنایات الهی، شرط محبویت در نزد خدا، دریافت امدادهای غیری و دستیابی به پیشتر لقا و حضور اوست.

اطاعت امام؛ یعنی به عهد و پیمانها عمل کردن؛ یعنی بازخوانی و مرور مستمر و همیشگی میثاق ها و مراقبت مداوم بر انجام آنها.

اطاعت امام؛ یعنی خود را وقف امام و خواسته های او کردن «رحم الله عبداً حبس نفسه علينا»^{۵۵} و همیشه و همه جا، یاور و مدافع حریم

ولایت بودن و در جهت تحقق خواسته های و آرمان های او که همان خواسته های خداست، گام برداشت.

اطاعت امام؛ یعنی زمینه ظهور او را فراهم ساختن.

اطاعت امام؛ یعنی بسط عدالت و فرهنگ عدل پذیری در جامعه و نهادهایه کردن آن.

اطاعت امام؛ یعنی تلاش در جهت اصلاح خود و جامعه.

اطاعت امام؛ یعنی حاکمیت و لایت معصوم در فکر و اندیشه، عاطفه و احساس، اقدام و عمل.

اطاعت امام؛ یعنی جلوه خواست امام در جای جای زندگی، از خانه و



ماههای آغازین سال ۲۶۰ هجری

منزل امام عسکری(ع)	دستگاه خلافت و جعفر
<ol style="list-style-type: none"> ۱. ادامه محاصره شدید منزل امام حسن عسکری (ع) در سامرا برای ششمين سال متوالي . ۲. گسترش روز افزون فضائل و ویزگی های حضرت در بین مردم علیرغم محاصره شدید . ۳. فشار شدید عمال حکومتی بر شیعیان . ۴. ارتباط مردمی با حضرت از طریق عثمان بن سعید . ۵. فرستادن ابوالادیان - خدمتکار حضرت - برای انجام ماموریتی ، دقیقا پانزده روز قبل از شهادت . 	

اول ربيع الاول

منزل امام عسکری(ع)
<ol style="list-style-type: none"> ۱. مسموم کردن امام توسط معتمد ، خلیفه عباسی. ۲. بیماری شدید امام و بستری حضرت .

سوم ربيع الاول

منزل امام عسکری(ع)	دستگاه خلافت و جعفر
<ol style="list-style-type: none"> ۱. اعلام عمومی خبر بیماری حضرت در شهر و حزن و اندوه عمومی . ۲. عدم ارتباط شیعیان با امام خود مبنی بر کسب اطلاعات در خصوص جانشین حضرت . 	

هفتم ربيع الاول

منزل امام عسکری(ع)	دستگاه خلافت و جعفر
<ol style="list-style-type: none"> ۱. خیم شدن حال امام (ع). ۲. شدت اندوه شیعیان شهر. ۳. راه یافتن عثمان بن سعید، بزرگ شیعیان شهر، به منزل امام(ع). 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. فزونی یافتن حضور مأموران و جاسوسان دربار در منزل و اطراف آن. ۲. اقدام جعفر در معرفی خود به عنوان جانشین امام و رفتن به خانه حضرت با تنی چند از دوستان . البته این عمل با تشویق دستگاه خلافت بوده است .

نیمه شب هشتم (سحرگاه)

منزل امام عسکری(ع)
<ol style="list-style-type: none"> ۱. و خامت حال امام(ع) و درخواست ایشان مبنی بر دیدن فرزند پنج ساله اش . ۲. حضور مخفیانه فرزند بر بالین پدر و یاری او در وضو ساختن . ۳. اقامه نماز صبح توسط حضرت . ۴. اعلام آخرین وصیت ها به فرزند . ۵. رجعت ملکوتی حضرت در آغوش فرزند .

صبح روز هشتم ربیع الاول

دستگاه خلافت و جعفر	منزل امام عسکری(ع)
<p>۱. شروع ماموریت ویژه مأموران دربار، پزشکان، قضات و جاسوس‌ها پس از شهادت امام در سه قالب :</p> <ul style="list-style-type: none"> الف. انجام سوگواری نمایشی؛ ب. پراکندن شایعه مرگ طبیعی؛ ج. جستجو برای یافتن فرزند احتمالی امام. <p>۲. سعی و تلاش جعفر جهت معرفی خود به عنوان وارث برادر و شایسته امامت شیعیان .</p> <p>(آماده سازی خود برای برگزاری مراسم نماز بر پیکر مطهر حضرت)</p>	<p>۱. برخاستن بانگ شیون از منزل امام(ع) ، به نشانه شهادت آن بزرگوار .</p> <p>۲. سرازیر شدن شیعیان به خانه حضرت بدون توجه به خلقان موجود و حضور گسترده مأموران خلیفه.</p> <p>۳. انتظار شیعیان برای اقامه نماز بر پیکر امام(ع). نکته : همه می دانند جز امام معصوم کسی بر امام نماز نخواهد گذارد .</p>

ظهر روز هشتم

دستگاه خلافت و جعفر	منزل امام عسکری(ع)
<p>۱. حضور خلیفه و درباریان برای تشییع پیکر امام در کنار آبوه مردم شهر و بیرون منزل امام(ع).</p> <p>۲. شادمانی دستگاه خلافت از عدم وجود فرزندی از امام و در نتیجه پایان سلسله امامت شیعه .</p> <p>۳. حضور جعفر با ظاهری غمگین و دلی پر تکبر بر جنازه حضرت جهت اقامه نماز .</p> <p>(تا جایی که دست خود را برای تکبیر به بالا برده بود)</p> <p>۴. از راه رسیدن کودکی گندم گون و زیبا و اقامه نماز بر جنازه پدر با چشمانی اشکبار .</p> <p>۵. ناکامی جعفر و ترک منزل برادر .</p>	<p>۱. غسل و کفن بدن مطهر حضرت و حمل به حیاط منزل جهت اقامه نماز</p> <p>۲. تخلیه خانه از هر بیگانه و حضور اهل خانه و ابوالادیان جهت انجام مراسم .</p> <p>۳. رسیدن کاروان بزرگان قمی برای دیدار با امام عسکری(ع).</p> <p>نکته : ایشان به همراه خود نامه و کیسه های طلا داشتند</p> <p>۴. نالمبدی اعضای کاروان از زیارت حضرت و ترک شهر .</p> <p>نکته : آنگاه که کاروان در حال دورشدن از شهر است که غلامی آنها را دوباره به منزل امام عسکری(ع) دعوت می کند. غلام، آنها را به اتاق می برد. ابوالادیان با شگفتی همراهشان می رود. در آنجا با کودکی نورانی روپردازی شوند. آنها احترام می گذارند و کودک پس از احوال پرسی، از نامه ها و کیسه ها می گوید.</p> <p>قلمی ها شادمان و شگفت زده، سر به سجده گذاشته و خداوند را شکر می کنند و پس از شناخت امام خود، با حضرت پیمان می بندند.</p>

عصر روز هشتم

منزل امام عسکری(ع)
<p>۱. حضور جاسوس‌های خلیفه در کنار شیعیان عزادار در خانه امام (ع) .</p> <p>۲. اقدام ابوالادیان جهت شناخت آخرین امام به وسیله نشانه هایی که از امام عسکری (ع) فرا گرفته .</p> <p>۳. شکست جعفر در نقشه فربیت شیعیان .</p> <p>(چون آنها خود اهل حدیث و دانش بودند و او را امتحان کردند و به رسوایی کشاندند).</p>

و چنین شد که :

هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری، امام عسکری(ع) به شهادت رسید و فرزندش، امام مهدی(ع)، جانشین ایشان شد. اولین بیعت گران افتخارآمیز امام زمان(ع)، مردانی از شهر قم و مناطق غربی ایران بودند؛ وارثان سلمان فارسی، نزدیک ترین یاور پیامبر(ص) و امام علی(ع)؛ باشد که زمینه سازان ظهور حضرتش هم باشند.

دومین غدیر(پژوهشی پیرامون نهم ربیع الاول، عید امامت و ولایت امام زمان(ع)):

سید جعفر موسوی نسب، قم، فرهنگ منهاج، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۴، قیمت ۵۰۰ تومان.
مراکز پخش: قم ۷۷۴۳۳۳۴ - ۷۷۳۷۸۰۱ - ۷۸۳۰۴۷۶ (با تخفیف ویژه برای مراکز فرهنگی).

مطالب کتاب:

فصل اول

فصل سوم

نیاز انسان به امام و حجت خدا

معرفی آخرین امام از ناحیه معصومین(ع)

آشتبای با امام زمان(ع)

تجدید عهد و پیمان با امام زمان(ع)

ضرورت شناخت امام زمان(ع)

آثار امام زمان(ع)

راهکارهای تجدید عهد و پیمان با امام زمان(ع)

تصویری از دولت حق

ضمایم

معروفی دویست اثر مفید مهدویت در سطوح مختلف

الف) ابتدایی

وداع امام زمان(ع) با پدر

نهم ربیع الاول

ب) راهنمایی

اعمال ربیع الاول

ج) دیرستان و عموم

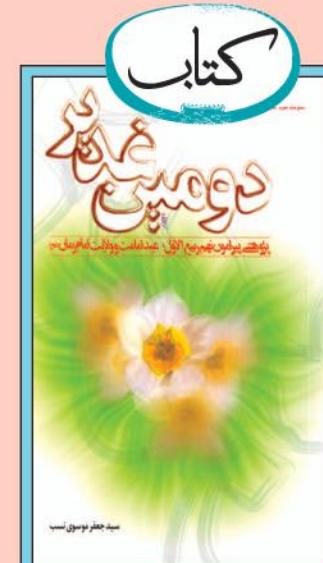
فرهنگ شادی در ربیع الاول

ایام الله

د) دانشگاهی

دومن غیر

كتاب



سید جعفر موسوی نسب

السَّلَامُ عَلَى الْبَيْعِ الْأَنْوَرِ وَنَصْرَةِ الْأَيَّامِ

سلام بر بهاران



مِنْ بَهْرَانِ

خویش بیرون می فرستد و... تا جایی که زن از عراق تاشام برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد.^۷

آری، خداوند با باران رحمتش، بهار مردمان، مهدی زهراء(ع) را سیراب می سازد، زمین گیاه خویش را بیرون می فرستد، دامها فراوان می شوند.^۸ تازگی، نو و جدید شدن از دیگر ویژگی های بهار است، که جان را صفا می بخشند:

بهار جان ها، مهدی زهراء(ع) نیز، با تازگی توأم است، جاهلیتها را زدوده و اسلام را از نو بنا می نهند.

امام صادق (ع): او همچون پیامبر(ص) آنچه در قبل بوده را از بین برد، جاهلیت را نابود ساخته و اسلام را بنا نهاده و پیاده می کند.^۹

^۴ بهار یعنی رفتن تمام مظاهر سردی، خشکی و مردگی و فرج و گشاش برای تمام آن ها که آرزوی روییدن را به سر داشته اند.

پیش از ظهور بهار، سوز سرما، رنج آور و تلخ است: «ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدى الناس»^{۱۰}

عصر یخندهان قبل از ظهور به گونه ای است که بشر از سوز سرمای بی عدالتی و ظلم، آرزوی بهار را فریاد می کشد.

بر هر دیاری بگذری، بر هر گروهی بگری با صد بیان، با صد زبان در ذکر او غوغای بود^{۱۱}

بهار رخ می نماید، سردی ها را می زداید. آنان که به سردی ها خوکرده و از عادات زشت جدای ناپذیرند، سرنوشت سرما را خواهند داشت و آنان که در اوج سرما، روح خویش را به گرمای انتظار، تقو و انجام وظیفه، زنده نگه داشته اند، به دیدن بهار خوشنود می گردند و با او به جنگ زمستان می روند. امام رضا (ع): به هنگام ظهورش جهان با نور پروردگارش می درخشد. او میزان را به عدل در میان مردم قرار می دهد. دیگر کسی در حق کسی ستم نمی کند.^{۱۲}

جهان با پیاده شدن عدالت، خوشحال می شود.^{۱۳}

در تمام دوران حکومتش، جز به هنگام اجرای حدود الهی، کسی را مورد ضرب قرار نمی دهد.^{۱۴}

بهار، همیشه با تحفه سرسبیزی و شادابی و نشاط همراه است. بنابراین، طبیعت و تمام موجودات به بهار عشق می ورزند. در روایات ما، سیمای

امام مهدی (ع) و دستاوردهای آن بزرگمرد، آنده از جلوه های بهاری است حتی از امام (ع) به عنوان بهار یاد شده است.

پس همی گویند هر نقش و نگار مژده مژده نک همی آید بهار^{۱۵}

این مقاله به دنبال تبیین برخی شباهت های حضرت مهدی (ع) و بهار است و این که امام، احیاگر جان هاست و هیچ امری به اهمیت احیای جان

هانمی رسد و چنین ندا سر می دهد: شاد از وی شو، مشواز غیر وی او بهار است و دگرها ماه دی^{۱۶}

۱. یکی از ویژگی های بهار، باران فراوان، جوشش نهرها و چشمه ساران است؛

امام، ابر بارنده، باران پیاپی، آسمان سایه افکن، زمین گسترده، چشم

جوشان، برکه و گلزار است.^{۱۷}

او بر جایی قدم نمی گذارد جز آن که از مقدم او چشممه ها می جوشند، چشممه هایی که عطش تشنجان را فرو می نشاند.

زو بخندد هم نهار و بهار

در هم آمیزد شکوفه و سبزه زار^{۱۸}

در آن هنگام چشممه سارها، سوازیر و زمین چندین برابر محصول خود می رویاند.^{۱۹}

۲. ویژگی دیگر بهار، سرسبیزی دشت و دمن است؛ هر کجا پامی گذاری، بوی طراوت و تازگی به مشام می رسد؛

هنگام ظهور، از کویرها و خشکی ها، سخنی نباید گفت؛ مسافت های طولانی، چون عراق تا شام، پای بر سبزه باید گذارد و قدم ها را با نوازش

سبزه ها و گیاهان طراوت باید بخشید.

قائم ما که قیام کند، آسمان باران خویش را فرو می فرستد و زمین، گیاهان

سلام بر جه کار مردمان و سرسبزی دوران



استعدادها شکوفا می شود، زمین خشک و نفوذناپذیر با بارش پیاپی باران، رام گشته و آنچه در درون دارد، به ورش باد بهاری می سپارد. بذرهایی که سالم به خاک، سرسپرده اند، رجعتی دوباره می یابند و به روی بهار لبخند می زنند و در سرسبزی طبیعت، به یاریش بر می خیزند، بهار زیبای پیامبر(ص) نیز چنین می کند؛ مهدی(عج) برترین حیات بخشی است که آرزوی تمام انبیاء و اوصیاء را به هدف اجابت می رساند:

خداؤند آنان - اهلبیت(ع)- را مایه حیات مردم، و مشعل های هدایت در گمراهی ها قرار داد.^{۲۴}
این دم ابدال باشد آن بهار
در دل و جان روید از وی سبزه زار^{۲۵}

حضرت، استعدادها را شکوفا می کند، عقل های به خواب رفته را بیداری می بخشد، زمین ها را حیات و زمینه ها و استعدادها را شکوفا می گرداند؛ مگر نه این است که تمام انبیاء و اوصیاء آمده اند تا گنج های عقول را استخراج نمایند.^{۲۶}

آن خزان نزد خدا نفس و هواست
عقل و جان عین بهار است و بقاست^{۲۷}
خردهای آنان را گرد آورد، رشد های آنان را کامل گرداند و خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی آنان می افزاید.^{۲۸}

چون پرچم او به اهتزاز درآید، میان مشرق و غرب با نور آن روشن می شود و خداوند دستش را بر سر بندگان می گذارد.^{۲۹}

۸. شادمانی، مسرت و شادمانی دستاورد دیگر بهار است؛ بهار لدها، مهدی زهرا(عج)، نیز غم و اندوه را می زداید و شادی و نشاط را نه تنها به انسان که به تمام موجودات هدیه می دهد.

آن روز مردگان نیز خرسند می گردند و به هم مرژه ظهور می دهند؛ وقت پژمردگی و غمزدگی آخر شد
روز آویختن از دامن یار آمد باز
مردگی ها و فروریختگی ها بشدند

اوست که سخن ها را یکی می کند (و حدت کلمه ایجاد می کند) نعمت ها را کامل می گرداند.. خداوند به وسیله او حق را تحقق می بخشد و باطل را ریشه کن می سازد. او مهدی منتظر شماست.^{۳۰}

رسول گرامی اسلام(ص)؛ خداوند به وسیله او از امت، رفع گرفتاری می نماید.^{۳۱}

خداؤند به وسیله او، دروغ و دروغگویی را نابود می سازد، روح درندگی و ستیزه جویی را از بین می برد و ذلت بردنی را از گردان آنها بر می دارد.^{۳۲}

زمین همانند نقره از هر گونه تیرگی پیراسته خواهد بود.^{۳۳}
۵. بهار به همراه خوبی، خیر و برکت ارزانی می کند، به هنگام حلول بهار اهل بیت، نیز چنین خواهد شد:

آن هنگام، زمین گنج های خود را نمایان و برکات خوبی را آشکار می سازد.^{۳۴}

۶. بهار، عصر فراوانی سرسبزی ها است. بهار آنچه از زیبایی درون خود را عرضه می دارد.

هنگام ظهور هم موجودات در خدمت امام(عج) قرار می گیرند و امام(عج) بی حد و حساب بخشنش می کند تا آنجا که غنا و بی نیازی رخ می نماید.

تمام اموال دنیا، از برون و درون زمین، در اختیار او گرد می آیند.^{۳۵}

پیامبر اسلام(ص)؛ اموال را چون سیل می ریزد، ثروت را می بخشد و آن را نمی شمارد؛ این هنگامی است که اسلام به طور کامل اجرا شود.^{۳۶}

آن گاه آنچنان عطا یای کلان به آنها می دهد که هرگز در تاریخ بشری

سابقه نداشته است.^{۳۷}

این بی نیازی، گاه در اثر غنای مالی است و رفع فقر و از این مهمتر، روح بی نیازی است که در اثر رشد عقلی، رخ می نماید.

مال را علی السویه تقسیم می کند و دلهای امت محمدی(ص) را بابی نیازی پُر می کند و عدالت ش همه آنها را فرا می گیرد.^{۳۸}

۷. باران های حیات بخش بهاری، زمین مرده را پس از مدت ها خواب و مرگ

حیات می بخشد.

زندگی‌ها به دو صد نقش و نگار آمد باز^{۳۰}

زدودن رنج‌ها و غم‌ها و بیماری‌ها؛ انسان را ز هر نوع بیماری جسمی و روحی نجات می‌یابد:

هر کس که قائم‌اهلیت (ع) مرا درک کند. اگر بیمار باشد، بیهودی می‌یابد و اگر ناتوان باشد، نیرومند می‌شود.^{۳۱}

هنگامی که قائم‌اهمیت (ع) مرا درک کند، دست شریف‌ش را بر سر بندگان گزارد و خردگانی آنان را گردآورده رشدهای آنان را کامل گرداند و خداوند برسعت بینایی و شنوایی آنان می‌افزاید.^{۳۲}

شادمانی زندگان؛ چون آن روز را درک کنی، چشمانت روشن می‌شود.^{۳۳}

امام صادق (ع) مهدی (ع) که قیام نماید، همه مسلمانان از خواص و عوام خوشحال می‌شوند.^{۳۴}

امام کاظم (ع) مؤمنان و اهل آسمانها با ظهور او خوشحال و شاداب می‌شوند ولی هیچ کافر و یا مشرکی نمی‌ماند جز اینکه ظهور او را ناخوش دارد.^{۳۵}

شادمانی همگانی؛ به قیام او، اهل آسمانها و ساکنان آن‌ها شادمانی می‌کنند.^{۳۶}

امام صادق (ع) اهل آسمان و زمین به وسیله ظهور او خوشحال می‌شوند، پرندگان‌ها و ماهیان دریا نیز با ظهور او شادی می‌کنند.^{۳۷}

امام حسن عسکری (ع) به امام زمان (ع) فرمود: کودکی که در گهواره آرمیده، آرزو می‌کند که بتواند به سوی تو بنشتابد، وحشیان صحراء آرزو می‌کنند که بتوانند به سوی تو راهی یابند. اقطار و اکناف جهان سبز و خرم می‌شود، چهره دنیا خندان و قله‌های شرف و عظمت از تو شاداب و خرامان می‌گردد.^{۳۸}

۹. بهار با خیر و برکت، طراوت و... زمینه محبت را فراهم می‌آورد؛ نفرتها از بین می‌روند، گویی الفت و مهربانی و صمیمیت ارمغانی جدا ناشدنی از بهار است.

زدودن نفرتها و کینه‌توزی‌ها؛ کینه‌ها را از دل مردم بپرون رو و بدی از جهان رخت بربنند و تنها خیر باقی بماند.^{۳۹}

الفت و صمیمیت؛ خداوند به دست ما در میان آنها الفت و صمیمیت ایجاد می‌کند چنانکه پس از کینه‌توزی‌های شرک به دست ما در میانشان صفا و صمیمیت ایجاد نمود. بعد از عداوت روزگار فتنه، به وسیله ما برادری خود را باز یابند، چنانکه بعد از عداوت شرک، به دست ما برادر ایمانی گشتند.^{۴۰}

هنگامی که قائم (ع) قیام کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می‌شود. هر نیازمندی دست می‌برد و از صندوق برادر ایمانی خویش، به مقدار نیاز بر می‌دارد و صاحب صندوق هم او را منع نمی‌کند.^{۴۱}

۱۰. برترین بهار، محبوب‌ترین یار؛ شاد از او شو، مشواز غیر وی او بهار است و دگرها ماه دی

بهار، اگر سرسیزی و نشاط طبیعت را به همراه خویش به ارمغان می‌آورد، امام، سرسیزی، طراوت و زندگی را به روح جان‌ها می‌بخشد. انسان را فراتر از طبیعت می‌سازد و او را از خاکدان طبیعت می‌رهاند و به اوج می‌رساند؛ اینجاست که او از هر بهاری، بهارتر و از هر کسی مهربانتر است.

دلسوز و مهربان؛ امام صادق (ع) مهدی (ع) بخشندگانی است که مال را به وفور می‌بخشد، بر والیان سخت می‌گیرد و بر بینوایان بسیار رؤوف و مهربان است.^{۴۳}

پناه مردمان؛ او از همه آغوش پناهش برایتان گشاده‌تر است.^{۴۴}

پناهگاه بندگان است.^{۴۵}

رفیقی صمیمی، پدری دلسوز، از مادر مهربان؛ امام ائمه‌ی رفیق، پدری شفیق و برادری همزدراست، همانند مادری نکوکار نسبت به فرزند خردسال است.^{۴۶}

این بهار، دوست داشتنی ترین بهار است؛ مهدی در میان همه مخلوقات،

محبوب است.^{۴۷}

محبوب آسمانیان و زمینیان؛ ساکنان زمین و آسمان به او عشق می‌ورزند.

بی‌بان گویند سرو و سبزه‌زار

شکر آب و شکر عدل نوبهار^{۴۹}

عشق وصف ناشدنی؛ امت اسلامی به مهدی (ع) مهر می‌ورزند و به

سویش پناه می‌برند. آن چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه

می‌برند.^{۵۰}

عاشقان، چنان او را دوست دارند که چون حضرت سخن می‌گوید، آن قدر

گریه می‌کنند که نمی‌فهمند حضرت چه می‌گوید:

مهدهی داخل کوفه می‌شود... بر فراز منبر قرار می‌گیرد و خطبه آغاز

می‌کند، آنقدر مردم اشک شوق می‌ریزند که از شدت گریه متوجه کلام او

نمی‌شوند!^{۵۱}

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوت

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش^{۵۲}

پی‌نوشت:

۱. بخار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱، باب ۷.

۲. مشتوی معنوی، دفتر اول، ۱۳۱.

۳. مشتوی معنوی، دفتر ششم، ۱۱۲۳.

۴. کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۵. مشتوی معنوی، دفتر دوم، ۲۴۶.

۶. یتابع الموده، ج ۳، ص ۱۳۶.

۷. خصال ۲/۱، ص ۵۶.

۸. المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷.

۹. یتابع الموده، ج ۳، ص ۷۸.

۱۰. روم، ۴۱.

۱۱. دیوان امام خمینی (ره)، ص ۱۰۳.

۱۲. اعلام الوری، فصل ثانی، ۴۳۴.

۱۳. بشارة الاسلام، ص ۷۱.

۱۴. الملائح و الفتن، ع.

۱۵. یتابع الموده، ص ۹۲.

۱۶. غیث طوسی، ۱۸۷.

۱۷. همان.

۱۸. الملائح والفتون، ع.

۱۹. ارشاد ۲/۲، ص ۲۸۴.

۲۰. علل الشراح، ۱/۱، باب ۱۲۹.

۲۱. امامی طوسی، باب ۵۱۲، ۱۸.

۲۲. غیث نعمانی، باب ۱۳۷.

۲۳. کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۶۱.

۲۴. غیث نعمانی، ۲۲۲.

۲۵. مشتوی مولوی، دفتر اول، ۹۲/۹.

۲۶. شرح نزاج اللاحجه / ۱، ۱۱۷.

۲۷. مشتوی، دفتر اول، ۹۳.

۲۸. بشارة الاسلام، ۲۵۴.

۲۹. اعلام الوری، ۴۳۵.

۳۰. دیوان امام خمینی (ره)، ۱۲۵.

۳۱. بشارة الاسلام، ۲۴۳.

۳۲. بشارة الاسلام، ۲۵۴.

۳۳. نعمانی، ص ۱۵۲.

۳۴. المهدی، ص ۲۲۱.

۳۵. منتخب الائمه، ص ۴۳۹.

۳۶. غیث نعمانی، ص ۲۲۳.

۳۷. المهدی، ص ۲۲۱.

۳۸. وفات العسکری (ع)، ص ۴۹.

۳۹. بشارة الاسلام، ۲۴۹.

۴۰. البیان، ص ۸۵.

۴۱. اختصاص فقه، ص ۲۴.

۴۲. مشتوی مولوی، دفتر سوم، ۳۶۵.

۴۳. الملائح و الفتن، ۱۳۷.

۴۴. غیث نعمانی، ص ۲۱۲.

۴۵. تحف العقول، ص ۵۱۶.

۴۶. بشارة الاسلام، ۱۸۵ام.

۴۷. بشارة الاسلام، ص ۲۸۰ و ۲۸۱.

۴۸. مشتوی مولوی، دفتر ششم، ۱۱۲۳.

۴۹. الحاوی للتفاوی، ج ۲، ۱۵۳.

۵۰. کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۲۴.

۵۱. حافظ.

ذکر

نماز اول وقت یاد نمود!

محمد رضا نصویری



در اتوبوس نشسته بودیم که اذان از رادیو پخش شد. جوان به راننده گفت:
نگه دارید تا نماز بخوانیم.

راننده گفت: وقتی به قهوه خانه رسیدیم، نگه می دارم ولی جوان اصرار
داشت که همین اول وقت نمازش را بخواند.

بحث بالا گرفت تا اینکه بالاخره راننده تسلیم شد و توقف کرد. جوان کنار
جاده با آرامش کامل نمازش را خواند و سوار شد.

بعد از سوار شدن گفت: من به امام زمان (عج) قول داده ام که نماز را اول
وقت بخوانم و بعد قصه خود را تعریف کرد.

گفت: من در یک کشور اروپایی درس می خواندم. محل اقامتم تا دانشگاه
فاصله زیادی داشت و روزانه فقط یک اتوبوس این مسیر را طی می کرد.
یک روز که برای آخرین آزمون فارغ التحصیلی عازم دانشگاه بودم،
اتوبوس پر از مسافر، وسط راه خراب شد و روشن نشد. مسافران پیاده
شدند و کنار جاده منتظر ماندند تا وسیله ای پیدا شود و آنها را به مقصد
برساند. من که از این وضعیت بسیار نگران بودم وقتی زیادی هم نداشتم،
مرتب قدم می زدم و به جاده نگاه می کردم و حرص می خوردم که زحمات

چندین ساله ام در آستانه سفر به ایران برپا رفت و ...

در همین اثناء در ذهنم خطوط کرد که در ایران وقتی مشکلی داشتم، متوجه
به امام زمان (عج) می شدم و از او کمک می خواستم. با دل شکسته اشکم
جاری شد. با خودم گفتم: یا صاحب الزمان (عج)! اگر امروز کمک کنی تا
به امتحان برسم، قول می دهم و معهد می شوم تا آخر عمر نماز را
همیشه اول وقت بخوانم!

هنوز چند دقیقه ای نگذشته بود که آقایی از دور آمد و با زیان محلی به راننده
گفت: چی شده؟ بعد مقداری ماشین را دستکاری کرد و گفت: برو استارت
بنز! ماشین خراب روشن شد و همه خوشحال سوار شدند.

من هم از همه امیدوارتر سوار شدم. همین که اتوبوس خواست حرکت کند،
همان آقای ناشناس بالا آمد و من را به اسم صدزاد و فرمود: قولی که به
ما دادی یاد نزد! نماز اول وقت را فراموش نکن!
من که نمی توانستم حرفی بنز، فقط احساس کردم آقا رفت و من او را
نیدم! شروع کردم به اشک ریختن و گریه کردن!

برگفته از: میر مهر، مسعود پورسیداقایی، ص ۳۴۴ (باندک تصرف وتلخیص).

دلستاد

شب و سو و طوفان

نویسنده: کمال السیر
ترجمه: حسین سیری

نیمه شب است؛ شبی از شباهای واپسین ماه صفر سال دویست و شصت هجری. احمد بن محمدبن مطهر، نماینده امام عسکری(ع) به همراه کودک موعود و مادر بزرگش از مدینه باز می گردند. با احتیاط به خانه امام نزدیک می شوند. با آنکه پاسی از شب گذشته است، جعفر، تازه قصد منزل کرده است.

نفس اماره اش تمایلاتی در او بیدار کرده است. تمایلاتی که به او فرمان می رانند تا بار دیگر، دربار را از وجود کودک موعود آگاه کند، کودکی که دوست و دشمن، چشم انتظار تولدش هستند. این کار او، هم فال است و هم تماشا. او به زودی تنها میراث خوار قانونی تمام اموال و مایملک برادر خواهد شد. به دربار نزدیک می شود و یکی از دولتمردان درباری خواهد شد. بر مسند برادر تکیه زده؛ امام می شود و رودهای ثروت و مالیات-های دینی به سویش سرازیر می شوند؛ تا او آن چنان که می خواهد آنها را حیف و میل کند.

جهش! تا این درجه، سقوط در سراسری تردمانی و تبهکاری چرا؟ مگر پدر و برادرت چه کرده‌اند؟ جرم این کودک معصوم چیست؟ چرا پیش از آن

که امواج زندگی این جهانی، تو را ببلعند، به کشتن نجات قدم

نمی‌گذاری؟ چگونه نفس، تو را به نیرنگ و دسیسه علیه برادر، وا می‌دارد؟

کسی نمی‌داند چه شده که ناگاه در یکی از همین روزهای پاییزی، ناگهان امام ضعف شدیدی حس می‌کند؛ ضعفی که او را از پای در می‌آورد و در بستر می‌افکند.

خبر کسالت امام به عبیدالله بن یحیی بن خاقان(نخست وزیر) می‌رسد. آیا برای ترور امام نیرنگی در کار است؟ چرا پسر خاقان شخصاً به دیدن خلیفه می‌رود و از او می‌خواهد که جمعی از درباریان را بفرستد تا در منزل امام بمانند؛ اگر هدف، بهبودی امام بوده است، چرا نحریر خادم را نیز فرستاده‌اند؛ زندانی که روزی تهدیدکنن، امام را نشان داده و گفته بود: «سوگند به خدا! او را نزد درندگان خواهم افکند!»

آیا ورای آنچه می‌گذرد رازهایی وجود دارد؟ آیا خبر تولد پنهانی پسر به دربار رسیده است؟

سه روز از ربیع الاول می‌گذرد. حال امام رو به بدفرجامی است. نخست وزیر، فرمان می‌دهد تا گروهی از طبیان حاضر شوند و امام را معاینه کنند.

پزشکان، پس از معاینه به یکدیگر می نگرند؛ بی تردید به او سم خورانده‌اند؛ راهی برای بهبودی نیست.

پایان این جاده، مرگ است؛ اما نخست وزیر بر ماندنش در خانه امام پای می فشارد!

همچنین پسرخاقان، قاضی القضاط را می طلبد و از او می خواهد تا ده قاضی به خانه امام بفرستد! اکنون، جز پزشکان، پائزده دولتمرد در خانه امام حضور دارند.

آیا هدف کشف جانشین امام است؟ آیا همه دستاویزها، راهی برای میراً کردن دستگاه حکومت از ظن ترور امام است؟ آیا هدف، مقابله با شایعاتی است که در مرگ امام پراکنده خواهد شد؟ کسی نمی داند. اندوه و دلپریشی، حس‌های درهم آمیخته‌ای است که بر خانه امام سایه افکنده‌اند؛ خانه‌ای که چونان دژی در محاصره دشمنان است. با این که حال امام، رضایت بخش نیست، اما کاملاً هوشیار است و با برنامه‌ای دقیق کارهای منزل انجام می‌شود؛ جز آن که جعفر چنان رفتار می‌کند که گویی بزرگ خاندان اوست و همه باید از وی فرمان ببرند.

زمان به کندي می گذرد، امام در اتاق خویش در بستر بیماری افتاده است. همسرش (نرگس) در حجره ای دیگر و ماریا و نسیم در اتاق دیگر به سر می بربند. کافور و عقید نیز با سکوت و اندوه، هر یک به کار خویش است. کودک کجاست؟ آیا در گوشه ای از دخمه زیرزمینی پنهان شده است؟ یا به خانه بانو حکیمه سپرده شده؟ دولتمردان و درباریان، در ایوانی که اتاق امام نیز در آن قرار دارد، پراکنده اند. اتاق نرگس نیز رو به روی آن قرار دارد؛ اما زیر دو اتاق، سرداد یا دخمه زیرزمینی قرار گرفته است. دری کوچک، که از پس آن، پلکانی سنگی به سرداد متنه می‌شود.

امروز هفتم ربیع الاول است؛ سامرا به پیشوای شب یلدا می‌رود. خبر بیماری امام در میان مردمان و در میان کوچه و بازار، دهان به دهان می‌گردد. سخن روز شیعیان همین موضوع است. پرسشهایی راجع به آینده امام و امام آینده، ذهن مردم را به خود مشغول داشته است.

اما، در این شب طولانی، موفق می‌شود تا تعادی از نامه‌های مهمش را - چون بخشی از برنامه ریزی‌هایش برای اطلاع مردم از وجود امامی غایب- بنویسد؛ پیشوایی که شرایط و موقعیت‌های سیاسی - اجتماعی به گونه‌ای ایجاد می‌کرد تا میلادش پنهان باشد. و ناگزیر می‌باشد او را از چشم جاسوسان دور نگاه داشت. شب، بسی ظلمانی است و خستگی، چشم درباریان را به میهمانی خوابی سنگین بربد است.

شب قیرگون به سوی سپیده دمان ره می‌سپارد و ستارگان در آسمانی که ابرهای پراکنده آن را در برگرفته‌اند، دراوشانی می‌کنند. عقید، خادم امام، نالمیانه به سروش می‌نگرد؛ جوانی که بسان شمعی در دل شبهای سرد زمستان به خاموشی می‌گراید.

اما، با صدای ضعیف از عقید می‌خواهد تا جامی آب جوشیده حاضر کند. او، سرمای مرگ را در رگ‌ها و سلولهای مسموم خود حس می‌کند. نرگس می‌آید و جام را می‌آورد. سوگوار است. همسرش در آستانه رحیل است. دیری نخواهد گذشت که ستون خیمه زندگانی‌اش در هم می‌شکند و هزاران گرگ در اطرافش، به جولان برخواهند خاست. جوان دست لرزانش را دراز می‌کند. مرگ، خزند و پاورچن پاورچن نزدیک می‌شود. شام یلدا، رو به پایان است و سپیده در آستان دمیدن. امام می‌خواهد آب بنوشد؛ اما لرزش دستانش، طرف را به دندانهایش می‌ساید، ارتعاش دست بیشتر می‌شود. با آوایی ثابت می‌گوید:

پسرم را در اتاق جستجو کن؛ به نماز ایستاده است. او را نزدم بیاور!

نرگس به اتفاقی می‌شتابد. پسر در حال نماز است. اندکی درنگ می‌کند وسپس او را می‌آورد. لحظه‌ای که نسیم سحری وزان است، پسر پا به اتفاق پدر می‌گذارد. بربالیشن می‌نشیند حس اندوه واقعه از سیمایش آشکار است؛ چهره‌اش آسمانی است، پوشیده از ابرهای خاکستری، چشمان پدر، به آینده اندوهناک پسر، به اشک می‌نشیند. به سبب تمامی رنج‌هایی که در روزگاران تلخ به دوش خواهد کشید. مهروزانه زمزمه می‌کند:

ای سرور خاندان، این جام را به من بتوشان.

پسر، کاسه را می‌گیرد و به پدر نزدیک می‌کند. امام اندکی شربت می‌نوشد. گرما در تنش نفوذ می‌کند. پدر می‌گوید: مرا مهیای نماز کن.

پسر پارچه‌ای برداشته و بر سینه پدر می‌افکند. آن گاه پدر را در گرفتن وضو یاری می‌دهد. امام، غرق دریای نیایش به نماز می‌پردازد. سپیده دمیده است. پدر رو به پسر می‌کند:

پسر محبوبم! تو صاحب الزمانی! تو مهدی هستی؛ آن که پیامبر خدا مژده آمدنش را داد، تو وعده محمد مصطفی‌ای؛ نامت، نام او ولقبت لقب اوست. این، پیمان پدران من است که به من رسیده است.

در این لحظه آمیخته با اشک، پسر درمی‌باید که دلش از نوری آسمانی روشن شده است.

آری! ای مژده پیامبران! به زودی رنجها به سراغ تو می‌آیند. تو پروانه‌ای هستی که بشارت‌دهنده بهار و اعتدال است. به زودی، بادهای سرد زمستانی به جستجوی تو، وزیدن می‌گرند.

آه! ای امیدی که از بطن پیشگویی‌های پیشینیان برخاسته‌ای.

نرگس، بی صدا می‌گرید؛ همچون آسمان آرام و ساكت بارانی. گرگ‌های درنده خو، در جستجوی تنها پسرش به پسرش می‌گوید:

همسرش گوش می‌سپارد؛ می‌شند که خطاب به پسرش می‌گوید:

- پسرم! آفریدگاری که ستایش‌های بزرگ را زینته است، زمین و مردمان راسخ در پیرویش را، بدون پیشوا رها نمی‌کند. آنان را امامی قرار می‌دهد تا به وی اقتدا کنند و به سیره اش عمل نمایند. آفریدگار آنان را پیروز می‌کند. پسرم! تو نیز یکی از آنهاست هستی که پروردگار برای

گسترش حق و نایودی باطل و سرفرازی آین و خاموشی دشمنانش برگزیده است.

امام عسکری(ع) اندکی خاموش می‌ماند تا برای دادن واپسین اندرز به فرزندش، نفسی تازه کند:

فرزندم! بر تو باد دوری و اجتناب از چشم و نگاه مردمان. عزلت اختیار کن. تمام اولیاء الله را دشمنانی سخت و ستیزه جو است؛ پس بیم نداشته باش. پسرم! در بیان‌های دوردست و کوه‌های صعب العبور مسکن گزین، باشد تا خدایت از بلا نگه دارد.

چشمان پدر از اشک لبریز است. آخرین نفسهایش را می‌کشد. واژگان نیایش بر لبهایش جاری است. چشمانش را فرو می‌بندد و بانگ الرحیل را، از جان و دل، لبیک می‌گوید. سکوتی ژرف بر اتفاق خیمه زده است. زوزه‌هایی از دوردست سر می‌کشند و می‌آیند. نرگس از سرما می‌لرزد؛ بر

می‌خیزد دست پسرش را می‌گیرد و از اتفاق خارج می‌شود.

فصلی پرهیجان در زندگی یگانه پسرش آغاز شده است.



ابصالح

«ابصالح» به عنوان یکی از کنیه‌های حضرت مهدی(عج) آورده شده است. معروف است که برخی از عربهای شهری و بیانگرد، پیوسته در توسولات خود، آن حضرت را به این اسم می‌خوانند و شعر و ادب نیز در قصیده‌ها و مدح‌های خود، از این کنیه استفاده کرده‌اند. در برخی از ملاقات‌ها، از آن حضرت به عنوان «ابصالح» یاد شده است. «ابصالح» را می‌توان با «بابعبدالله»؛ کنیه امام حسین(ع) و امام صادق(ع) می‌باشد، هم مقایسه کرد و آن را این چنین معنا نمود: «پدر[بنده] صالح» نه اینکه حضرت، فرزندی به نام «صالح» داشته باشد. اب در عربی تنها به معنای پدر نیست، بلکه به معنای صاحب نیز آمده است. ابصالح یعنی کسی که صلحایی در اختیار دارد. ممکن است این کنیه از آیه انبیاء / ۱۰۵ هم گرفته شده باشد.^۱ امام زمان(عج) پدر و مجری اصلاح جامعه است، او تنها کسی است که به اذن و اراده الهی جامعه بشری را در سطح کره زمین اصلاح خواهد کرد. همان گونخه که در روایتی از پیامبر اکرم(ص) داریم که: من و علی(ع) دو پدر این امیم.

امام زمان

امام زمان(عج) پیشوای دوازدهم شیعه امامیه، مهدی موعود، یگانه فرزند امام حسن عسکری(ع) و واپسین امام است. همه شیعیان دوازده امامی، به اجماع بر امامت آن حضرت متفق‌اند و او را زنده و از انتظار، غایب و حضرتش را نقطه‌امید خود و منجی عالم بشریت می‌دانند. در اخبار شیعه از بردن نام ایشان منع شده است و اکثر علمای شیعه نام ایشان را به تصریح ذکر نمی‌کنند. این منع، شاید مربوط به زمان کودکی و دوران پیش از غیبت ایشان بوده است تا مخالفان که به شدت در تعقیب ایشان بودند، به وجودش پی نبرند. از آن حضرت با القابی چون مهدی، حجت، قائم، منتظر، بقیت الله، صاحب زمان، خلف صالح، امام زمان، ولی عصر، امام عصر و... یاد می‌شود و یا به کنایه او را الحضرة، النایحه المقدسه، الغریم و ... می‌نامند.

انتظار

انتظار در فرهنگ متعالی اسلام به ویژه در مذهب گران‌سنگ تشیع از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در مباحث مهدویت درخشندگی خاصی دارد. مجموعه روایاتی که سخن از انتظار گفته‌اند، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ دسته نخست، روایاتی است که به انتظار فرج و گشایش به صورت عام و کلی اشاره کرده است. اگر چه مصدق کامل و تام آن «فرج عمومی» در سطح جهان با ظهور حضرت در دسته نخست با تعبیرهای متفاوتی مواجه می‌شود؛ گاهی از آن به عنوان عبادت یاد شده است؛ رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: «انتظار فرج عبادت است». گاهی از آن به عنوان برترین عبادات یاد شده است؛ همان حضرت فرمود: «برترین عبادتها، انتظار فرج است». گاهی فراتر رفته و از انتظار به عنوان برترین کارهای امت پیامبر خاتم یاد می‌شود: «برترین اعمال امت من، انتظار فرج از سوی خداست». گاهی هم به آثار وضعی انتظار اشاره شده و خود انتظار فرج، نوعی گشایش معرفی گشته است. در این باره امام سجاد(ع) فرمود: «انتظار فرج از بزرگترین گشاپیشه‌است». رسول گرامی اسلام(ص) آن را برترین جهاد امت اسلامی دانسته و فرمود: «برترین مبارزه امت من، انتظار فرج است». دسته دوم، روایاتی است که در خصوص فرج قائم آل محمد(عج) و ظهور آخرین مصلح جهانی و موعود است. در این دسته نیز با مضامین فراوانی مواجه هستیم که برخی از آنها از این قرار است: امام صادق(ع) فرمود: «برشما باد به تسليم و ارجاع امور به ما و انتظار امر ما و امر خودتان و فرج ما و فرج شما». این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار فرج - چه به معنای عام آن و چه به معنای خاص - در فرهنگ دین مقدس اسلام جایگاه والایی دارد. از مجموع روایات استفاده می‌شود که انتظار به معنای حرکت، کوشش، فعالیت و خودسازی فردی و اجتماعی است. انتظار یعنی آمادگی و زمینه سازی برای تحقق اسلام.^۲

بی‌نوشت:

۱. ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الأرض يرثها عبادی الصالحون.

۲. جهت مطالعه بیشتر، ر.ک: فرهنگنامه مهدویت، خدامداد سلیمانی و موعود شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی.



لوح

Entezar



انتظار(المهدی)۲

نرم افزار چند رسانه‌ای «انتظار» که توسط شرکت مهندسی ایمان‌تک تولید شده است، در نوع خود کاری زیبا و درخور تقدیر و قابل استفاده برای عموم ارادتمندان و علاقمندان معارف مهدوی است.

این نرم افزار با گرافیک زیبا و دلنشیں، تلفیقی از متن و صوت و تصویر و نماهنگ است و تحت ویندوز کار می‌کند و شامل بخش‌های ذیل است:

كتابشناسي: مشتمل بر معرفی ۱۰۰ عنوان كتاب پيرامون حضرت مهدى(عج) که درچهار سطح مختلف کودک، نوجوان، جوان دبيرستانی و جوان دانشگاهی دسته بندی شده است.

حدیث: در این بخش، كتاب غیبت نعمانی همراه با ترجمه فارسی وجود دارد که با انتخاب از فهرست، حدیث مورد نظر به نمایش در می‌آید.

جستجو: جستجوی حدیث، بخش جداگانه‌ای است که برای پیدا کردن لغتی خاص در كتاب غیبت نعمانی تعییه شده است.

حكایات: این بخش، شامل ۱۲ حکایت از زندگی و ماجراهای تشریف ره یافتگان به آستان امام مهدی(عج) می‌باشد که به صورت صوتی و تصویری اجرا شده است.

صوت و تصویر: این بخش، مجموعه‌هایی از مدح، سرود، ادعیه، تواشیح، توصل و نماهنگ و همچنین تصاویری زیبا درباره امام مهدی(عج) را در خود جای داده است. که قابلیتهای متنوع صوتی و تصویری دارد.

مرکز پخش: تهران خیابان طالقانی؛ نرسیده به تقاطع ولی عصر(عج)، ضلع جنوب غربی، ساختمان اطمینان، طبقه اول، واحد ۴

تلفن ۰۶۴۰۰۸۷۱، نمبر: ۰۷۵۱۷



به کوشش حسین دهقان

■ زمینه سازی برای ظهور به این معنا نیست که ظهور در زمان خود ما اتفاق بیفت. ممکن است ده نسل زحمت بکشند تا زمینه ظهور آماده شود.
■ در غرب به انسانها فرصت تفکر نمی دهنند، یک انسان در غرب وقتی صبح از خواب بیدار می شود تا غروب مشغول کار و فعالیت روزمره است و بعد از فارغ شدن از مشغله کاری، وقت فراغت خود را با برنامه های بیهوده و میگساری می گذراند و زندگی را با یک روال تکراری بدون وقت فراغت و تفکر می گذراند.

سید احمد دارستانی فراهانی
ورود به حوزه: ۱۸ سالگی

شروع فعالیتهای تبلیغی: ۱۳۶۵ در کانون فرهنگی مسجد الرسول تهران

اهم فعالیتهای تبلیغی: سفرهای متعدد تبلیغی در ۲۸ استان کشور؛

سفرهای تبلیغی به کشورهایی چون: سوئیز و فنلاند

دارستانی طلبه فاضل و جوانی است که رسالت خود را در تبلیغ معارف ناب مهدوی یافته است. او که از بچههای جبهه و جنگ هم بوده، سال ۶۷ در جبهه شیفته طلبه ای از تبار سادات میشود و بعد از آن تصمیم میگیرد وارد حوزه شود. به قول خودش اضافه سن داشته ولی در یکسال، دو پایه درسی را جبران میکند و به هدفش میرسد.

سید احمد مانند همه بچههای بلند پرواز، عاشق خلبانی بوده و به قول خودش با آنکه درسش در رشته ریاضی فیزیک خوب هم بوده اما «پدر عشق بسوزد که ویرانه کند عالم را!»

حجت الاسلام دارستانی اکنون دانش پژوه مرکز تخصصی امامت و مهدویت است و این بابت به خود می بالد.

۳۲

آقای دارستانی چرا مرکز تخصصی مهدویت؟! مهدویت چه خصوصیتی داشت که شما را جذب کرد؟!

در این دوران که دوران غیبت امام زمان (عج) است، وظیفه ما، زمینه سازی برای ظهور آن حضرت می باشد، البته زمینه سازی برای ظهور به این معنا نیست که ظهور در زمان خود ما اتفاق بیفت. ممکن است ده نسل زحمت بکشند تا زمینه ظهور آماده شود. درست مانند یک تیم فوتbal که اگر شرایط گوناگون مانند آماده بودن زمین و محل نشستن تماشاچی و امکانات دیگر مثل چمن و دروازه و خط کشی و عوامل تیمی مانند کادر فنی و تدارکات و حمل و نقل و تمرینهای قبلی ... نباشند، این تیم فوتbal نمیتواند بازی کند.

در مسائل دینی هم همین وضعیت وجود دارد؛ اگر می بینیم بعد از ۱۴۰۰ سال شیعیان صاحب یک کشور علوی می شوند با خاطر زحماتی است که اولیا خدا در این سالها کشیده اند. حضرت امام حمینی (ره) می فرمایند: «اگر شیخ عبدالکریم حائری یزدی بود، همین کاری را میکرد که من کردم» یعنی در طول سالیان دراز علمای شیعه هر یک به مقتضای زمان و شرایط موجود، نسبت به وظیفه خود آگاه بوده و زمینه ساز پیدایش این انقلاب بوده اند. در مورد ما هم همینطور است؛ شاید آن نتوانیم ظهور را تحقیق بخشیم اما میتوانیم این مسیر را برای نسل بعدی هموار کنیم و در تحقق ظهور نقش اساسی داشته باشیم. آنچه مهم است انجام وظیفه است. در جای جای مراحل زندگی ما، باید محور امام زمان (عج) باشد، اگر اینگونه باشد زمینه ساز ظهور شده ایم.



طوفان پر کشید



AMAN-E ZAMAN

امان

امان

پیش از زمان / فردی از زمان

۳۳

ما در همه ابعاد دین باید معرفت داشته باشیم اما به نظر من تخصص در مهدویت نسبت به دیگر تخصصها ضروریتر است و جای کار و تحقیق دارد. اکنون که در این وادی مشغول به کار شده‌ام دیگر حتی فکر کارکردن در زمینه‌های دیگر هم به ذهنم خطر نمی‌کند، در حالی که قبل از ورود به مرکز تخصصی امامت و مهدویت شاید به فکر تخصص دیگری هم بودم.

به نظر شما آیا مهدویت یک بحث درون مذهبی است؟ آیا برای جهان امروز هم کارایی دارد؟

مهدویت، بحثی است که هیچ وقت کهنه نمی‌شود و هر روز نوبه نوشده و بر مشتاقان معارف آن افزوده می‌گردد. سال پیش آقای ری شهری آماری از مشتاقان مباحث مهدویت در حج دادند و گفتند: علمای ۵۴ کشور از ما کتابهای حضرت مهدی(عج) را میخواستند. مهدی(عج)، گمشده همه اقوام و ملل است و هر کس، این گمشده را به دین و مذهب خود مناسب میداند. مباحث مربوط به آخر الزمان و موعود ادیان، همه شاهد این مدعاست.

شما به خارج ایران هم برای تبلیغ مسافرت کرده‌اید. تا چه حد عرصه را برای گسترش معارف مهدوی آماده می‌بینید؟

من به کشور سوئیڈ چهت تبلیغ سفر کرده‌ام. نمی‌توان گفت که آیا مهدویت در آنجا حاکم هست یا نه، چرا که در غرب به انسانها فرصت تفکر نمی‌دهند، یک انسان در غرب وقتی صحیح از خواب بیدار می‌شود تا غروب مشغول کار و فعالیت روزمره است و بعداز فارغ شدن از مشغله کاری، وقت فراغت خود را برنامه‌های بیهوده و میگساری می‌گذراند و زندگی را بایک روال تکراری بدون وقت فراغت و تفکر می‌گذراند. اگر بخواهیم به درستی دریابیم که آیا در غرب مسأله انتظار می‌تواند جایی پیدا کند باید بینیم شاخصه‌های انتظار در غرب وجود دارد یا نه؟

به نظر من آخرين چيزی که اگر انسان از او تهی شود، از حالت انتظار خارج شده، مسأله ترجم به مظلوم است یعنی انسان دلش به حال مظلوم بسوزد. ما می‌بینیم وقتی رسانه‌ها شهادت کودک فلسطینی را در آغوش پدرش، پخش می‌کنند در اکثر کشورها دنیا از جار خودشان را از سهیونیسم نشان می‌دهند، با آن که فساد در غرب بیداد می‌کند اما با اینحال مردم غرب نمی‌توانند شاهد چین ظلمی باشند.

از نظر ما امام مهدی(عج) هم برای گرفتن حق مظلوم از ظالم قیام می‌کند. لذا می‌بینیم که مردم به سمت ظهور میل پیدا کرده اند تا جایی که در این زمانه حتی حاکمان هم نمی‌توانند از این سیر و جریان جدا شوند و با شعارهایی مانند حقوق بشر، آزادی انسانها، نوع دوستی و با تظاهر به عدالتخواهی خود را در کنار مردم، جلوه می‌دهند. درحالی که در نسلهای گذشته حاکمان اینچنین نبوده‌اند و ذرای به کرامت انسانها احترام نمی‌گذاشته‌اند ولی قدرتمندان، امروزه برای جنایات خود دنبال شعارهای انسان‌دوستانه مانند مبارزه با تروریسم می‌گردد!

امروز دنیا تشنۀ شنیدن کلام شیعه درباره منجی موعودی است که برای آمدن او لحظه‌شماری می‌کنند. ما باید سیر حرکتی شیعه و معارف عالی مهدوی را به دنیا نشان دهیم، تاریخ‌بند که احقيق حق و آزادی و عدالت واقعی در گرو چیست؟ با این آگاهی دهی پرده‌از چهره استکبار جهانی و دشمنان کنار زده‌ایم.

و سخن آخر:

توصیه من به جوانها این است که مراقب برخی آفات در مباحث مهدویت باشند و به راحتی حرف کسانی را که هیچ دلیلی بر مدعای خود و هیچ‌گونه تخصصی در این زمینه ندارند احیاناً ادعای دیدار یا نیابت یا ادعای امام زمانی می‌کنند، نپذیرند. به همین علت مرکز تخصصی امامت و مهدویت می‌تواند یک محل سالم جهت رجوع علاقمندان به مباحث مهدویت باشد که به اینجا پناه بیاورند و تغذیه شوند.

قتل و کشتن در رامان ظهور

آیا قیام امام مهدی
همراه با خونریزی
و کشتار است؟

آری یا خیر؟

پرسش

آیت الله نجم الدین طبیسی
تلخیص: محمد صرفی

قیام قائم(عج) روی دهد همه کارها برای او درست و استوار می گردد و به اندازه یک ظرف حجامت هم خون نمی ریزد!» فرمود: «هرگز چنین نیست! سوگند به آن که جانم در دست اوست: کار به آنجایی انجامده که ما و شما عرق و خون بسته شده را پاک خواهیم کرد(کنایه از سختی ها و دشواری های جنگ است که موجب پدید آمدن عرق و ایجاد زخمهای خونین می شود).»

تمامی کارها در زمان قیام امام مهدی(عج) به خودی خود و با عجاز صورت نمی پذیرد، هر چند در ولایت تکوینی حضرت و سایر امامان(ع) هیچ گونه تردیدی نیست.

مطابق روایات متعدد نمی توانیم ادعا کنیم که در هنگام ظهور هیچ قتلی رخ نمی دهد؛ زیرا در آن دوران بحث از انتقام، اجرای حدود الاهی و اقامه عدل جهانی است و مسلمان این امر عظیم، بدون برطرف کردن موانع میسر نمیشود.

از طرفی، تاریخ گواهی می دهد که پیامبر اکرم(ص) و موصومان(ع) سعی داشته اند، امور را به طور عادی و در مسیر طبیعی انجام دهند. به هر حال، لزومی ندارد که ادعا کنیم امام مهدی(عج) تمام کارهایش را از طریق اعجاز انجام می دهد و هیچ خونی ریخته نخواهد شد.

اندیشه افراطی در کشتار به هنگام ظهور

در احادیثی که از طریق اهل سنت رسیده است، خونریزیهای زیاد و وحشتناک ذکر شده است. اینکه، به نقد و بررسی یکی از آنها می پردازیم؛ یوسف بن یحیی شافعی در کتاب «عقدالدرر» روایتی را از امیر المؤمنان(ع) درباره حوادث روم نقل می کند و می گوید: «پس مسلمانان، سه تکبیر می گویند و مانندیگ و شن های روانی که از بلندیهای فرو می ریزند، داخل (روم) می شوند و در آنجا پانصد هزار جنگجو را می کشند و غنائم و اموال را به طور مساوی تقسیم می کنند، و به هر یک از آنان صدهزار دینار و صد کنیز و یا غلام می رسد.» این روایت مشکل سندی دارد و از نظر محتوا قابل اعتماد نیست، پیداست که جاعلان این گونه احادیث در خدمت حکومتهای ظالم بوده اند و به جهت توجیه پارهای از جنگهای پس از پیامبر اکرم(ص) این چنین احادیث مجموعی را وارد کتابهای روایی کرده اند.

خلاصه این که یک دسته از روایات در مورد خونریزهای مربوط به دوران قبل از ظهور است و دسته دیگر از مجموعات و اسنادی است که با هدف و انگیزه های مختلف مانند خدشه دار کردن چهره نهضت جهانی و حکومت حضرت مهدی(عج) و یا توجیه کشتارها در فتوحات سابق و... وارد کتابهای روایی شده است.

برخی در مورد قتل و کشتار در دوران ظهور افراط می کنند و از امام مهدی(عج) و یارانش چهرهای خشن ارائه می دهند؛ آنان به روایاتی استدلال می کنند که در آنها به کشته شدن دو سوم مردم، و یا این که بیشتر مردم کشته می شوند و از کشته ها، پُسته ساخته می شود و جوی خون جاری می گردد، اشاره شده است.

برخی دیگر، تفريط می کنند و می گویند: حتی به مقدار خون در ظرف حجامت خونریزی نمی شود!

قبل از بررسی روایات و احادیث، نکات زیر قابل تأمل است:

۱. قتل و کشتار، قبل از ظهور است یا بعد از آن؟

۲. شیوه رفتار امام با دشمنان چگونه است؟

۳. حجم کشتار و اعدام چه مقدار است؟

۴. چه کسانی کشته می شوند؟

بررسی اخبار و روایات

خبری که در آنها کشتار در حجم وسیعی مطرح شده اند، بر دو قسم است: (الف) یک سری از آنها، مربوط به قبل از ظهور است و هیچ ربطی به دوران ظهور ندارند. این روایات عموماً ضعیف هستند و اگر هم این گونه نباشند، هیچ گونه ارتباطی با بحث ما، یعنی قتل ها در دوران حکومت امام مهدی(عج) ندارند.

(ب) دسته دیگر مربوط به هنگام ظهور و حکومت امام مهدی(عج) می باشند که خود دو گونه اند:

۱. روایاتی که از طریق اهل سنت است و بیشتر آنها، مشکل سندی دارد، و برخی دیگر، به پیامبر اکرم(ص) منتهی نمی شوند بلکه از افرادی مانند «کعب الاخبار» که در زمان آن حضرت مسلمان نشده بود، نقل شده است.

۲. احادیثی که از طریق اهل بیت(ع) نقل شده است و در ادامه مقاله به آنها می پردازیم.

۳۴

اندیشه تفريطی در کشتار به هنگام ظهور

گروهی برآناند که امام مهدی(عج) به هنگام ظهور، از طریق ولایت و تصرف تکوینی، همه مردم را مطیع می کند و کارهای را با عجاز و از راههای غیر عادی انجام می دهد، بنابراین کشتار، خیلی اندک خواهد بود!

برای دریافت پاسخ به حدیثی از امام باقر(ع) متمسک می شویم: بشیر گوید: به امام باقر(ع) گفتم: «عده ای میگویند، هنگامی که آن امر



پیش شده از اول فروردین ۱۳۸۵

زیور داود

آیه‌ها

مجتبی کلباسی

خداؤند در اعصار گوناگون کتابهای مختلفی بر پیامبران نازل فرموده است تراهنما و هدایتگر مردم هر دوره باشند. یکی از این کتب آسمانی زبور، کتاب حضرت داود نبی(ع) است. از این کتاب در قرآن به دفات نام برده شده است؛ از جمله در آیه:

« ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الأرض يرثها عبادی الصالحون؛ و ما قطعاً در زبور، پس از آنکه در تورات ثبت کردیم، نوشتم که زمین را بندگان صالح به ارت خواهند برد. »

یک پرسش:

چرا در بین کتب آسمانی، زبور محور طرح این وعده قرار گرفته است با آنکه پیش از آن در تورات و پس از آن در انجیل و قرآن نیز این وعده مطرح شده است؟!

پاسخ:

گرچه وعده خداوند درباره حکومت صالحان بر زمین در کتابهای آسمانی دیگر نیز آمده است ولی یادکرد ویژه از زبور بدان علت است که حکومت صالحان در زمان حضرت داود(ع) و فرزنش، سلیمان(ع) عملی شد.

« واورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق الأرض و مغاربها؛ و ما مشرقها و مغربها زمین را به کسانی که تحت ستم بودند به میراث دادیم. »

در حکومت حضرت داود(ع) و سلیمان(ع) تمامی امکانات از قبیل باد، پرندگان، جنیان و وسائل ترابری وسیع نیروها در اختیار بوده است و شرق و غرب عالم تحت نفوذ حکومت آن حضرت قرار داشته است.

با این توضیحات، انتخاب زبور به عنوان محور این وعده الهی به جهت تشابه هدف، گستردن و برنامه های حکومت جهانی امام عصر(ع) و حکومت حضرت داود و سلیمان(ع) است.

برنامه امام (ع) برای قیام

بیقیناً، پیش از ظهور و مقارن آن، ستمگران خوتیزی بر دنیا حاکم اند که از هیچ جنایتی فرو نمی گذارند. حال امامی که قیام می کنند در برابر این همه کج روی ها و بیدادگریها، چگونه باید برخورد کند تا جهان را پر از عدل و داد سازد؟

بی تردید معاندانی که دستشان به خون بشریت آلوده است و یا مقامشان به خطر افتاده، در مقابل حرکت اصلاح گرانه امام(ع) ایستادگی می کنند. بنابراین، امامی که قیام می کند و مأموریت تشکیل حکومت جهانی اسلام را دارد، باید برنامه داشته باشد. در اینجا مروری به این برنامه ها خواهیم داشت:

(الف) تربیت سپاهیان و تدارک مقدمات نبرد

امام مهدی(ع) برای انتقام از دشمنان اسلام و به ثمر رساندن انقلاب جهانی، تاکریر از جنگ خواهد بود و در مقابلش، دشمنان تادن دن مسلح با در دست داشتن امکانات گسترده اقتصادی، نظامی و سیاسی، پرچم مخالفت بر می دارند و مانع اصلاح گری امام(ع) می شوند. لذا قبل از قیام، جنگاوران دریادل و کارآمدی، تربیت می شوند و تعداد آنان در برخی ۱۰ هزار نفر و در تعدادی ۱۰۰ هزار نفر و.. ذکر شده است.

(ب) تجهیزات جنگی و وسیله دفاعی

تجهیزات آنان طبق روایتی از امام صادق(ع): «از آهن - اما نه آهن شناخته شده - است که اگر یکی از آنان، با آن بر کوهی ضربه زند، آن را دونیم می کند. »

(ج) قاطعیت امام در رویارویی با دشمنان

امام مهدی(ع) به اقامه حدود الهی می پردازد و در برخورد با دشمنان از یک نوع مجازات استفاده نمی کند بلکه نسبت به جرم اشخاص، مجازات متناسب را اجرا می کند.

منبع: فصلنامه انتظار، شماره ۶.

پی نوشته:

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۸۳.

۲. عقدالدرر، ص ۱۸۹.

۳. بصائر الدرجات، ص ۱۴۱.

۴. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

۵. مرآه العقول، ج ۲۶، ص ۱۶۰.

۶. عز تهذیب، ج ۲، ص ۱۷۲.



امانه زمانی مهدی

دیدگاه

دورنمای انتظار

۱. خوش بینی به آینده بشریت:

درباره آینده بشریت نظرها مختلف است؛ بعضی معتقدند که شر و فساد و بدیختی، لازمه حیات بشری است و بنابراین زندگی بی ارزش است و عاقلانه ترین کارها خاتمه دادن به حیات و زندگی است.

بعضی دیگر اساساً حیات بشر را ابتر می دانند و معتقدند که بشر در اثر پیشرفت حیرت آور تکنیک و ذخیره کردن انبارهای وحشتناک و سایل تخریبی، به مرحله ای رسیده که به اصطلاح «با گوری» که با دست خود کنده یک گام بیشتر فاصله ندارد.»

بنابراین، بشر در نیمه راه عمر خود بلکه در آغاز رسیدن به بلوغ فرهنگی به احتمال زیاد نابود خواهد شد. البته اگر تنها به قرائن و شواهد ظاهری بسته کنیم، این احتمال را نمی توان نفی کرد.

نظریه سوم این است که شر و فساد لازم لاینفک طبیعت بشر نیست، شر و فساد و تباہی معلول مالکیت فردی است، تا این ام الفساد هست، شر و فساد هم هست. مالکیت فردی معلول درجه ای از تکامل ابزار تولید است و با خواسته انسانها این ام الفساد از بین نمی رود، ولی تکامل ابزار تولید و جبر ماشین روزی ریشه این ام الفساد را جبراً خواهد کرد. پس آنچه مایه و پایه خوشبختی است، تکامل ماشین است.

نظریه چهارم اینست که ریشه فسادها و تباہی ها، نقض روحی و معنوی انسان است. انسان هنوز دوره جوانی و ناپختگی را طی می کند و خشم و شهوت بر او و عقل او حاکم است. انسان بالفطره در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می رود. نه شر و فساد لازم لاینفک طبیعت بشر است و نه جبر تمدن، فاجعه خودکشی دسته جمعی را پیش خواهد آورد.

آینده ای بس روشن و سعادتبخش و انسانی، که در آن شر و فساد از بیخ و بُن برکنده خواهد شد، در انتظار بشریت است. این نظریه، الهام دین است. نوید مقدس قیام و انقلاب مهدی موعود(عج) در اسلام در زمینه همین الهام است.

۲. پیروزی نهایی صلاح و تقاو و صلح و عدالت و آزادی و صداقت بر زور و استکبار و ظلم و اختناق و دجل (دجالگری و فریب).

۳. حکومت جهانی واحد.

۴. آبادانی تمام زمین در حدی که نقطه خراب و آباد ناشده باقی نماند.

۵. بلوغ بشریت به خدمتی کامل و پیروی از فکر و ایدئولوژی و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرایز حیوانی.

۶. حداکثر بهره گیری از موهاب زمین.

۷. برقراری مساوات کامل میان انسانها در امر ثروت.

۸. منتفي شدن کامل مفاسد اخلاقی از قبیل زنا، ربا، شرب خمر، خیانت، دزدی، آدمکشی و خالی شدن روانها از عقده ها و کینه ها.

۹. منتفي شدن جنگ و برقراری صلح و صفا و محبت و تعاون.

۱۰. سازگاری انسان و طبیعت.

۳۶

دو نوع انتظار

انتظار فرج دو گونه است: انتظاری که سازنده، تحرک بخش، تعهد آور، عبادت، بلکه با فضیلت ترین عبادت است و انتظاری که ویرانگر، بازدارنده، فلنج کننده، و نوعی «اباحیگری» محسوب میشود. این دو نوع انتظار معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم تاریخی مهدی موعود (عج) است که به نوبه خود از دو نوع بینش درباره تحولات تاریخی ناشی می شود. اکنون به تشریح این دو نوع انتظار می پردازیم و از انتظار ویرانگر آغاز می کنیم.

انتظار ویرانگر

برداشت قسری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود(عج) این است که صرفماهیت انفجاری دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها و تبعیض ها و اختناق ها و حق کشی ها و تباہی ها ناشی می شود. نوعی سامان یافتن که معلول پریشان شدن است. آن گاه که صلاح به نقطه صفر پرسد،



حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل، یکه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیروی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و برای نجات حقیقت نه اهل حقیقت، زیرا حقیقت طرفداری ندارد، دست غیب از آستین بیرون می‌آید. بنابراین هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است و تاریخنامه اجتماع نقطه روشی هست، دست غیب ظاهر نمی‌شود. بر عکس، هر گناه و هر فساد و هر ظلم و هر تبعیض و هر حق کشی و هر پلیدی به حکم این که مقدمه «صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند، جایز است. زیرا» الغایات تبرّر المبادی؛ هدفها، وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کنند.» پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است. این جاست که گناه هم فال است و هم تماساً هم لذت و کامجویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی. این جاست که این شعر مصدق واقعی خود را می‌یابد:

در دل دوست به هر حیله رهی باید کرد
طاعت از دست نیاید، گنهی باید کرد

این گروه طباعه مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر بانوعی بغض و عداوت می‌نگرند، زیرا آنان را تأخیراندازان ظهور و قیام مهدی موعود(ع) می‌شمارند. بر عکس، اگر خود هم اهل گناه نباشد، در عمق ضمیر واندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می‌نگرند زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می‌نمایند.

این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی موعود و این نوع انتظار فرج که منجر به نوعی تعطیل در حدود و مقررات اسلامی می‌شود و نوعی اباحیگری باید شمرده شود، به هیچ وجه باموازین اسلامی و قرآنی وفق نمی‌دهد.

انتظار سازنده

آن عده از آیات قرآن کریم که ریشه این اندیشه است و در روایات اسلامی به آنها استناد شده است، در جهت عکس برداشت بالا است. از این آیات استفاده می‌شود که ظهور مهدی موعود(ع) حلقة‌ای است از سلسله مبارزات اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که به آنها در روایات استناد شده است، نشان میدهد که مهدی موعود(ع) مظہر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است و مظہر پیروزی نهایی اهل ایمان است: «خداؤند به مؤمنان و شایسته کاران و عده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد و دینی که برای آنها پسندیده است، مستقر سازد؛ دوران خوف آنان را تبدیل به دوران امنیت تبدیل نماید(دشمنان آنانرا نابود سازد)، بدون ترس و واهمه خدای خویش را پرستند و اطاعت غیر خدا را گزینند و چیزی را در عبادت یا طاعت شریک حق نسازند!»

«ظهور مهدی موعود منتهی است بر مستضعفان و خوار شمرده شدگان، و وسیله‌ای است برای پیشوا و مقتدیان آنان، و مقدمه‌ای است برای وراثت خلافت الهی آنها در روی زمین!»

«ظهور مهدی موعود، تحقق بخش و عده‌های است که خداوند متعال از قدیمترین زمانها در کتب آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنان است و در پایان، تنها به متقیان تعلق دارد.»

حدیث معروف که می‌فرماید: «یملاً اللہ بہ الارض قسطاو عدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً» نیز شاهد مدعای ما است نه بر مدعای آن گروه. در این حدیث نیز تکیه بر روی ظلم شده است و سخن از گروه ظالم است که مستلزم وجود گروه مظلوم است و می‌رساند که قیام مهدی(ع) برای حمایت مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند. بدیهی است که اگر گفته شده بود: «یملاً اللہ بہ الارض ایماناً و توحیداً و صلاحاً بعد ما ملئت کفراً و شرکاً و فساداً» مستلزم این نبود که لزوماً گروهی مستحق حمایت وجود داشته باشد. در آن صورت استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود(ع) برای نجات حق از دست رفته و به صفر رسیده است نه برای گروه اهل حق، هرچند به صورت یک اقلیت.

شیخ صدقوق روایتی از امام صادق(ع) نقل می‌کند، مبنی بر اینکه این امر تحقق نمی‌پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. پس سخن در این است که گروه سعداً و گروه اشقيا، هر کدام به نهایت کار خود برسند، سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقيا به منتهی درجه شقاوت برسند.

در روایات اسلامی سخن از گروهی زده است، که به محض ظهور امام(ع) به آن حضرت ملحق می‌شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند و به قول معروف از پای بوته هیزم سبز نمی‌شوند. معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زده‌ای را پرورش می‌دهد. این خود می‌رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است، بلکه فرض اگر اهل حق از نظر کمیت قابل توجه نباشند، از نظر کیفیت ارزنده ترین اهل ایمانند و در دیف یاران سید الشهدا هستند.

از نظر روایات اسلامی در مقدمه قیام و ظهور امام، یک سلسله قیام‌های دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد؛ آنچه به نام قیام یمانی قبل از ظهور بیان شده است، نمونه‌ای از این قیام‌ها است. این جریانها نیز ابتدا به ساکن و بدون زمینه قبلي رخ نمی‌دهد.

در برخی روایات اسلامی سخن از دولتی از اهل حق است که تا قیام مهدی(ع) ادامه پیدا می‌کند و چنانچه که می‌دانیم بعضی از علمای شیعه که به برخی از دولتهای شیعی معاصر خود حسن ظن داشته‌اند، احتمال داده‌اند که دولت حقی که تا قیام مهدی موعود(ع) ادامه خواهد یافت، همان دولت باشد. این احتمال هر چند ناشی از ضعف اطلاعات اجتماعی و عدم بینش صحیح آنان نسبت به اوضاع سیاسی زمان خود بوده اما حکایتگر این است که استنباط این شخصیتها از مجموع آیات و اخبار و احادیث مهدی(ع)، این نبوده که جناح حق و عدل و ایمان باید یکسره در هم شکسته و نابود شود و اثری از صالحان و متقیان باقی نماند تا دولت مهدی(ع) ظاهر شود، بلکه آنرا به صورت پیروزی جناح صلاح و عدل و تقوا بر جناح فساد و ظلم و بی‌بند و باری تلقی می‌کرده‌اند.

از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود(ع) آخرین حلقة از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است. مهدی موعود(ع) تحقق بخش ایده آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است.

— منبع: قیام و انقلاب مهدی از نگاه فلسفه تاریخ شهید مظہری (ره)، ص ۵۸-۶۸.

- ۱. نور، ۵۵/۱.
- ۲. قصص، ۵/۱.
- ۳. آنیاء، ۱/۵.

سوسن درگیان حکیمه

مهرپرداز



پیش‌نمایه‌وار / فروردین ۱۳۸۵

۳۸

سه زن، دو گل، یک عنچه

مرضیه سادات هاشمی

سوسن

حدیثه (سوسن) معروف به جده، مادر امام حسن عسکری (ع)، آن بانوی پارسا و عفیف پس از شهادت فرزند خود، وصی آن امام و نقطه انتکای شیعیان بود.^۱

از گفتگوی احمد بن ابراهیم با حکیمه خاتون؛ دختر امام جواد (ع)، برمی آید که با گذشت دو سال از شهادت امام عسکری (ع) همچنان بسیاری از کارها به دست جده بوده است ولی در حقیقت آن بانوی بزرگوار از طرف امام مهدی (عج) و به فرمان آن حضرت به رتق و فتق امور می‌پرداخته‌اند. این امتیاز تازمانی که سُفرا و ناییان حضرت در بین شیعیان شناخته شده و منزلت یافتند، برای جده باقی بود.^۲

جده در کنار فرزند بزرگوار خویش امام حسن عسکری (ع) در سامرا مدفون است.

ذکر

مادر امام زمان(عج)، حضرت نرجس خاتون(س) از احفاد «شمعون» وصی عیسای نبی(ع) است که مسیح او را سنگ زیربنای مكتب خود نامید و به همین دلیل به پطرس یعنی صخره ملقب گردید.^۳ ماجرای پیوند فرزندان اوصیا دو پیامبر اولوالعزم؛ امام حسن عسکری(ع) و ملیکا(س) و ازدواج مقدس آنها بسیار عجیب و زیبا است. بی شک این عروس آسمانی، انتخاب مادری است که خود، سرور زنان جهان است.

میزان فضیلت و معنویت حضرت نرجس خاتون(س) به حدی است که حکیمه، خواهر امام هادی(ع) که خود از بانوان عالیقدر خاندان امامت است، او را سرآمد و سرور خاندان خویش و خود را خدمتگزار او می نامید.^۴

زمانی که امام عسکری(ع) خبر شهادت خود و مصائب و شدائد خاندان و شیعیان خویش را برای همسر باوفایش، نرگس خاتون(س) بیان نمود، آن بانوی مهربان از حضرت خواست تا برای مرگش قبل از رحلت امام دعا کند. خداوند دعای امام را مستجاب کرد. پیکر مطهر مادر امام زمان(عج) در کنار مرقد امام هادی(ع) به خاک سپرده شد. بالای مزار این بانوی آسمانی لوحی است که بر آن نوشته شده است: این، قبر مادر محمد است.^۵

حکیمه

خواهر امام هادی(ع) در میان فرزندان ائمه(ع) از مقام علمی و معنوی ویژه‌ای برخوردار است. حکیمه دختر، خواهر و عمه امام معمصوم است و محضر چهار امام معمصوم را در ک نموده است.^۶ مستند ترین گزارش در مورد تولد امام زمان(عج)، از سوی این بانوی بزرگوار وارد شده است و حکیمه شاهد تولد حضرت بوده است. این علویه عقیله، نقش مهمی در تعلیم و تربیت حضرت نرگس(س) داشته و امام زمان(عج) و مادرش در منزل او پنهان بوده اند.^۷ حکیمه خاتون در سال ۲۷۴ ق وفات یافت و در پایین پای برادرزاده خود امام عسکری(ع) به خاک سپرده شد.

بی نوشته:

۱. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی ص ۱۵۶
۲. زنان در حکومت امام زمان (عج)، محمد جواد طبیسی ص ۱۵۱
۳. آشنایی با دیان بزرگ، حسین توفیقی، ص ۱۳۶ و حیات الامام الهادی؛ دراسة و تحلیل، ص ۱۶۳
۴. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی ص ۶۶۶
۵. فرهنگنامه مهندویت، خدامراد سلیمانی ص ۴۰۵
۶. همان، ص ۱۴۵
۷. سیره پیشوایان ص ۶۸

حسره‌ی هنگات

● محمدرضا امامی نژاد

دلنشته

مَثَلَ إِمَامٍ بِرَأْيِ عَالَمٍ هُسْتِيْ، مَثَلَ بَنْدَ اسْتَ بِرَأْيِ تَسْبِيْحٍ كَهْ أَكْرَ اوْ نِباْشَدْ،
نَظَالِمِيْ بِرَأْيِ هُسْتِيْ نِيْسَتْ
مَثَلَ إِيمَامٍ بِرَأْيِ دِيْنِ، مَثَلَ سُتوْنَ فَقَرَاتِ اسْتَ بِرَأْيِ تَنِ كَهْ أَكْرَ اوْ نِباْشَدْ، دِيْنِ
اقْفَاهِ نَمِيْ شَوْدْ
مَثَلَ إِيمَامٍ بِرَأْيِ زَنْدِيْ، مَثَلَ جَانِ اسْتَ بِرَأْيِ بَدَنِ كَهْ أَكْرَ اوْ نِباْشَدْ، جَانِيْ
نِيْسَتْ بِرَأْيِ زَنْدِيْ.
اوْ حَلْقَه اتْصَالِ زَمِينِ بِهْ آسَمَانِ اسْتَ وْ آسَمَانِ بِهْ زَمِينِ.
بَاْلَاهِيْ اوْ سَرِ بِهْ سُجَدَه طَاعَتِ مِيْ نَهِيمِ وَزَ پَرَوْرَدَگَارِ فَرَمَانِ مِيْ بَرِيمِ.
بَهْ اوْ اقْتَداْ مِيْ كَنِيمِ تَا خَداُونَدِ عَبَادَتِ مَارَا بَاعَبَادَتِ اوْ بَيْذِيرَدِ وَ مَارَا باْ اوْ
اوْ مَحُورِ كَمَالَاتِ اسْتَ وْ نَقْطَه پَرَوْرَدَگَارِ عَالَمِ وَجَودِ!
هَمَهِ مَخْلُوقَاتِ بِهْ مَدَد اوْ درْ حَرَكَتِنَدِ، بَهْ سَوَى كَمَالَاتِ وَ صَعُودِ!
در رَاهِ اوْ زَيَانِ نِيْسَتْ وَ هَرْ چَهْ هَسْتِ سَوَدِ اسْتَ وَ سَوَدِ!
تَعْمَتِ از اُوْسَتِ، بِرَكَتِ از اُوْسَتِ وَ بَهْ يَمِنِ اوْ روَدَخَانَه هَا زَايِنَه اَندَ وَ درَخَتَنِ
پَرَثَمِ وَ آسَمَانِ بَارَنَه وَ زَمِينِ روَيَانَه وَ زَيَابِيهَا فَزَايِنَه وَ زَنْدِيْ پَايِنَه!
از اينِ قَافَله وَانْمَانِيْ كَهْ ما اشْرَفَ مَخْلُوقَاتِ وَ سَرَآمدَ مَوْجُودَانِيْ؛
مايِيمِ كَهْ بَارِ امَانتِي رَابَهْ دَوْشَ گَرْفَتَه اِيمِ كَهْ زَمِينِ وَ آسَمَانِ از آنِ اِياْ دَاشَتَنِ
وَ سَرَ باْزِ زَدَنِ
تَاجِ اخْتِيارِ وَارَادَه بِرَ سَرِ مَاسَتِ. مايِيمِ كَهْ باْنَتْخَابِ خَودِ پَايِ در آتشِ عَشَقِ
نَهَادَه اِيمِ وَ عَاقَلَانَه سَالِكِ طَرِيقِ جَنُونِ شَدَه اِيمِ.
دلِ ما پَروَانَه اِيْ استِ مَجْنُوبِ روْشنَانيِّ،
مهَديِ انسَانِ كَامِلِ اسْتِ! دَوازِدَهْمِينِ جَانِشِينِ پِيْغمِيرِ، آخَرِينِ ذَخِيرَه دَاورِ،
إِمامِ غَايِبِ از نَظَرِ!

چُونِ خُورَشِيدِي از پَشتِ اَبِرِ نُورِ مِيْ اَفْشَانَدِ وَ طَرِيقِ مِيْ نَمَايَانِدِ.
دَلَهَاهِيْ مَسْتَعِدِ رَاهِيْ پَرَورَانَدِ وَ مَحْبَشَنِ رَاهِيْ ذَائقَه هَاهِيْ شَائِقِ مِيْ چَشَانَدِ
بَايِدِ عَاشَقِ شَدِ وَ پَايِ درِ رَكَابِ كَردِ
عَشَقِ مَثَلِ آبِ اَسْتِ؛ اَكْرَ مَانِعِ بَرِ سَرِ رَاهَشِ نِباْشَدِ، هَمَهِ جَا جَارِيِ اَسْتِ
بَايِدِ تَشْنَهِ بَودِ؛ تَشْنَگِيْ ما رَابَهِ آبِ مِيْ رَسانَدِ؛
«آبِ كَمِ جَوِ، تَشْنَگِيْ آورِ بَدَسَتِ تَا بَجُوشَدِ آبَتِ ازِ بالَا وَ پَستِ»
بَايِدِ ازِ سَراَبَهَا گَذَشَتِ تَا بهِ زَمَزِ مَعْرِفَتِ رسِيدِ
إِمامِ زَمانِ (ع) بَهْ دَوْسَتِي از دَوْسَتَانَشِ فَرمُودِ:
«شَما خُودَتَانِ رَادَرَسَتِ كَنِيدِ، مَنِ بَهْ شَما سَرِ مِيْ زَنَمِ»،
چَشمَهِ اِينِجَاستِ! زَمَزِ اِينِجَاستِ! آبِ اِينِجَاستِ! نَزِدِيَكتَرِ ازِ مَنِ بَهْ مَنِ!
«يَارِ نَزِدِيَكتَرِ ازِ مَنِ بَهْ مَنِ اَسْتِ
وَينِ عَجَبِ بَيِنِ كَهْ مَنِ ازِ وَيِ دورِمِ»

نِيَازِ بَهْ آرَامِشِيْ دَارِمِ كَهْ در آنِ خَودِ رَابِيَابِمِ وَ آنَگَاهِ نَشَانِ جَانِ رَاهِزِ اوْ بَكِيرِمِ،
وَ تَا مَنْزَلِ جَانَانِ با اوْ هَمْسَفَرِ گَرَدِ
مَقْبَلِ آيَنهِ سَكُوتِ مِيْ اِيسَتِمِ وَ بَهْ خَودِ مِيْ نَغَرِمِ
آيَنهِ بَهْ دَيَدَه اَمِ نَشَانَه جَانِ رَاهِيْ دَهَدِ وَ مَرَدَمَكِ چَشَمانَه رَاتِشَنَه جَانَانِ مِيْ كَندِ
مِيْ خَواهِمِ با مَهَديِي باشِمِ با چَشَمَهِ زَنْدِيْ، با چَشَمَهِ خَدا وَ با زَلَالِيِ نَابِ؛
بَهْ سَكُوتِ نِيَازِ دَارِمِ، بَهْ آرَامِشِ، بَهْ خَلُوتِ اَنَسِ تَا ازِ پَرَدهِ خَيَالَاتِ رَهَا شَوْمِ
«جَمَالِ يَارِ نَدارَدِ نَقَابِ چَهَرهِ وَلىْ توْ خَاكِ رَهْ بَنَشَانِ تَا نَظَرِ تَوانِيِ كَرَدِ»
آسَمَانِ چَشَمانَه رَاهِيِ سَيَاهِ گَرفَتَهِ

دوَسَتِ دَارِمِ بَكَرِيَمِ تَاصَافِ شَوْمِ وَ سَبَكِيَالِ وَ بَيَخُودَ ازِ خَودِ؛
اَيِ اَشَكِ، كَمَكَمِ كَنِ تَا خَودِ رَادِرِ توْ شَسْتِشَوْهِمِ وَ اَزِ آيَنهِ، بَيَشَتِ لَذَتِ بَيرِمِ
كَمَكَمِ كَنِ تَا صَافِ شَوْمِ وَ بَهَتَرِ بَيِنِمِ وَ بَشَنُومِ وَ بَكَويِمِ؛
«خَوَيشِ رَاصَافِيْ كَنِ ازِ اوصَافِ خَودِ تَابِيَنِيِ ذاتِ پَاكِ صَافِ خَودِ»
وقْتِيِ بَنَاسَتِ از دَوَسَتِ بَكَويِمِ وَ دَلِ بَهِ يَادِ اوْ بَسِپَارِيَمِ، بَيَادِ ازِ غَيرِ اوْ دَلِ
بَرَدارِيَمِ وَ جَزِ اوْ بَهِ يَادِ نِيَارِيَمِ.

مَهَديِي يَارِ مِيْ خَواهِدِ وَ يَاورِ؛
برَاهِيِي اَيَارِيِي هَرْ چَهِ دَارِيِ درِ طَبَقِ اَخَلاَصِ بَكَدارِ وَ بَياَورِ هَرْ چَهِ مَيَدانِيِ
وَ هَرْ چَهِ مِيَتوَانِيِ.

اَكْرَ دَانَسَتِه هَا رَاهِجِ نَهَيِ وَ دَاشَتِه هَا رَابَهِ رَاهَشِ خَرجِ كَنِيْ، اوْ نَدَانَسَتِه هَا
رَابَهِ توْ يَادِيِي دَهَدِ وَ نَدَاشَتِه هَا رَابَهِ توَامَدَادِ وَ ازِ توْ نَخَوَاسَتِه اَندَ مَكَرِ بَهِ قَرَرِ
اَسْتَعَدَادِ

توْ مِيَتوَانِيِي وَ بَايِدِ تَوانِيِي، توْ بَهِ بَيَعَتِ كَرَدَهِ اَيِ وَ عَهَدِ بَسَتِهِ اَيِ
اوْ رَاتِهِنَاهِنَگَنَارِ كَهْ نَهِ اوْ رَابِلَكِهِ خَودِ رَاتِهِنَاهِنَگَشَتَهِ اَيِ وَ خَدا نَكَنَدِ كَهْ كَسِيِ
بَهِ خَوَدِشِ وَ اَگَذَشَتِهِ شَوَدِ!

اوْ رَابِشَنَاسِ وَ بَهِ نَدَايِ اوْ كَهْ دَعَوَتِ بَهِ فَطَرَتِ الْهَيِي اَسْتِ لَبِيكِ گَوِ
چَقَرِ اوْ رَاهِيَشَنَاسِيِ؟ چَقَرِ بَايِدِ اوْ رَاهِيَشَنَاسِيِ؟ اوْ رَاهِيَشَنَاسِيِ وَ چَكَونَهِ
مِيَشَنَاسِيِ؟

اَكْرَ اوْ رَاهِيَشَنَاسِيِ قَوانِينِ زَنْدِيِي رَانِشَنَاخَتَهِ اَيِ وَ درِ نَتِيَجهِ نَمِيِ تَوانِيِ بَرَنَامَهِ
صَحِيحِيِي بَرَاهِيِي زَنْدِيَكتِ دَاشَتِهِ باَشِيِ!
مَحَكِ شَنَاخَتِ چَيِسَتِ؟ هَرِ قَدَرِ فَرَمَانِبَرَادَرَتِ وَ مَطِيعَتِرِ باَشِيِ اوْ رَاهِيَشَتِرِ
شَنَاخَتِهِ اَيِ

ازِ إِمامِ صَادِقِ (ع) پَرسِيَنَدِ: حَدَاقِلِ مَعْرِفَتِ إِمامِ چَيِسَتِ?
فَرَمُودِ: اِينَكَهِ اَطَاعَتِ اوْ رَابِرَخَودِ وَاجِبِ بَدَانِيِ!
هَمَانِگَونَهِ كَهِ، اَمَامَتِ إِمامَ ازِ خَدَاستِ، طَاعَتِ إِمامَ نَيزِ طَاعَتِ خَدَاستِ وَ
مَحَبَتِ اوْ مَحَبَتِهِ بَهِ خَدا وَ دَشَمنِيِ اوْ دَشَمنِيِ خَدَاستِ!
مَثَلِ اوْ درِ مِيانِ دَلَهَاهِ، مَثَلِ كَعبَهِ اَسْتِ وَ دَلِ بَيِي كَعبَهِ رَادِلِ مَگَوِ كَهِ گَلِ اَسْتِ.

AMAN-E ZAMAN

پیش‌نمایش از / فروردین ۱۳۹۵

۴۷

دلنشته

ترانه‌ام

علی محمد رایگان

خوابمان هم دروغ شده است

در هیچ باغی خبر از گل نیست
ما غروب را به تماشا ایستاده ایم.

نمی دانم چرا ولی با تاریکی انس گرفته ایم،
شماران دیروز، شعار خورشید بود ولی
امروز کم کم خورشید را هم از یاد برده ایم
اما... نه!

... سکه ها را دو رو ضرب کرده اند
یک روی سکه هنوز هست
باغ شقایق هم شاید.

راستی خورشید فراموش شدنی است؟
همین دیروز بود که خورشید رفت
آه چه بد می شود اگر روزی خورشید را به فراموشی بسپاریم
من باورم نیست،
باید صدا زد، باید فریاد کرد
آی مردم دنیا،

آی مادران داغدیده ... آی بچه های گرسنه، پدران غم گرفته
ای همه آنها که عشق را، لبخند را و مهر را فراموش کرده اید
یادتان نیست،

دیروز، آری همین دیروز بر قله آن کوه بلند یک شهاب آسمانی گفت:
منتظر باشید....

مزدگانی ای همه غم دیده ها
ای اهالی زمستان، بوی بهار حس می شود

ما از نسل نوریم و بهار

خسته دلان! بیدار باش!

آن که می گفتید روزی خواهد آمد

فردا می آید

خوب گوش کنید

صدای پای خورشید می آید

من می شنوم

من می شنوم و ترانه امید سر می دهم

«مزده دهید باغ را بوی بهار می رسد»

اینجا دنیاست، دنیای ما
اینجا ظلمت است
تاریکی است

هر چند ستارگانی هم در حال درخشش اند اما هجوم تاریکی و سیاهی
مانع نور شده است

صدای مویه مادران داغدیده در دل شب
فریاد کودکان گرسنه درشهای سرد زمستان

و چهره های غم گرفته و شرمند پدران در غروبهای پاییز

هیچ کس دیگر نمی خندد

اینجا تابلوهای لبخند به قیمت نان و خوراک هزاران کودک گرسنه،
حراج می شوند

و آنان که حکم می رانند بر مردمان خواب رفته

خدایان زر و زور و ریائید

ما از نسل که هستیم؟

عشق اینجا براحتی یک مبل، خرید و فروش می شود

بهای خون رانمی دانیم

دلهمان کپک زده است

دیگر صدای خنده هیچ بچه های در کوچه نمی آید

آبهای خانه هایمان هم بخ بسته است

هوا سرد سرد است

مادران در خانه نیستند و کودکان مهر رانمی فهمند

و جوانان در فکرند

دیگر هیچ پروانه ای حاضر به ماندن در کنار شمع نیست

و هیچ شمعی تا صبح بیدار نمی ماند

چشمانمان دروغ می گوید.

دلها را آسان فروختیم

هیچ چیز واقعی نیست، همه می نالیم

اینجا هیچ کس آرام نمی خوابد



مرکز تخصصی امامت و مهدویت گامی نور مسیری سبز

معرفی



ضرورت تأسیس:

اندیشه «مهدویت» به دلیل دارا بودن ویژگیهای منحصر به فرد بسیار، یکی از توانمندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است. طرح درست و گسترش این فرهنگ نورانی در جامعه، باعث رشد و بالندگی هر چه بیشتر جامعه و حفظ آن از فروغ غلطیدن در فسادها و تباہی ها است. مهدویت، از مظلومترین مسائل بوده است، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، پیش از انقلاب اسیر کج فکری برخی گروه ها بود و پس از آن نیز ترس از اتهام انتساب به گروه های انحرافی، برای بازداشت و انزوای افراد کافی بود، ولی در چند سال اخیر، با کوشش برخی مراکز و با به میدان آمدن تنی چند از افراد شناخته شده و همراه و همانهنج با انقلاب اسلامی، این سد غربت شکسته شد و این مسأله از انزوا خارج گردید. البته آن گونه که شایسته است، به آن پرداخته نشد و در نتیجه بیش از دو دهه رکود بر این مباحث سایه انداخت. این رکود، تنها با تلاش مضاعف همه نهادها، مسؤولان، پژوهشگران و اندیشمندان جبران می شود.

کوتاهی و کم کاری در این امر مقدس و خطیر، از یک سو زمینه ساز بروز خرافات و سطحی نگری و از سوی دیگر موجب در دست گرفتن این مقوله سترگ به وسیله افرادی ناشایست کم دانش و یا بی دانش شده است. چه اینکه اگر حقیقت تبیین و تقویت نشود، باطل تعزیه گردن مقوله می شود!!

شمع فروزنده چو پنهان شود شب پره بازیگر میدان شود

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) در سال ۱۳۷۹ به پیشنهاد حجت الاسلام و المسلمین قرائتی و با همکاری برخی از شخصیت های علمی و فرهنگی و موافق مقام معظم رهبری تأسیس گردید. این بنیاد در سال ۱۳۸۰ با هدف گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در سطح جامعه (به ویژه نسل جوان و فرهیخته) و تربیت مبلغ، پژوهشگر و مدرس مباحث مهدویت و به منظور پشتونه علمی و فرهنگی، با کسب مجوز از شورای عالی حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی «امامت و مهدویت» را در قم راه اندازی کرد.

محور فعالیت ها:



محور اول؛ آموزش

۱. آموزش تخصصی ویژه طلاب حوزه علمیه؛ دانش پژوهان پس از قبولی در آزمون کتبی و مصاحبه علمی، طی مدت سه سال و گذراندن ۶۰ واحد درسی تخصصی، ۱۵ واحد عمومی، ۱۸ واحد پیش نیاز، ۸ واحد مطالعاتی، ۸ واحد گرایش و ۴ واحد پایان نامه در مقطع سطح ۳ حوزه (کارشناسی ارشد) فارغ التحصیل می شوند. تاکنون بیش از ۱۴۰ نفر پذیرش و ۷۰ نفر، فارغ التحصیل شده اند. برخی از عناوین آموزشی عبارتنداز: «تاریخ تحلیلی اسلام، امامت عامه و خاصه، مبانی اعتقادی مهدویت، مهدویت در قرآن، تاریخ عصر غیبت، مستشرقان و مهدویت، فرجم شناسی، فرقه ها و جریان های انحرافی، مهدویت و مسائل جدید کلامی، منجی در ادیان، منبع شناسی، حدیث شناسی، جهانی شدن و جهانی سازی، آسیب شناسی، شباهه شناسی و....»
۲. آموزش کوتاه مدت: به منظور گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در میان عموم جامعه و پاسخ گویی به نیازهای فکری و اعتقادی آنها و مقابله با شباهات و افکار انحرافی، بخش آموزش کوتاه مدت راه اندازی و مباحث مهم مهدویت در سطوح مختلف آموزش داده شود. تاکنون بیش از ۹۰ مرکز حوزوی، دانشگاهی، نظامی و ... این دوره را گذرانده اند. مرکز، آماده ارائه این دوره ها برای عموم علاقه مندان است.
۳. آموزش مکاتبه ای: علاقمندان فراغیری مباحث مهدویت، میتوانند با این بخش تماس گرفته و تقاضای خود را اعلام کنند. پس از ثبت نام، جزوای و کتاب های آموزشی به همراه نوار کاست یا CD، به نشانی ایشان ارسال می گردد و بعد از گذراندن مباحث، امتحان به عمل می آید.
۴. مرکز آموزش مجازی مهدویت؛ با توجه به گسترش فناوری اطلاعات و لزوم فراغیری مباحث مهدویت، مدرسه مجازی مهدویت در سه بخش تأسیس گردید:
 - بخش اول: آموزش در سطوح مختلف عمومی شامل مباحث آموزشی کوتاه مدت؛
 - بخش دوم: آموزش نیمه تخصصی؛ شامل برخی از عناوین تخصصی مهدویت و پاسخ به شباهات؛
 - بخش سوم: آموزش تخصصی؛ شامل مباحث سطح ۳ (کارشناسی ارشد).

همچنین دوره های ویژه ای برای اقسام مختلف چون: دانشجویان، اساتید و برگزار می گردد. تاکنون بیش از سه هزار نفر در بخش کوتاه مدت ثبت نام کرده و آموزش دیده اند.
علاقة مندان جهت ثبت نام در دوره کوتاه مدت می توانند به نشانی ذیل مراجعه کنند.

WWW.MAHDAVIAT.NET

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

مشتاقان مراکز علمی و فرهنگی با این مرکز، می توانند به صورت گروهی این دوره را بگذرانند. بخش پژوهش مجازی و بهینه سازی و ساماندهی امور پژوهشی، در آینده راه اندازی خواهد شد.



محور دوم؛ پژوهش

- با توجه به اهداف بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(ع) و مرکز تخصصی امامت و مهدویت، به منظور ایجاد زمینه مناسب جهت پژوهش در موضوعات گوناگون مهدویت و ساماندهی آن، معاونت پژوهش شکل گرفت.
- بعضی از فعالیت های پژوهشی مرکز به شرح ذیل است:
۱. پژوهشهای کلان نگر در عرصه مهدویت؛
 ۲. شناسایی و طرح عرصه های جدید پژوهش؛
 ۳. ارائه مشاوره در زمینه پایان نامه های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا و دیگر تحقیقات حوزوی و دانشگاهی؛
 ۴. پشتیبانی علمی کانون های فرهنگی، دانشگاهی و حوزوی؛
 ۵. رشد توانمندی علمی دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدویت؛
 ۶. گروههای تخصصی پژوهش در عرصه های مختلف (نظیر نقد آثار غرب درباره آخرالزمان و)؛
 ۷. بررسی و نقد رسانه ها، صدا و سیما و مطبوعات به همراه ارائه پیشنهادها و موضوعات کارشناسی، جهت ارتقای کمی و کیفی برنامه ها و آسیب شناسی ها؛
 ۸. انجام پژوهشهای میدانی؛ جهت آسیب شناسی و گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت.



پایگاه اطلاع رسانی مهدویت (سایت):

در جهت گسترش فرهنگ مهدویت، با بهره گیری از فن آوری های جدید، «پایگاه اطلاع رسانی مهدویت» با موضوعات متنوع، در سال ۱۳۸۱ راه اندازی گردید. مهم ترین بخش های این پایگاه عبارتست از:

۱. ارائه اطلاعات مربوط به کتابها، مقالات و پایان نامه در این زمینه مهدویت.
۲. مقالات فصلنامه تخصصی انتظار؛
۳. متن کامل کتابهای منتشر شده بنیاد؛
۴. میزگرد که کاربران علاقمند به موضوعات مهدویت را قادر می سازد تا در این بخش با هم به گفت و گو پردازند.
۵. بخش مسابقه که هر ماه به برندگان جوازی اهدا می گردد؛
۶. بخش «مهدیه» حاوی سخنان استادان کارشناس در عرصه مهدویت.



بانک اطلاعات: شامل ده ها نرم افزار در منابع و متون مهدویت و ...

کتابخانه تخصصی مهدویت: کتابخانه ای غنی شامل صدها عنوان کتاب و نشریات مختلف فارسی و عربی و پایان نامه ها.

کتابخانه الکترونیکی جامع مهدویت: ارائه متن کلیه کتابها و منابع مهدویت با نمایه گذاری موضوعی، از طریق پایگاه اطلاع رسانی مهدویت به همراه ارائه نرم افزار (در دست اقدام).

دانشنامه الکترونیکی: تبیین اعلام، معارف و اماكن و اصطلاحات روز و موضوعات مربوط به مهدویت (به صورت الکترونیکی و ارائه CD).

۴۴

تدوین و تالیف: تا کنون ۳۰ عنوان کتاب و پایان نامه با موضوعات مهدویت برای سطوح مختلف سنی تدوین، تالیف و چاپ شده است که عبارتند از: زبان در حکومت امام زمان (عج)، نگاهی دوباره به انتظار، از حسین (ع) تا مهدی (عج)، حضرت مهدی (عج) در سنت نبوی، حکومت جهانی امام عصر (عج)، امام مهدی (عج) در حدیث ثقلین، فرهنگنامه مهدویت، نگین آفرینش، نینوا و انتظار، انتظار پویا، آینده جهان، دکترین مهدویت، درسنامه مهدویت، ضرورت طرح مباحث مهدویت، امام مهدی (عج) در قرآن، جوانان؛ یاوران مهدی (ع)، امام مهدی (عج) در روایات شیعه و سنی، آندیشه مهدویت و آسیب ها، مهدی سیزیان، شمیم و ... می باشد.

کتاب‌شناسی جامع، جهت معرفی منشورات مهدویت:

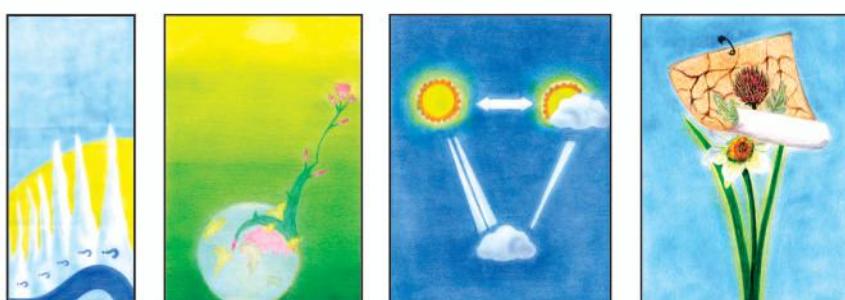
این پژوهه به بررسی بیش از ۳۳۰۰ عنوان کتاب، پایان نامه و مقاله با موضوع مهدویت پرداخته است. محصول این کار در اسفند ماه ۱۳۸۳ با عنوان ««مرجع مهدویت»» به همراه لوح فشرده عرضه گشته است. همچنین در پایگاه اطلاع رسانی انعکاس یافته و به روز می گردد. بررسی نسخه های خطی و آثار جدید، قسمت بعدی این پژوهه است.

فصلنامه انتظار:

یکی از دستاوردهای مهم و با برکت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ع)، فصلنامه علمی، تخصصی «انتظار» است؛ این نشریه حاصل تلاش جمعی از فرهیختگان و استادان حوزه و دانشگاه است و از سوی مرکز تخصصی امامت مهدویت قم تدوین و منتشر می شود. فصلنامه مزبور عهده دار مباحث و موضوعات مهدویت به طور علمی و دقیق بوده و تا کنون ۱۶ شماره آن منتشر شده است. دو ویژه نامه دکترین مهدویت و عدالت مهدویت نیز از جمله شمارگان فصلنامه می باشد.

برو شور:

بنیاد برای ارائه معارف مهدویت به صورت فراگیر و مختصر تا کنون مبادرت به تدوین و نشر چندین بروشور کرده است که عبارتنداز:



طرح ها از: خانم ها انصاری و مشهدی (یاوران افتخاری فرهنگ مهدویت)

۱. امام مهدی (عج) و رشد تربیت انسان ،
۲. انتظار و عاشوراء ،
۳. در عصر غیبت تکلیف چیست؟
۴. سیمای مهدی (عج)، سیرت مهدی (عج)،
۵. چلچراغ امام مهدی (عج)،
۶. در انتظار خورشید،
۷. امام مهدی (عج) در یک نگاه،
۸. مهدی یاوران
۹. مهدی (عج) در غیر

یاوران افتخاری فرهنگ مهدویت

جهت انجام فعالیتهای مهدوی و گسترش فرهنگ مهدویت، بخشی به نام «یاوران افتخاری فرهنگ مهدویت» تشکیل شده است. علاقه مندان در زمینه هایی که دارای توانمندی هستند مانند: رایانه، امور هنری و... با یاری و راهنمایی استادان مرکز تخصصی مهدویت، به فعالیت می پردازند.

پاسخ به سوالات

از جمله فعالیتهای مرکز، پاسخ به پرسشها و شباهات در موضوع مهدویت و مباحث مربوط به آن است و تا کنون به صدها پرسش در این زمینه به صورت مکتوب و تلفنی پاسخ داده شده است. این بخش آمادگی دارد به کلیه پرسش ها و شباهات دریافتی، به صورت تلفنی، مکاتبه ای و از طریق اینترنت پاسخ دهد.

در همین راستا مرکز، اقدام به انتشار برگه های پست جواب قبول؛ نموده است. علاقه مندان می توانند پرسشها و شباهات خود را مطرح کرده و بدون پرداخت هزینه ای پاسخ های خود را دریافت نمایند.



محور سوم؛ تبلیغ و ارتباطات:

جهت گسترش و نشر فرهنگ صحیح مهدویت و تعمیق آن در سطوح مختلف جامعه، «معاونت تبلیغ و ارتباطات» بنیاد، تشکیل شده و در موارد ذیل فعالیت می کند:

۱. اعزام مبلغ و کارشناسی: کارشناسان مرکز تخصصی مهدویت - در حین تحصیل و یا بعد از فراغت از آن- با توجه به نوع مخاطب، به گروههای تخصصی تقسیم شده و به مراکز علمی و فرهنگی اعزام می شوند. تا کنون مبلغان این مرکز به بیشتر دانشگاههای کشور، مدارس، حوزه های علمی، همایش های استانی و بین المللی، صدا و سیما، اردواگه ها، مراکز نظامی و انتظامی و... در مناسبات های مختلف، اعزام شده و با برپایی جلسات سخنرانی، پرسش و پاسخ، کلاس های کارورزی و کارگاهی، به نشر معارف مهدویت پرداخته اند. رایزنی با مراکز علمی، مساجد، صدا و سیما و جهت اعزام کارشناس و مشاوره یکی دیگر از فعالیت ها می باشد.

۲. کانونهای دانشجویی: به منظور ایجاد فضای مضرع «انتظار» در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی، و با مشارکت نهاد مقام معظم رهبری، سازمان بسیج دانشجویی،

جهاد دانشگاهی و دیگر نهادهای دانشجویی، «کانونهای مهدویت» تأسیس شده و در زمینه های زیر فعال هستند: برگزاری جلسات سخنرانی، پرسش و پاسخ، نقد فیلم های مرتبط با موضوع مهدویت، آموزش کوتاه مدت حضوری، اینترنتی و کلاس های کارگاهی و پژوهشی، معرفی کتابها و منابع معتبر و برنامه مدون به همراه سرفصل های مطالعاتی و برپایی اردوهای زیارتی به مسجد مقدس جمکران و....

۳. مسابقات: جهت ایجاد انگیزه در افراد برای مطالعه و کسب شناخت و ارتقای سطح معرفت عمومی درباره امام مهدی (ع)، تا کنون اقدام به برگزاری بیش از ۵۰ مسابقه سراسری متنوع، برای اقسام مختلف - همراه با جوایز ارزشی - نموده است.

۴. امور هنری: با توجه به اینکه دنیای امروز، دنیای تصویر و رسانه است مرکز بالرایه موضوعات مناسب و متنوع به هنرمندان، آنان را به فعالیت در عرصه مهدویت تشویق کرده است و همچنین جلسات متعددی بازیاب هنر و اندیشه داشته و هنرمندان را برای نگارش فیلم نامه و نمایشنامه به سوی موضوعات مهدوی رهنمون ساخته است.

۵. ارتباط با رسانه ها: به منظور ترویج مباحث مهدویت و پاسخ گویی به شباهات مطرح شده با تشویق و ترغیب استادان و دانش پژوهان خود، برای ارائه مقاله در مطبوعات و معرفی کارشناسان به صدا و سیما (در برنامه های متعدد و شبکه های مختلف) و نیز راهنمایی و تشویق سازندگان برنامه های صدا و سیما، گامی دیگر در بسط فرهنگ انتظار برداشته شده است.

۶. تولید ابلاصوی و تصویری: تولید و پخش کاست و CD برای اقسام مختلف جامعه، از دیگر اقدامات می باشد که گلچین مولودی خوانی مذاhan مطرح و مناجات به بازار عرضه گردید.

۷. غنای خشی جشن های نیمه شعبان و نیم ربيع الاول: بنیاد با چاپ پوستر، بروشور و مشارکت در این جشن ها اقدامات مختلفی صورت داده است.

اردواگاه یاوران حضرت مهدی (عج): مسجد مقدس جمکران، تجلیگاه یاد و نام امام مهدی (عج) و مورد توجه عاشقان حضرت بوده و هست؛ بنیاد جهت ایجاد فرصت و فضای مناسب و ارتقای سطح معرفتی و عاطفی زائران و اسکان آنها، اقدام به احداث اردواگاهی در کنار مسجد مقدس جمکران برای نسل نو- بویژه دانش آموزان و دانشجویان - نموده است.

این بنای عظیم در زمینی به مساحت ده هزار متر مربع در حال احداث است.

محمد جواد کمار

با کارت هم قراردادن حروف خانه های
که شماره دارند، رمز جدول را باید
و به آدرس نشیوه ارسال کنید تا به
قید قرعه جایزه بگیرید!

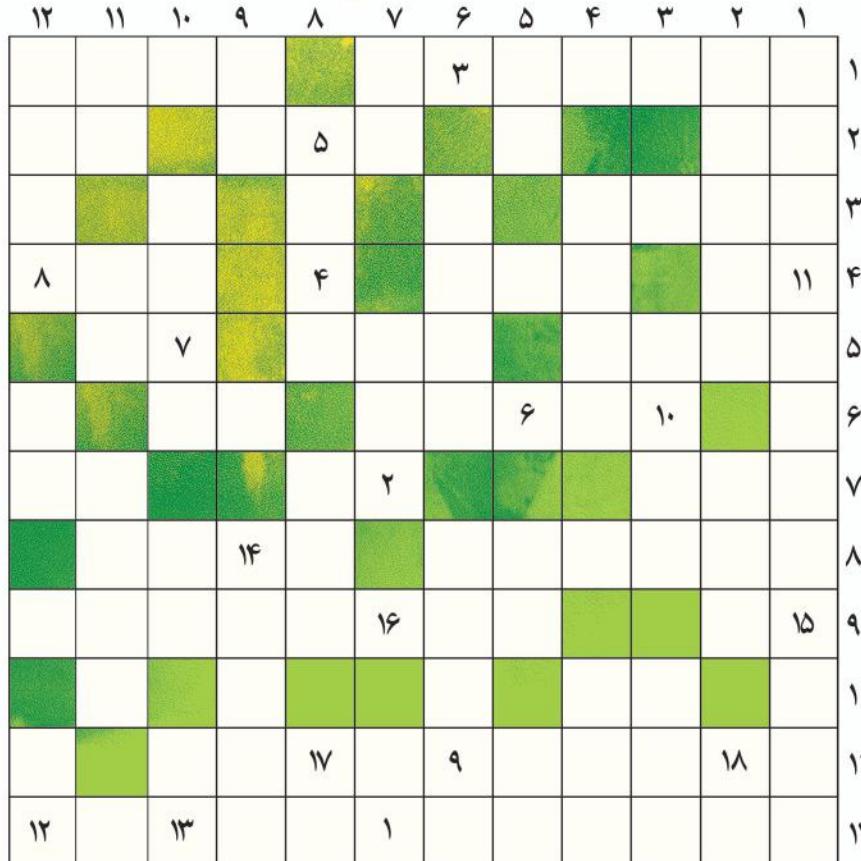
اُفُقی

۱. ایران، بیش از ربع قرن است که مهمان این عطیه الهی است.
 ۲. رحمت آسمانی - ائمه اطهار(ع) ... نجات هستند - سالم ولی ناقص.
 ۳. مادر امام زمان (عج) ... بود - کاری که با شیطان در حج انجام می دهند.
 ۴. بر عکس ضاله - قرن.
 ۵. لحظه - دوست سوزن - بی مقدمه و عمدمی به لهجه تهرانی.
 ۶. کم وزنی - دعای حضرت موسی(ع) : ... امری
 ۷. ششم آن خیلی ارزشمند است - سطل غلط - هشتادین حرف فارسی را تلفظ کن.
 ۸. کیش و آینین - از اجداد پیامبر اکرم(ص) - ضد قبول.
 ۹. سه کیلو - دیگری را بر خود ترجیح دادن.
 - ۱۰ همسر امام حسن عسکری(ع) - درنده - بر عکس کم.
 - ۱۱ گربه عرب - رئیس بدن - پیشوای.
 - ۱۲ دروغگوی دشمن امام زمان (عج) - زهر - محل دفن کسی که با دعای امام زمان (عج) متولد شد.

۱. کنیه حضرت ولی عصر(عج) - یکی از شهرهای مقدس ایران.
 ۲. توان - چاق، فربه - رده، دسته.
 ۳. روستا.
 ۴. حرف نفی عربی - لجبازی نصف و نیمه - جمع رسول.
 ۵. که خبر شد، خبری باز نیامد - حلالش خوب است - کشیدن.
 ۶. حالت - دست کشیدن.
 ۷. نام - این حدیث را کامل کنید: ... لا الحجه لساخت الارض باهله مادر.
 ۸. از علائم قطعی ظهرور - ویران کننده.
 ۹. حرف نفی ابد عربی - یکی از نشانه های ظهرور.
 ۱۰. اصحاب آن در قرآن آمده است.
 ۱۱. محل ظهرور امام زمان(عج).
 ۱۲. رمز یکی از عملیاتهای دفاع مقدس.



پیشان شمعا اول / فروردین ۱۳۸۵



خبر اربعین دویت

تحصیلات: نام خانوادگی: نام: تلفن:
کد شهرستان: پست الکترونیک: نشانی دقیق پستی:
کد پستی:

در صورتی که علاقمند به اشتراک هستید، علامت بزنید.

- خواننده گرامی!
شما می توانید با استفاده از این برگه:
● نشریه خودتان را ارزیابی کنید.
● مطالب زیبایتان را برای ما بفرستید.



● ستاد مهدویت شهرستان سیرجان به همت جمیع از فرهیختگان استان کرمان تأسیس شد.

حجت الاسلام نصرالله پور، دبیر ستاد، ضمن بیان این مطلب، اهم فعالیتهای این ستاد را به این شرح اعلام کرد:

۱. برگزاری دوره کوتاه مدت آموزش مبانی مهدویت توسط استاد ابازمی.
۲. برگزاری جلسه نقده فیلم توسط استاد جعفری.
۳. برگزاری مراسم مختلف شامل جشن های نیمه شعبان و دعای ندبه.
۴. برگزاری اولین همایش استانی مهدویت در سیرجان با سخنرانی نماینده سیرجان در مجلس شورای اسلامی و حجت الاسلام و المسلمين کلباسی، ریاست مرکز تخصصی امامت و مهدویت قم.
۵. تشکیل جلسات منظم و هدفمند در مسجد جامع سیرجان با حضور خواهران و برادران.
۶. انتشار ویژه نامه مهدویت.



● جایزه تقديری پژوهش در حوزه دین به کتاب آينده جهان (دولت و سياست در آنديشه مهدویت) تعلق گرفت.

در مراسم تجلیل از پژوهشگران برتر فرهنگی و خادمان پژوهش کشور که با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آذرماه ۱۳۸۴ برگزار شد، از جناب حجت الاسلام استاد رحیم کارگر، به مناسبت تألیف کتاب آینده جهان (دولت و سياست در آنديشه مهدویت) تجلیل و لوح تقدير به ایشان اهدا شد.

لازم به ذکر است آقای کارگر از استادان مرکز تخصصی امامت و مهدویت قمی باشد.

جناب حجت الاسلام و المسلمين استاد کارگر؛
انتخاب شایسته حضرت عالی به عنوان پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۴، مایه افتخار و مبارات دوستان شما در مرکز تخصصی امامت و مهدویت می باشد. امیدواریم همواره در پناه امام مهدی (ع) پیروز و سر بلند باشید.
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(ع)
مرکز تخصصی امامت و مهدویت
تحریریه((امان زمان))



حساب
حروف

نامه هر کس را سرتراشد قلدری داند

جواد قمی

نگام که پیش افتاد، گفتم: خدایا شُکرت تو این سفر معنوی یه همسفر خوب نصیبیم کردی! رفتم کنارش نشستم، سلام کردم، نگاشو خیلی عارفانه از پنجه اتوبوس برداشت و به من جواب داد. خیلی ایش خوشم اوهد. چیزی از عرفان کم نداشت؛ ریش بلند و حنایی، چشای زیبا و نافذ که با سرمه به آن جلوه داده بود، موى قشنگ، دستی پر از انگشتهای رنگارنگ از عقیق گرفته تا حدید و فیروزه و شرف الشمس و در نجف، تسبیح هم که اگه نداشت، انگار یه چیزی کم داشت. هیبتیش منو گرفت. خیلی با ادب پرسیدم: حاج آقا شما هم پاپوس حضرت تشریف می بینی؟! گفت: اگه لایق باشیم و حضرت طلبیده باشه، باید پیغامی برای یکی از دوستان آقا برسونم!

منو بگو که دیگه تو پوستم از شادی نمی گنجیدم، بابا! عجب سعادتی، سفر معنوی با یه خضر راه، التماس دعا!

کم کم در صحبت باز شد از اینکه: اهل کجایی و چه کار میکنی و چی میخونی و چرا مشهد میری و..

من ساده همش اطلاعات می دادم: اهل قم، دانشجوام، خیلی به دین و مذهب علاقه دارم و برای ادائی نذرم مشهد می رم. از اون طرف هر چی می پرسیدیم با متانت خاصی می گفت: بماند و فوری حرفو عوض می کرد؛ مثل آدم بزرگا که نمیشه ایشون چیزی درآورد. خلاصه شب شد. وقت نماز که پیاده شدیم، ازم عذرخواهی کرد و پشت رستوران رفت. من که دیگه یقین کرده بودم اون اگه خود حضرت نباشه دیگه نفر اول سیصد و سیزده نفر، گفتم؛ حتماً رفت نماز با حالشو تو صحراء بخونه! حاج آقا التماس دعا! سوار ماشین که شدیم دوباره شروع کردیم به صحبت، خیلی برام صحبت کرد؛ همش از کرامات خودش می گفت. اذکار و اوراد خاصم بلد بود. اطلاعاتش خیلی زیاد بود؛ همه عرف را میشناخت و به بعضیشونم اشکال می کرد! می گفت: من به یقین رسیدم همون یقینی که خدا تو قرآن می گه تا اونجا منو عبادت کنین! می گفت: دل باید طرف محبت مولا باشه، خیلی با عمل کاری ندارن! خیلی دنبال احکام و رساله نباش!

خیلی امام زمانی بود. تا اسم حضرت میومد اشک تو چشاش جمع می شد مثل اینکه حضرت رو خوب می شناخت.

انقدر قشنگ حضرت رو برام توصیف کرد که دیگه یقین داشتم با امام زمان(ع) ارتباط داره و هر وقت بخواد میتونه خدمت حضرت برسه! من که می ترسیدم امشب تموم بشه و من دیگه نتونم ازش استفاده کنم، هیچی نمی گفتم و فقط گوشی می دادم. پیش خودم افتخار میکردم و منتظر بودم برگردم قم تا روی برویج دانشگارو کم کنم که همسفر یکی از اوتاد و ابدال بودم! دلتون بسوژه! خلاصه تو این حال و هوا بودم که خوابم برد و دیگه چیزی نفهمیدم.

..... آقا آقا! نمازتون قضانشه! تا چشامو واکردم، دیدم پیرمرد صندلی رو بروی، دستشو رو شونه ام گذاشته و داره بینارم می کنه. حاجی رو از رو شونم برداشم و سریع پریدم بیرون نماز خوندم، البته چه نمازی! نماز لب طلای!

بگذریم، چون نفر آخر بودم، تا اومدم بالا، اتوبوس حرکت کرد، رفتم نشیستم.

حاجی، همسفر عارف ما هنوز خواب بود. گفتم: لابد پیش از همه رفته و نمازشو خونده! شایدم طی الارض کرده، خوش به حالش، التماس دعا!

تو همین فکرا بودم که پیرمرد که منو از خواب بیدار کرده بود، گفت: پسرم!

این رفیقت نماز نمیخونه؟ گفتم: چطور؟ گفت: آخه هر چی بیدارش کردم، بلند نشد! گفت: به تو چه ربطی دارما بذار بخواهیم پیرمرد! فضولی نکن!

تازه دوزاریم افتاد. همسفر عارف ما بی نماز بود؛ نه دیشب نماز خوند و نه صبح. می گفت: به یقین رسیده! با مراجع و علمام خیلی بد بود...

یه دفعه مثل برق پریدم؛ جیبمو نگا کردم، خوشبختانه کیف پولم بود. آخه دیشب خیلی اصرار داشت اگه نذری برای حضرت داری بده بپش برسونم!

به این همه سادگی خودم خنديدم و یاد حرفای امام جماعت مسجد محلمون افتادم که می گفت: بچه ها گول نخورین! مار خوش خط و خال زیادا!

معیاراتون عمل افراد باشه نه ظاهرشون! هر کی ادعای امام زمونی داشت قبول نکنین، آخه:

آنکه را اسرار حق آموختند مهر کردن و دهانش دوختند

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اسسازی فردا پیش از شماره ۴۰۴۳۷۳ پرداخت شده است



نیاز به الصاق
تمبر نمی باشد

قم/صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۹۳۶

